

# شوفار



نشریه قدراسیون یهودیان ایرانی

شماره ۱۶۱

زمستان ۱۳۸۷ خورشیدی، ۲۰۰۹-۲۰۰۸ میلادی، ۵۷۶۹ عبری



I watch the giant shadows  
That my lights  
Cast on the wall  
Telling me  
That hope can grow  
Just like these candles small  
One little spark  
In each man's heart  
Can blaze for all to see  
spreading hope throughout the world  
That all men will be free"  
Judith Berman  
Rose Engel

"به سایه های بزرگ روی دیوار می نگریم  
نوید می دهند که امید  
همانند شعله های کوچک شمع ها، رشد خواهد کرد  
آتش امید و آزادی در قلب انسان  
با جرقه ای کوچک شعله ور می شود"  
جوذیت برمن  
رز اینگل



# *The Fresh Experience*



Main: (310) 659-7070

(310) 659-ELAT

Tape: (310) 650-9983

Fish: (310) 659-9253

Meat: (310) 659-9250

Fax: (310) 659-7434

8730 W.Pico Blvd

Los Angeles, CA 90035

E-mail: [elatmarket@aol.com](mailto:elatmarket@aol.com)



# Happy Hanukkah



مدیریت و کارکنان  
سوپرمارکت معتبر ایلات مارکت،  
فرارسیدن ایام مبارکחנוכה را  
به تمام یهودیان جهان به خصوص یهودیان ایرانی  
تبریک می گویند.

ایلات مارکت امسال نیز هماتد سلطای گذشته با عرضه بهترین کالاها و خدمات  
در خدمت هموطنان گرامی می باشد.



"Get the Soul of Life,  
On the Wings of Music..." (P. A.)

"بر بالهای موسیقی،  
روح زندگی را به خانه خود بیاورید..." (پ.ا.)

# آموزش نوازندگی پیانو

زیر نظر

## پییمان اخلاقی

پیانست، آهنگساز

لیسانس و فوق لیسانس رشته موسیقی از UCLA  
دانشجوی دکترای آهنگسازی

با بیش از پانزده سال تجربه تدریس خصوصی  
و سابقه اجرای کنسرت های متعدد

Piano Instructions

By

**Payman Akhlaghi**

Composer, Pianist

MA, BA in Music From UCLA

PhD Student of Composition

\*آموزش موسیقی کلاسیک، پاپ، ایرانی، فیلم...  
\*آموزش سلفژ، تنوری موسیقی و فنون آهنگسازی  
\*کلاس های ویژه مدرسین پیانو  
\*آموزش در استودیوی خصوصی و یا منزل شما  
(تحت شرایط عادی، همه کلاس ها تک نفره هستند.)

## اجرای تکنوازی پیانو

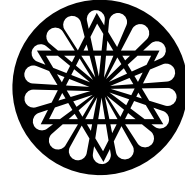
Private Recitals and Solo  
Performances at Ceremonies,  
Banquets and Other Festivities

اجرای کنسرت های خصوصی و  
موسیقی پس زمینه در مراسم اردوور،  
نامزدی، عروسی، بنکویت...  
(هزینه از \$500 به بالا)

Tel: (310) 208-2927

Lessons covering: Brentwood, Bel Air, Beverly Hills, Westwood, West LA, Santa Monica, Sherman Oaks, etc. Text & Design © 2006, Payman Akhlaghi





# شوفار

نشریه فدراسیون  
یهودیان ایرانی کالیفرنیا

## بخش فارسی

پیشگفتار/ ۶

پیام رئیس هیات اجرائی / ۷

اخبار فدراسیون یهودیان ایرانی کالیفرنیا / ۸

گفتگو با شب‌نم کیمیا بخش / ۱۲

کنفرانس مطبوعاتی برای معرفی ترجمه فارسی  
کتاب "شب" در مرکز "سایمون ویزنتال" / ۱۴

آشنایی بیشتر با سازمان "ارت" / ۱۶

بزرگداشت یک شاعر گرانمایه / ۱۹

باراک اوباما رئیس جمهور منتخب آمریکا و بازی  
دشوار بر سر ایران / ۲۰

آدولف آیشمن و قتل شش میلیون یهودی / ۲۴

کتاب تاریخ یهود / ۲۶

نثر کلاسیک فارسی / ۳۰

جشن نور و روشنایی / ۳۴

1317 N. Crescent Height Blvd.  
West Hollywood, CA 90046  
Tel: (323) 654-4700  
Fax: (323) 654-1791

شماره زمستان

۱۳۸۷ خورشیدی

۲۰۰۸ - ۲۰۰۹ میلادی

۵۷۶۹ عبری

سردبیر: مژگان مقدم - رهبر

شوفار ارگان فدراسیون یهودیان ایرانی با هدف ایجاد ارتباط مستقیم بین فدراسیون و افراد جامعه و اعتلای فرهنگ یهودیان ایرانی و ایجاد هماهنگی بین سازمانها، گروه ها و نسلهای گوناگون فعالیت خود را ادامه میدهد.

شوفار در انتخاب مطالب، ویرایش متون و حفظ مصالح جامعه آزاد است.

آثار و مقالات مندرج در شوفار

بیانگر نظرات نویسندگان آن مقالات بوده و بازتاب عقاید و آراء گردانندگان آن نمی باشد.

مسئولیت مندرجات آگهی ها به عهده شوفار نیست. شوفار از کلیه نویسندگان، مترجمان و اهل قلم برای بخش های مختلف، دعوت به همکاری می کند.

نقل مقالات و مطالب نشریه

با ذکر مأخذ آزاد می باشد.

نقاشی روی جلد:

مستانه مقدم - الیس

"شعله های عشق و صلح"

حروفچینی، طراحی صفحات و جلد، آگهی ها  
شیلا شکوری ۰۷۷۰-۶۰۱ (۳۱۰)

شوفار

نشریه فدراسیون یهودیان ایرانی

شماره ۱۶۱

۵

در گرد هم آئی ها و مجالس، تعداد افرادی که روی کفش، کمر بند، لباس، کیف و یا کراوات خود مارک طراح بخصوصی را حمل می کنند رو به افزایش است. پوشیدن و استفاده از این اجناس و خرید از مزونهای معروف به مصرف کننده حس اتکاء به نفس، زیبایی، غرور و شخصیت می دهد و بدون شک وجود تمام این خصائص برای رضایت خاطر و خوشحالی فرد در زندگی بسیار مهم است. در سراسر دنیا افراد معروف و قابل احترام از طریق رسانه های گروهی و برنامه های متفاوت به مردم این پیام را می دهند که استفاده از این پوشاک مارک دار برای آنها آبرو و پرستیژ به همراه خواهد آورد و کار به جایی رسیده که مارک و قیمت کفش و لباس سیاستمداران در یک مناظره سیاسی موضوع داغ تری برای بحث است تا باورهای اقتصادی، اجتماعی و سیاسی آنها.

چقدر خوب بود اگر نیمی از وقتی را که رسانه های گروهی برای تعریف و توصیف مارک لباسهای هنرمندان معروف، اشخاص ثروتمند و سیاستمداران محبوب صرف می کنند به توضیح کار و خدمات انسانی و خصوصیت های خوب اخلاقی آن اشخاص اختصاص می دادند.

اصولاً در دنیا این افراد معروف، با سواد، مرفه و یا برجسته هستند که با پیگیری هر کاری انجام آن را در میان مردم عادی رسم می کنند و همانطور که زیباپوشی و اهمیت دادن به ظاهر از میان آنها شروع شد و هم اکنون اجتماعات گوناگون دنیا را دربر گرفته، رفتار و کردار انسانی نیز میتواند توسط آنها دنیا گیر شود.

متأسفانه در دنیای امروز که رفاه مالی می تواند بسیاری از کمبودها را جبران کند، تنها خاصیتی را که نمی توان خریداری کرد انسانیت است. ای کاش مزونی در یکی از این خیابان ها و یا مجموعه فروشگاه ها وجود داشت که در آن مارک انسانیت، صداقت، مهر و دوستی به فروش می رسید، و ما می توانستیم با خرید آن همانطور که با خرید کیف، کفش، لباس و چمدان با مارک طراحان معروف برای خود احترام، شخصیت و پرستیژ تهیه می کنیم با پوشیدن و استفاده از اجناس آن به مقام والای انسانیت دست یابیم. به گفته شاعر و فیلسوف محبوب ایرانی "سعدی":

تن آدمی شریف است به جان آدمیت

نه همین لباس زیباست نشان آدمیت

به امید افتتاح "مزون انسانیت"  
برای همه شما عزیزان حنوکائی پرنور  
و سال نوئی پر از سلامتی آرزو می کنم.

## پیشگفتار

# مزون انسانیت

مژگان مقدم - رهبر (سردبیر)

قدم زدن در خیابان های معروف "رودئو درایو" در بورلی هیلز، "خیابان پنجم" در نیویورک، و یا "شانزه لیزه" در پاریس، به عابر پیاده شور و هیجان خاصی میبخشد. دیدن اشیاء و اجناس زیبا و نفیس، که در نهایت سلیقه کنار هم چیده شده اند، بسیار چشم نوازند. البته امروزه دیگر تنها این سه خیابان معروف مکان اجتماع مشهورترین و شیک ترین مزونهای طراحان نامی جهان نیستند، چون با وجود پیشرفتهای و تغییراتی که صنعت و تکنولوژی در دنیا ایجاد کرده است، و خواست افراد برای داشتن و دست یافتن به بهترین ها، کم و بیش تمام کشور های دنیا خیابان و یا مجموعه فروشگاهی را دارند که می توان در آن از مزونهای طراحان معروف دنیا بازدید کرد و یا اجناس آنها را خریداری نمود.

به نظر میرسد که اصولاً در دنیای امروز دیگر تنها تمیز پوشیدن و انتخاب با سلیقه لباس و لوازم آرایش برای افراد مهم نیست، بلکه مارک لباس و پوشاک و اینکه به وسیله کدام طراح تهیه شده، و در کدام فروشگاه به فروش میرسد نیز اهمیت بسیار پیدا کرده است.

در طی پنجاه سال گذشته به تدریج مارکی که داخل لباس و یا کیف و کفش قرار میگرفت روی پوشاک دیده می شود، و در هر فصل جدیدی به طریقی درشت تر روی اجناس قرار میگردد. طراحان محبوب و چیره دست همواره سعی میکنند که با ارائه طرح های زیباتر، متفاوت، و راحت، و دوخت های خوب و قابل استفاده مشتریان خود را راضی و خرسند نگه دارند. البته مشتریان آنها نیز می دانند که با پوشیدن اجناس طراحان محبوب خود می توانند شخصیت و ظاهر خود را آن گونه که مایل هستند دوست دارند به جامعه و اطرافیان خود عرضه کنند.

بسیاری از مردم با انتخاب طراح و مارک بخصوصی حتی پشتیبانی و یا مخالفت خود را در بسیاری از مسائل اجتماعی و یا سیاسی دنیا نشان می دهند. خرید از یک مزون می تواند نشانگر این باشد که مشتریان به حفظ محیط زیست اهمیت بسیاری می دهند و پوشیدن لباس از یک طراح دیگر می تواند نشانگر این باشد که شخص با مسائل مردم کشور بخصوصی احساس همدردی می کند.

شوفار

نشریه فدراسیون بهودیان ایران

شماره ۱۶۱

۶

## پیام رئیس هیأت اجرائی آقای منوچهر نظریان



از زمانی که با خانواده ام به آمریکا مهاجرت کردم، هر سال در ایام "حنوکا" به فکر نحوه متفاوتی که این جشن را در ایران برگزار می کردیم می افتم. در آمریکا و دیگر کشور های غربی که در آن ایام کریسمس و سال نو میلادی به عنوان جشن و تعطیلات عمومی به حساب می آید، و مردم با شور و هیجان بسیار به استقبال آن می روند عید حنوکا نیز از اهمیت خاصی برخوردار است.

در ایران رسم بر این بود که هنگام موئد پسخ، خانواده های یهودی هدیه رد و بدل می کردند و برای دید و بازدید به منازل یکدیگر میرفتند. اهمیت موئد پسخ برای یهودیان ایرانی، جدا از مراسم مذهبی و تاریخی آن، مصادف بودنش با عید نوروز بود. همان طور که مصادف بودن حنوکا با کریسمس باعث شده است که یهودیان آمریکا در این ایام هدیه رد و بدل کنند و منازل خود را با چراغ های رنگی و تزئینات مخصوص زینت دهند.

جدا از ۶۰ سال اخیر و وجود یهودیان در کشور اسرائیل، این قوم همیشه در کشور های مختلف دنیا به عنوان یک اقلیت مذهبی، طبق قوانین کشوری که در آن متولد شده زندگی کرده است. با وجود اینکه همه ما یهودی هستیم و معتقد به یک ریشه و ایمان، ارزشهای اجتماعی و فرهنگی جوامع مختلف یهودی با هم تفاوت بسیار دارند. رهبران مذهبی همواره بر این موضوع تأکید می کنند که هر جامعه یهودی باید با آزادی و افتخار ارزش های فرهنگی را که در کشور خود یاد گرفته دنبال کند. جدا از نحوه جشن گرفتن حنوکا، نوع خوراکی ها و غذا هایی که در ایام پسخ و روش هشانا توسط یهودیان در کشورهای مختلف استفاده می شود نیز بسیار متفاوت هستند. برای مثال در میان یهودیان اروپائی و اشکنازی، برنج، که

یکی از مواد غذایی مهم برای یهودیان مشرق زمین و میزراحی در ایام پسخ است، حامس حساب می شود. بنابراین به غیر از آن چه قوانین اساسی یهودیت به ما دیکته می کند، نوع فرهنگی که در آن متولد شده و رشد کرده ایم تا حد زیادی ارزش ها و باور های اجتماعی و مذهبی ما را تحت الشعاع قرار می دهد.

بطور حتم اگر این چنین نبود، امکان بقاء و دوام یهودیت در کشور های مختلف وجود نداشت. دین یهود یکی از معدود مذاهبی است که انعطاف و کنجکاوای را در میان پیروان خود تشویق می کند و در عین حال اتحاد و هم بستگی و پشتیبانی از یکدیگر را در دستورات خود ترویج میدهد.

مایهودیان ایرانی که پس از انقلاب اسلامی، چه خواسته و چه ناخواسته، از کشوری که در آن متولد شدیم به آمریکا و کشور های غربی دیگر کوچ کردیم، با ارزش های فرهنگی و اجتماعی کاملاً متفاوت روبرو شده ایم. بسیاری از ما برای پیشرفت و بقاء خود در کشور میزبان، که به تدریج به خانه اصلی ما تبدیل شده، خیلی زود روش ها و راه های گذشته و ارزش های فرهنگی خود را کنار گذاشته و دوره تحلیل در فرهنگ جدید را شروع کرده ایم.

با وجود اینکه تغییر یک امر اجتناب ناپذیر است، تغییر بدون گذراندن یک دوره انتقالی می تواند عواقب بسیار ناگوار با خود به همراه بیاورد. در ایران، یک یهودی، یهودی بود، و با وجود محرومیت هایی که از آن برخوردار بود و همیشه به عنوان یک اقلیت محدود در کشوری که در آن به دنیا آمده بود زندگی می کرد، هویت و ارزش های فرهنگی خود را می شناخت و آن را به فرزندان آموزش می داد. حتی اگر فردی یک یا دو بار در سال به کنیسا می رفت، یهودی بودنش توسط جامعه و حتی خود او زیر سؤال قرار نمی گرفت، و احساس می کرد که به جامعه خود تعلق دارد.

در کشور آمریکا بسیاری از خانواده ها در میان طبقه بندی های مذهبی که در آن وجود دارد تا حدی جا و مکان خود را گم کرده اند. با وجود آزادی و تساوی حقوقی که در میان مردم آمریکا، بدون در نظر گرفتن نژاد، مذهب، ویا باور های سیاسی، وجود دارد، بسیاری از مهاجرین ایرانی با اتکاء به هوش و نکات خود در این کشور خیلی زود پیشرفت کرده اند. از طرف دیگر به دلیل محرومیت هایی که به عنوان یک اقلیت مذهبی در ایران کشیده بوده اند، در این کشور این مسائل کمتر وجود دارد، محیط زندگی را برای فرزندان خود تا آخرین حد امکان راحت و ایده آل ساخته اند. به صورتی که این جوانان در بهترین مراکز آموزشی درجات بالای تحصیلی می گیرند و در نهایت رفاه مالی دوران نوجوانی و جوانی خود را سپری می کنند، اما پای بند هیچ گونه ارزش فرهنگی و اجتماعی نیستند. چون ارزش هایی را که والدینشان از ایران به همراه خود آورده اند به آنها تعلیم داده نشده و در عین حال والدین آنها ارزشهای فرهنگی این کشور را نیز هنوز قبول نکرده اند و به فرزندان خود یاد نداده اند. بنا براین در زندگی معنوی و اجتماعی این جوانان نوعی خلأ وجود دارد که باعث می شود در نهایت موفقیت ظاهری، نوعی سهل انگاری و بی مسؤلیتی از خود نشان دهند و باعث درد سر خود و اطرافیان شوند.



## اخبار فدراسیون یهودیان ایرانی کالیفرنیا

### تغییر ریاست هیأت امناء

در ماه اکتبر ۲۰۰۸، طی جلسه ای با حضور اکثریت اعضا هیأت امناء فدراسیون یهودیان ایرانی کالیفرنیا، آقای سلیمان رستگار، رئیس پیشین هیأت اجرائی این سازمان و قائم مقام رئیس هیأت امناء در دوره گذشته، به اکثریت آرا به عنوان رئیس جدید دوره پنجم هیأت امناء سازمان انتخاب شدند.

در ماه آوریل ۲۰۰۸ طی انتخاباتی که برای انتخاب اعضا و رئیس دوره پنجم هیأت امناء فدراسیون یهودیان ایرانی کالیفرنیا انجام شد، آقای داریوش دیان، یکی از افراد فعال و خیر جامعه یهودی ایرانی، به اکثریت آرا به عنوان رئیس هیأت امناء انتخاب شدند. متأسفانه در ماه گذشته به دلیل وجود اختلاف نظر و سلیقه در فعالیت های فدراسیون یهودیان ایرانی و چگونگی رسیدن به اهداف آن، آقای داریوش دیان تصمیم گرفتند که از پست خود کناره گیری کنند.

به درخواست و اصرار اعضا هیأت امناء، آقای سلیمان رستگار، برای ادامه اتحاد و همکاری در این سازمان و کاربرد بی وقفه اهداف آن در جامعه، ریاست هیأت امناء را قبول کردند. فدراسیون یهودیان ایرانی همچنان با پشتیبانی خدمتگزاران و دوستداران جامعه فعالیت های خود را برای پیشبرد جامعه یهودی ایرانی ادامه خواهد داد.

### فعالیت چشم گیر بانوان فدراسیون یهودیان ایرانی

در دوره جدید هیأت اجرایی فدراسیون یهودیان ایرانی - کالیفرنیا، خانم شهلا جاودان، یکی از بانوان فعال، شایسته و دلسوز جامعه، ریاست کمیته بانوان این سازمان را به عهده گرفتند. خانم جاودان که سابقه همکاری کم نظیری با انواع سازمان های خیریه و غیرانتفاعی آمریکایی و ایرانی دارند، با حسن نیت بسیار تصمیم گرفتند که برای اولین برنامه، در راه ایجاد اتحاد و محکم تر کردن

خوشبختانه سازمان های متفاوتی که در سراسر آمریکا توسط یهودیان ایرانی تشکیل شده اند، هر کدام به نوعی سعی دارند که مردم جامعه را متوجه این کمبود ها کنند و در از میان برداشتن آنها بکوشند. این باعث خوشبختی بسیار است که ما به سرزمینی مهاجرت کرده ایم، که امروز در آن افراد از هر نژاد و مذهبی سمت های مهم سیاسی و اجتماعی را عهده دار هستند و دموکراسی و تساوی حقوق در آن کاملاً موجود است. ما نیز می توانیم از تمام موهبت و زیبایی های این سرزمین استفاده کنیم، اما به شرطی که آنچنان با سرعت به دنبال تغییر ندویم که قبل از یاد گرفتن یک روش صحیح و جدید، راه و روش خود را از یاد ببریم و به جای ساختن یک زندگی بهتر برای فرزندانمان، زندگی نسلی را تباہ کنیم. با امید اینکه سال نو میلادی و ایام حنوکا برای کلیه هموطنان عزیز و یهودیان در سراسر دنیا سالی پر از نور و امید و روشنائی باشد.

## سالن نعمان

در فدراسیون یهودیان ایرانی  
با گنجایش ۴۵۰ نفر  
مکانی استثنائی و باشکوه  
برای برگزاری مراسم و جشنهای شما



برای کسب اطلاعات بیشتر  
با خانم ایرما اسمیت  
با تلفن ۲۱۴۲ - ۶۵۶ (۳۲۳)  
تماس حاصل فرمائید.

شوفار

نشریه فدراسیون یهودیان ایران

شماره ۱۶۱

۸



شده بود و با همکاری شرکتهای غذایی مختلف، نمونه هایی از مواد غذایی سالم بطور رایگان به شرکت کنندگان عرضه می شد. غرفه های لباس و وسایل زینتی نیز برای استفاده شرکت کنندگان در یکی از سالنها دائر بود.

در همین شماره نشریه "شوفار" طی مصاحبه ای با خانم شبنم کیمیابخش در مورد فعالیتهای این کمیته و برنامه های آینده آن گزارشی دقیق تر چاپ شده است.



بیش از ۸۰۰ نفر در سمینارهای مختلف در روز سلامتی زن شرکت کردند.



مهرنوش رهبر، یکی از هنرمندانی که تابلوهای نقاشی خود را در روز سلامتی زن به نمایش گذاشت.



شرکت کنندگان در حال بازدید از غرفه های مختلف در روز سلامتی زن



تعدادی از اعضای کمیته بانوان فدراسیون

روابط دوستی میان تمام سازمان های فعال بانوان در کالیفرنیا، جلسه ای با حضور تمام این بانوان فعال تشکیل دهند.

در روز سه شنبه ۲۳ سپتامبر ۲۰۰۸، اعضاء کمیته بانوان فدراسیون، در یک برنامه ناهار میزبان بیش از ۲۰۰ نفر از بانوان فعال جامعه یهودی ایرانی و روسا و اعضاء سازمان های مختلف بانوان جامعه بودند. در این گردهم آیی خانم شهلا جاودان طی سخنان خود اظهار داشتند که همکاری و همیاری در سطح اجتماعی بهترین راه برای کسب موفقیت و پیشبرد جامعه است. ایشان از روسای تمام سازمان ها دعوت کردند که درباره سازمان خود و اهداف آن صحبت کنند. در پایان برنامه تمام شرکت کنندگان بصورت کتبی نظریات خود را در مورد مسائل مهم جامعه و اینکه چگونه می توان در حل آنها مفید واقع شد با یکدیگر در میان گذاشتند. این گردهم آیی قدمی بسیار مهم و مثبت برای ادامه اتحاد و دوستی میان تمام سازمان ها و خدمتگزاران جامعه بوده است. گزارش دقیق تری از این گردهم آیی و فعالیت کمیته بانوان فدراسیون یهودیان ایرانی در قسمت انگلیسی همین شماره نشریه "شوفار" به چاپ رسیده است.

## روز سلامتی زن

روز یکشنبه ۲۶ اکتبر ۲۰۰۸، کمیته سلامتی و تندرستی فدراسیون یهودیان ایرانی، به رهبری خانم شبنم کیمیابخش، سمینار "روز سلامتی زن" را در ساختمان مرکز یهودیان ایرانی برگزار کردند.

این سمینار که برای آگاه کردن بانوان از مسائل پزشکی و سلامتی مربوط به زنان برنامه ریزی شده بود، با همکاری نزدیک خانم الهه بروخیم و دیگر اعضاء فعال کمیته سلامتی و تندرستی برگزار شد. بیش از ۹۰۰ بانوی ایرانی در سمینارهای آگاهی دهنده این برنامه که توسط پزشکان و متخصصین اجرا می شد شرکت کردند. به غیر از سخنرانی کارشناسان در طی روز در سالن های دیگر تابلوها و کارهای زیبای شش نقاش هنرمند به نمایش گذاشته

## دوستان اران محترم نشریه شوفار :

۲۵ سال از چاپ مجله "شوفار" نشریه فدراسیون یهودیان ایرانی می‌گذرد. با سپاس از پشتیبانی، همراهی و تشویق شما خوانندگان عزیز در طی این سالها از شما درخواست می‌کنیم برای کمک در هزینه این نشریه حداقل مبلغ ۳۶ دلار در سال به فدراسیون یهودیان ایرانی هدیه کنید. هدایای شما مشمول معافیت مالیاتی خواهد بود و اشتراک سالیانه ارسال مرتب "شوفار" را به آدرس ذکر شده در فرم پائین تضمین خواهد کرد.

### Dear Friends of Shofar:

In the past 25 years, "Shofar", the publication of Iranian-American Jewish Federation, has served as an integral means of communication within the Iranian- American Jewish Community.

In order to continue our mission of informing and bringing our community closer together, we need your help. Your tax deductible donation of \$36 per year will help us reduce our budget deficit and guarantee your prompt receipt of the publication.

Please fill out the form below and mail it to the Iranian -American Jewish Federation.



Name: \_\_\_\_\_

Address: \_\_\_\_\_  
\_\_\_\_\_

E-Mail: \_\_\_\_\_

Gift Amount: \$ \_\_\_\_\_

### Shofar Publication

1317 N. Crescent Heights Blvd., West Hollywood, CA 90046

(323) 654-4700





"A COMMUNITY UNITED TO SERVE"

- دومین گردهمایی ناهار کمیته بانوان فدراسیون یهودیان ایرانی ■  
بنا به تقاضای عموم در چهاردهم فوریه برگزار خواهد شد.

Please SAVE THE DATE

**The Second IAJF's Women's Division Luncheon**

January 14, 2009

At The Iranian American Jewish Center

For more information please e-mail us at  
Shahlajav@aol.com or Call (323) 654-4700

برای اطلاعات بیشتر با تلفن دفتر فدراسیون (۳۲۳) ۶۵۷-۴۷۰۰  
و یا با خانم شهلا جاودان shahlajav@aol.com تماس حاصل فرمائید.



در رشته مدیریت و توسعه بازرگانی گرفته ام. در طی سال ها به عنوان مشاور بازرگانی کار کرده ام و همچنان با همسرم در کارش همکاری می کنم. در سال گذشته به دانشگاه برگشتم و طی یک دوره تحصیلی و کارآموزی کوتاه مدت، دیپلم و اجازه کار به عنوان ”مربی کار و زندگی“ و به قول آمریکائی ها ”Life Coach“ را گرفتم. رشته بسیار جالب و تقریباً تازه ای است، که طی آن در تصمیم گیری ها و از میان برداشتن موانع برای رسیدن به هدفی در زندگی به مراجعین یاری می دهیم و با آنها مشاوره می کنیم. در حال حاضر مشغول تعلیم و مشاوره بادیگر دانشجویان در این رشته نیز هستم.

در چه سنی ایران را ترک کردید و آیا در ایران نیز فعالیت های اجتماعی و همکاری با سازمان های خیریه داشتید؟

در سن ۱۷ سالگی ایران را ترک کردم و باید بگویم که متأسفانه، جدا از فعالیت هائی که در انجمن های خانه و مدرسه هنگام دانش آموزی فرزندانم داشتم، تا این اواخر در هیچ سازمانی به طور جدی و دائم فعالیت نداشته ام.

از چه زمانی همکاری خود را با فدراسیون یهودیان ایرانی آغاز کردید و در این سازمان چه نوع فعالیتی دارید؟

همکاری خود را با فدراسیون یهودیان ایرانی در ماه جون ۲۰۰۸، به دعوت هیأت اجرائی فدراسیون شروع کردم و به عنوان بنیانگذار و رئیس کمیته سلامتی و تندرستی افتخار همکاری با گروهی از خدمتگزاران سختکوش جامعه یهودی ایرانی را دارم.

با تبریک فراوان به کمیته سلامتی و تندرستی برای موفقیت برنامه فراموش نشدنی ”روز سلامتی زن“ لطفاً ما را با کارهای این کمیته و اهدافشان بیشتر آشنا کنید و توضیحاتی در این مورد به ما بدهید.

هدف اصلی کمیته سلامتی و تندرستی کمک به بهبود سلامتی و افزایش تندرستی جامعه است. این کمیته به دو طریق هدف خود را دنبال می کند. اول، از طریق ایجاد آگاهی با جدیدترین اطلاعات پزشکی در رابطه با بیماری های گوناگون، که خود راهی موثر برای پیشگیری از بیماری ها می تواند باشد. دوم، از طریق کمک مستقیم به بیمارانی که توان دست یافتن به درمان لازم را یا به علت مسائل مالی و یا به علت وخامت بیماری ندارند، این کمیته در هر دو زمینه آمادگی کمک خود را اعلام کرده است.

اولین برنامه کمیته سلامتی و تندرستی همانطور که مطلع هستید سمینار روز سلامتی زن بود. که، در روز یکشنبه ۲۶ اکتبر

## گفتگو با شبنم کیمیا بخش

رئیس کمیته سلامتی و تندرستی فدراسیون

یهودیان ایرانی کالیفرنیا

از: فنوش ابریشمی

به منظور آشنائی بیشتر با اعضاء فعال فدراسیون یهودیان ایرانی - کالیفرنیا در هر شماره با یکی از این دوستانی که وقت و همت خود را برای پیشرفت جامعه در اختیار ما قرار می دهند، گفتگویی انجام می دهیم. در این شماره با خانم شبنم کیمیا بخش صحبتی خواهیم داشت. امیدواریم بتوانیم در آینده مصاحبه هائی با دیگر شخصیت های خدمتگزار و فعال جامعه داشته باشیم.

خانم کیمیا بخش با سپاس فراوان از اینکه دعوت مرا برای این مصاحبه پذیرفتید، لطفاً خوانندگان عزیز را بیشتر با خود و خانواده تان آشنا کنید.

با تشکر از شما برای فرصتی که به من داده اید. من ۲۸ سال پیش با همسرم فرهاد کیمیا بخش ازدواج کردم. حاصل این پیمان دو فرزند ما ”جسیکا-صنم“ و ”میشل-جوی“ هستند که وجودشان باعث سعادت و سر بلندی ما است. در حال حاضر ”جسیکا“ در دانشگاه UCLA دوران فوق لیسانس خود را در امور بازرگانی می گذراند و دختر دوم ما ”میشل“ پس از ورود به دانشگاه تصمیم گرفت که رشته زیبائی و آرایش را دنبال کند و در حال حاضر در این رشته مشغول به تحصیل است. من و همسرم، فرهاد، از اینکه خداوند چنین فرزندان لایق و خوش قلبی به ما داده است بسیار شکرگزاریم و آرزوی موفقیت و خوشبختی برای تمام نسل جوان ایرانی داریم.

در چه زمینه ای تحصیلات خود را گذرانده اید و در حال حاضر به چه کاری اشتغال دارید؟

لیسانس خود را در رشته امور بازرگانی و فوق لیسانس را





در ۲۸ سال گذشته بر پایه تاثیری که روی سلامتی همین یک بانو می تواند داشته باشد، ارزنده و ثمر بخش بوده است. حالا مجسم کنید این تأثیر بر تمام اشخاصی که در سال های متمادی در سراسر جهان به خاطر فعالیت های متفاوت سازمان های مختلف زندگی شان تغییر و یا پیشرفت کرده تا چه حد است. به راستی که امروز چهره بشریت به واسطه فعالیت های این سازمان ها متفاوت است.

### آیا توصیه ای که بتواند مشوقی باشد برای جوانان و نوجوانان جامعه ما برای شرکت در سازمان ها و نهاد های غیر انتفاعی و بشر دوستانه دارید؟

دوران نوجوانی برای بیشتر اشخاص دوران مشکلی است به خصوص در این زمانه و در این مملکت فشارهایی روی نوجوانان و جوانان ما وجود دارد که نسلهای گذشته چون نسل من آنرا تجربه نکرده است. تنها توصیه ای که من می توانم به جوانان و بطور کلی به تمام اشخاصی که زندگی خود را دشواری بینند بکنم اینست که در صورت امکان برای مدت محدودی توجه و نیرویشان را از وجود خود برداشته و به دنیای خارج و اشخاصی که بیشتر از آنها گرفتارند متمرکز کنند و ببینند که چگونه روحیه آنها و دیدشان به زندگی کاملاً عوض می شود. انجام کارهای بشر دوستانه و خیر لازمه اش وابستگی به هیچ سازمان و دستگاهی نیست ولی وابستگی به سازمان های غیر انتفاعی می تواند وسیله ای باشد برای ایجاد همبستگی بیشتر ما به جامعه و دیگر خدمتگزاران آن و نهایتاً تاثیر بیشتر ما در برآوردن نیازهای جامعه ای که به آن تعلق داریم.

با موفقیت چشمگیری برگزار شد. این فرصت خوبی است که یادآور شوم روز سلامتی زن پس از سه ماه برنامه ریزی و کوشش اعضای کمیته، با حمایت اعضای هیئت اجرایی فدراسیون و عده کثیری داوطلب انجام گرفت، بدون همکاری تک تک این افراد و سازمان های وابسته چنین موفقیتی چه از نظر کیفیت و چه از نظر کمیت مقدور نبود. من از زحمات تمامی همکارانم در این پروژه بخصوص از خانم الهه بروخیم سپاسگزارم. روز سلامتی زن برای ما تجربه ای مثبت بود و ثابت کرد که آنچه به همکاری و همدستی عده ای در جامعه میسر است به تنهایی و با تکروری مقدور نیست، کمیته سلامتی و تندرستی هم اکنون دست اندر کار تهیه برنامه های جدیدی است که با همکاری دیگر سازمان های غیر انتفاعی جامعه یهودی ایرانی به طور مشترک ارائه خواهد شد.

### به چه دلیلی شما علاقمند به فعالیت های اجتماعی و سازمان های غیر انتفاعی و بشر دوستانه شده اید؟

علاقه من به فعالیت های بشر دوستانه پس از تجربه شخصیم با بیماری سرطان چندین بار افزایش یافت. چرا که این تجربه به من آموخت که ما همگی بدون قید و شرط، از هر رنگ و مذهب، طبقه و اصل و نسب ممکن است گرفتار بیماری های دشوار و خطرناک شویم و همگی ما برای غلبه بر این سختی ها به کمک یکدیگر نیازمندیم.

### به چه علتی فکر می کنید که یک فرد باید جزء سازمان هائی مانند فدراسیون یهودیان ایرانی باشد و یا در کارهای خیریه فعال باشد؟

مهمترین علتی که برای انجام کار خیر به نظرم می رسد کمک به خودمان و هموعان است. اگر خداوند ما را در موقعیتی قرار داده که توانائی کمک به همونوع خود را داریم به شکرانه این توانائی بهتر است مسئولیت قدم گذاشتن در راه خیر را جزء زندگی خود قرار دهیم. این مسئولیت بر شانه همه ماست و بزرگترین نفع از تلاش در این راه به خود ما می رسد. چرا که ما را در مقام یک بنده شکرگزار می گذارد و به زندگی ما معنویت، معنا و هدف بیشتری می بخشد.

### آیا چنین سازمان های غیر انتفاعی و اجتماعی در زندگی روزانه مردم و جامعه ثمر بخش هستند و چگونه؟

من این سوال شما را می توانم به بهترین وجه بر پایه تجربه شخصی خودم با روز سلامتی زن پاسخ بگویم که صد ها نفر از شرکت کنندگان این برنامه از من و دیگر برگزار کنندگان این برنامه تشکر کرده اند چرا که احساس کردند آنچه در این روز آموختند به بهبود سلامتی شان کمک کرده است. بیشترین سپاس از طرف خانم هائی بود که بدون کمک فدراسیون انجام ماموگرام برایشان میسر نبود. حتی اگر یک نفر از این بانوان به واسطه انجام ماموگرام به موقع از بیماری سرطان جان بدر ببرد، باور شخصی من است که تمامی زحمات و فعالیت های فدراسیون

#### ● خواننده عزیز ●

ما مشتاق هستیم که نظریات و عقاید شما را

درباره نشریه شوفار

و خدمات فدراسیون یهودی ایرانی کالیفرنیا

دریافت کنیم.

لطفاً از طریق نامه و یا تلفن با ما تماس بگیرید.

**Shofar Publication**

1317 N. Crescent Blvd., West  
Hollywood, CA 90046

(323) 654-4700

**شوفار**

نشریه فدراسیون یهودیان ایرانی

شماره ۱۶۱

۱۳

روز دوشنبه ۱۰ نوامبر ۲۰۰۸ جلسه ای به دعوت مرکز "سایمون ویزنتال" واقع در لوس آنجلس، کالیفرنیا به منظور معرفی ترجمه فارسی کتاب "شب" نوشته "الی ویزل" برای اطلاع رسانه های همگانی و مطبوعات آمریکائی و ایرانی و همزمان با هفتادمین سالگرد "کریستال ناخت" (شب شیشه های شکسته) برگزار شد.

کتاب "شب" توسط خانم نینا استوار - مسرت به فارسی برگردانده شده و به همت بنیاد جامعه دانشوران به چاپ رسیده است.

این کتاب اولین اثر "الی ویزل" نویسنده معروف و یکی از بازماندگان کمپ های آشویتس و بیرکنو و بونا و برنده جایزه صلح نوبل سال ۱۹۸۶ می باشد.

مرکز سایمون ویزنتال یک مرکز آموزشی و اطلاعاتی برای مبارزه با تعصبات و تبعیضات نژادی بر علیه یهودیان و دیگر نژادها و مذاهب در سراسر دنیا می باشد. موزه تولرانس (یادبود هالوکاست) در کالیفرنیا نیز در این مکان قرار دارد.

همزمان با معرفی ترجمه فارسی کتاب "شب" در مرکز سایمون ویزنتال، قسمتی از فیلم مستند Genocide (نسل کشی) که درباره کریستال ناخت و فجایع هالوکاست تهیه شده است، نمایش داده شد. این فیلم در بیشتر نقاط دنیا حتی در چین و روسیه نیز به نمایش گذاشته شده است. این قسمت فیلم شکستن شیشه های ساختمان ها، سوزاندن کنیساها، و محله یهودیان و سایر خشونت هائی را که در شب "کریستال ناخت" نسبت به یهودیان اعمال شده بود را نشان می داد و شواهدی غیرقابل انکار عرضه می نمود. جالب اینکه بیشتر این اسناد و مدارک توسط خود نازیها و دولت آلمان جمع آوری و بایگانی شده است. بدون شک این افراد از آنچه که می کردند خشنود و مفتخر بودند و از همه اعمال و رفتار خشونت آمیز و غیر قابل تصور خود، عکس، فیلم و سند تهیه می کردند.

از جمله شرکت کنندگان در این جلسه، نمایندگان مطبوعات انگلیسی زبان و کانالهای تلویزیون های آمریکائی ABC-7 و USC S و Fox-11 و ATVN (Annenberg TV News) بودند.

نمایندگان بسیاری از رسانه های همگانی ایرانی نیز در این جلسه حضور داشتند از جمله آقای رضا گوهر زاد سردبیر و ناشر مجله پرستیژ، رادیو Voice of America، آقای فریدون میرفخرائی، هنرمندان برجسته آقایان پرویز صیاد و پرویز کاردان، آقای بیژن خلیلی از شرکت کتاب و ...

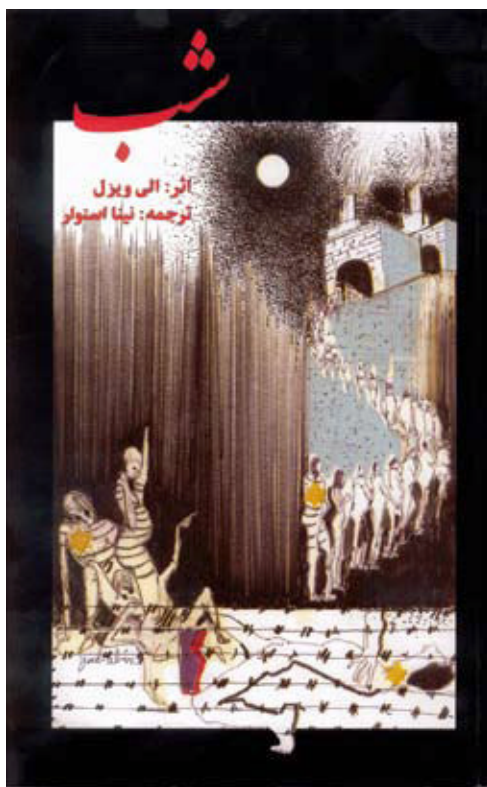
خانم نینا استوار - مسرت و همسرشان و همچنین آقای ژرژ هارونیان و از طرف جامعه دانشوران دکتر شیرزاد ابرامز، خانم راشل و آقای مهرداد مبصری، خانم ویولت و آقای سعید ساسونی، دکتر یعقوب آینه چی، آقای فریدون گلبر، مهندس عبدی خرمیان و دکتر اردشیر بابک نیا در این جلسه حضور داشتند.

میزبانان این جلسه آقایان ربای ماروین هایر، رئیس مرکز ویزنتال، و آقای ربای ابراهام کوپر، مدیر این مرکز بودند.

آقای ربای هایر طی سخنانی در مورد کتاب شب و اهمیت ترجمه آن به زبان فارسی، تأکید کردند که این قدم مثبتی برای مطلع

## کنفرانس مطبوعاتی برای معرفی ترجمه فارسی کتاب "شب" در مرکز "سایمون ویزنتال"

گزارش از ویولت ساسونی







تعدادی از شرکت کنندگان در برنامه معرفی کتاب شب



ربای ماروین هایدنرئیس مرکز سایهون ویزناتال

یهودیان ایرانی در کل جامعه لس آنجلس اظهار خشنودی نمود و گفت که امیدوار است با همکاری رسانه های گروهی و مطبوعات فارسی زبان پیامی متحد و صحیح در رابطه با وقایع جنگ دوم جهانی و هالوکاست برای حکومت ایران، ایرانیان و به خصوص جوانان و دانشجویان فرستاده شود تا به فرونشاندن تشنج موجود بین دو کشور کمک بنماید.

طی این جلسه شرکت کنندگان عقاید و نظریات خود را در مورد این کتاب و این که آگاهی دادن به مردم داخل ایران بهترین نحوه مبارزه با گفته های غلط و بی اساس برخی از رهبران این کشور است، بیان داشتند. این جلسه با تشکر از خانم استوار و جامعه دانشوران برای ترجمه، چاپ و انتشار این کتاب و همچنین امضاء کتاب توسط خانم نینا استوار پایان گرفت. برای مشاهده ویدئو کامل این مراسم و اطلاعات بیشتر درباره کتاب شب لطفاً به سایت بنیاد جامعه دانشوران [www.daneshvaran.org](http://www.daneshvaran.org) مراجعه نمائید.

کردن مردم ایران در مورد فجایعی است که نسبت به یهودیان در جنگ جهانی دوم انجام گرفت.

پس از اتمام انتخابات در آمریکا، آقای احمدی نژاد در پیامی انتخاب اُباتا را تبریک گفت که بنظر می رسد هدفش شروع روابط مجدد بین ایران و آمریکا بوده است. در حالیکه ایشان مکرراً وقوع هالوکاست را انکار نموده و حتی خواهان محو اسرائیل از نقشه جهان شده است.

به عقیده ربای هایدنر ترجمه فارسی این کتاب بهترین جواب به سخنان و عقاید آقای احمدی نژاد و بهترین راه برای آگاه کردن مردم ایران است. ربای هایدن اظهار امیدواری کردند که آقای احمدی نژاد برای نشان دادن حسن نیت خود ترتیبی بدهند که تعداد قابل توجهی از این کتاب به ایران فرستاده شود و در دسترس دانش آموزان و دانشجویان ایرانی قرار گیرد تا با تاریخ و حقیقت این ماجرا آشنا شوند.

ربای کوپر طی سخنانی از نقش مثبت و مؤثر ایرانیان و



## Farnoosh Tinoosh, M.D., FAAO

Laser Vision Correction (LASIK) Specialist  
Eye Surgeon and Physician



- جراح متخصص چشم
- متخصص جراحی لیزیک با لیزر
- بیش از ۴۰ هزار جراحی موفقیت آمیز
- آزمایش کامل چشم
- ترمیم نزدیک بینی، دوربینی، پیرچشمی و آستیگمات به روش لیزر
- جراحی آب مروارید بدون سوزن و بخیه



www.LASIKinLA.com

Beverly Hills : (310)550-5898  
Costa Mesa : (800)699-2802  
9301 willshire Blvd. #608,  
Beverly Hills, Ca

اکثر بیمه ها پذیرفته می شود (مدیکل و مدیکر)



تعدادی از اعضای هیأت مدیره گروه ارت

ایستاده از راست: نادره حریری - یافا بلور - مهین شوشنی - فروغ معنوی - پری شمسیان -  
استر حکیمیان - ژاکلین روبن - بدری ربانی - گیتی شوشنی - مهری خرمی - پریش جورابچی  
- مینو ناتان  
نشسته از سمت راست: هما مقیمی - فروغ شوشنی - ثریا گلشنی - مهین کامران - تانیا یادگار  
- افسر حلاوی - شادروان فهیمه ناتان

## آشنایی بیشتر با سازمان "ارت"

داشتند. پس از مهاجرت به آمریکا خانم معتمد عضو کمیته اجرائی ارت جهانی شدند و به عنوان رئیس برنامه ریزیهای فرهنگی این سازمان در سطح جهانی انتخاب شدند.

بانوان ایرانی دوستدار سازمان ارت با تشویق خانم معتمد در سال ۱۹۸۰ به یکی از شاخه های ارت آمریکایی ملحق شدند و هم اکنون شاخه ایرانی این سازمان یکی از گروه های بسیار فعال آن به حساب می آید.

از سال ۱۹۸۰ تاکنون ریاست این سازمان را بسیاری از بانوان نیکوکار و نیکونام یهودی ایرانی به عهده داشته اند، از جمله: خانم ویولت صادقی، شادروان خانم توبا سومخ و خانم مهین سومخ- کامران. گروهی از بانوان بسیار لایق و خدمتگزار جامعه از بدو شروع کار این گروه با آن همکاری داشته اند و با فعالیت و پشتکار آنها گروه ایرانی این سازمان توانسته جای مهمی را در کل این مرکز به خود اختصاص دهد.

گسترش فعالیت سازمان ارت و ایجاد تمام امکاناتی را که دربر میگیرد، بدون پشتیبانی و یاری دوستداران آن امکان پذیر نیست. از تمام خواهران عزیز تقاضا داریم که به ما بپیوندند و عضویت این سازمان را که مایه افتخار است بپذیرند و با هدایای همت عالی خود سازمان ارت را به هدف های عالی خود نزدیک تر کنند.

هما مقیمی عضو هیأت مدیره  
شاخه ایرانی سازمان "ارت"

بدون شک بیشتر هموطنان ایرانی با سازمان "ارت" ونحوه کار آن در کشور های مختلف آشنائی دارند. این سازمان در ابتدا توسط چند بانوی خدمتگزار یهودی در شهر "سن پیتربورگ" ، در روسیه، در سال ۱۸۸۰، پا به عرصه وجود گذاشت. چندی بعد سازمان بانوان ارت در آمریکا توسط چندین بانوی فعال یهودی در نیویورک تشکیل شد و به تدریج نه تنها در نقاط مختلف آمریکا بلکه در کشورهای دیگری که یهودیان در آن سکونت داشتند شروع به فعالیت کرد. کلمه "ORT" مخفف Organization for Rehabilitation Through Training است.

این سازمان برای جوانانی که امکانات کافی برای تحصیل در علم و صنعت را ندارند در آموزشگاه های متعدد خود با شهریه های بسیار پائین و یا به طور رایگان این تعلیمات را در اختیار آنها می گذارد تا به این ترتیب آینده خود را تامین کنند.

در ۱۲۰ سال گذشته آموزشگاه های حرفه ای این سازمان در ۱۰۰ کشور جهان امکان تحصیل را برای علاقمندان فراهم کرده است. در ایران سازمان ارت، با وجود فعالیت و فداکاری تعداد بسیاری از بانوان ایرانی و جامعه یهودی ایرانی توانست به عده کثیری از جوانان ایرانی در آموزش و پرورش و یادگیری انواع حرفه ها یاری دهد. در ایران، قبل از انقلاب، خانم پروین معتمد، یکی از بانوان تحصیلکرده و با ارزش جامعه یهودی ایرانی، ریاست کل ارت ایران را به عهده

**شوفار**

نشریه فدراسیون یهودیان ایران

شماره ۱۶۱

۱۶



# دکتر شهریار فرزاد

جراح و متخصص بیماریهای چشم

فارغ التحصیل از دانشگاه UCLA

Jule Stein Eye Institute

عضو کادر پزشکی UCLA



SHAHRIAR FARZAD, M.D.  
OPHTHALMOLOGIST

انجام کلیه اعمال جراحی چشم

آب مروارید Cataract Surgery

آب سیاه Glaucoma Surgery

اعمال جراحی پلک Ophthalmic Plastic Surgery

اعمال جراحی نزدیکبینی و دوربینی Lasik Refractive Surgery

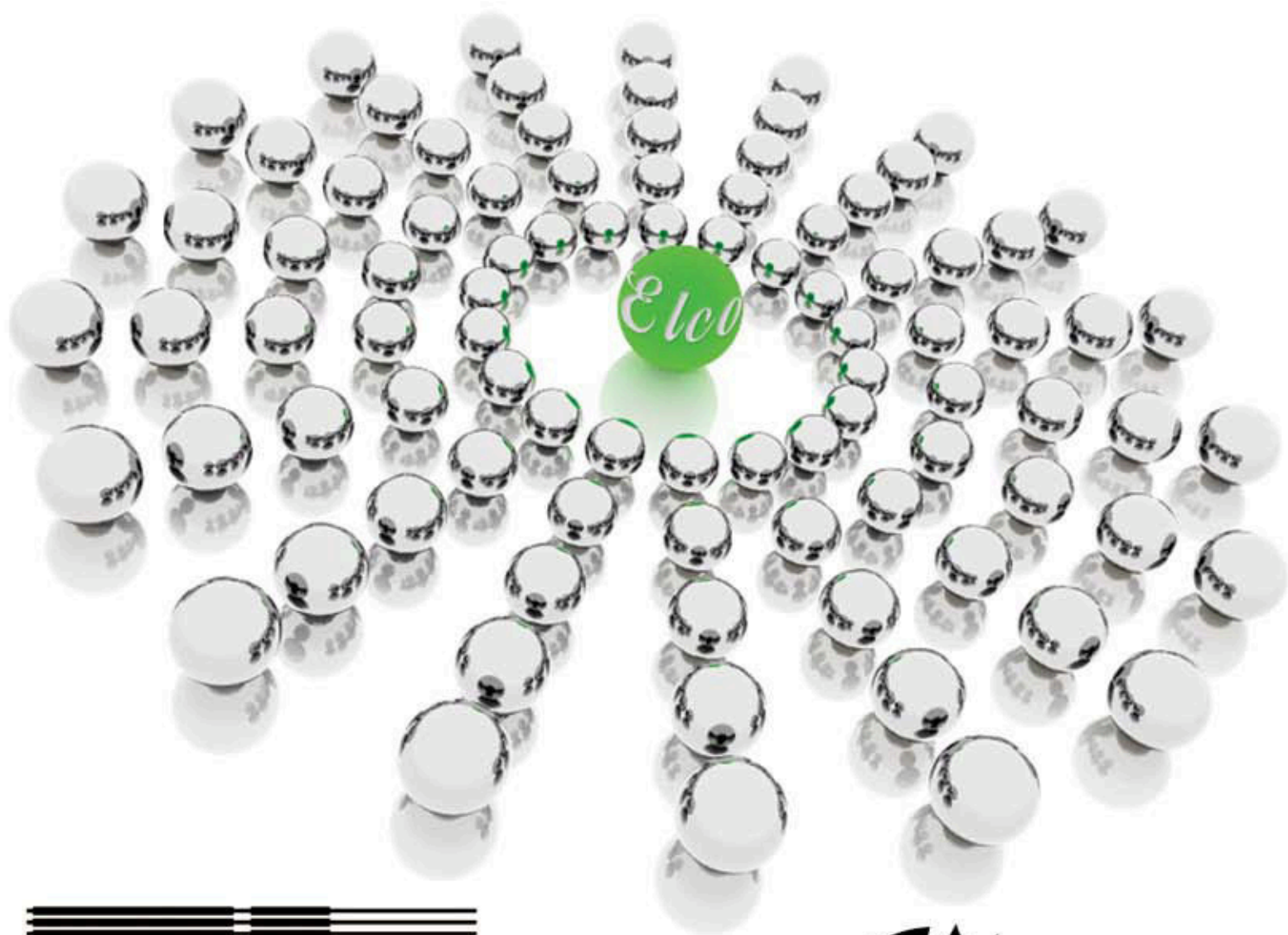
9301 Wilshire Blvd., Suite 406

Beverly Hills, CA 90210

Tel: (310) 247-8282



# ELCO *Lighting*



## الكو

نامی معتبر، شناخته شده  
و پیشگام  
در صنعت نور و روشنایی

در روز ۳۰ نوامبر سال ۲۰۰۸ دوستان و طرفداران اشعار زیبا، عمیق، و لطیف خانم مهین عمید (نگاه)، شاعره گرانقدر و معروف، برای تجلیل از سروده‌های زیبایی ایشان و گرامیداشت کارهایشان دور هم جمع می‌شوند. این مراسم با استقبال همگان در سطح جامعه روبرو شده است و برگزار کنندگان آن خوشحال هستند که خانم عمید پس از مدتها بالاخره موافقت خود را برای برگزاری چنین جشنی اعلام کرده‌اند. با آرزوی سلامتی و موفقیت هر چه بیشتر برای خانم مهین عمید، یکی از آخرین سروده‌های ایشان را، که مانند همیشه پر از نکات عمیق و احساسات پر شور است در این شماره مجله شوفار چاپ می‌کنیم.

## بزرگداشت یک شاعر گرانمایه



### قوم من و تو

سروده: مهین عمید (نگاه)

ز آنروز که جلوه وفا در دل مرد	در باغ وطن گل محبت افسرد
از یاد برفت الفتِ دیرینه	هر آنچه خدا به جمله ی خلق سپرد
عهدیست کهن میان قوم من و تو	کانرانتوان شکست و از یاد سترد
دیرینه محبتی است همپای قرون	هرگز نتوان بسادگی از دل برد
ثبت است به تورات ز کورش این عهد	مردند بسی کسان و این عهد نمرد
این قوم خداشناس و پایند اصول	صد بار ز جور رنجه گشت و پژمرد
با اینهمه پایدار و برنا و سترک	در پای وطن ستاد چون رستم گرد
با آنکه بدست مردم نا آگاه	با زجر و ستم روح و روانش آزد
از میهن و هموطن جدایی نگزید	مایوس نشد از آنهمه لطمه که خورد
همردد و هم آواز شد و همدل بود	با پارسی و آذری و رشتی و کرد

افسوس "نگاه" خسته دل گه ببند

جای می ناب جام لبریز ز درد



دمکرات ها کشاند عبارتند از :

- بحران اقتصادی
- ادامه جنگ فرسایشی در عراق و افغانستان
- مبارزه با تروریسم
- اهمیت ندادن به حقوق افراد
- کم کردن بودجه آموزشی و بهداشتی کودکان .
- کم توجهی و جدی نگرفتن گرم شدن محیط زیست.
- میزان مالیاتها و نحوه اخذ و مصرف آن.
- ممانعت در سقط جنین و قطع کردن بودجه تحقیقاتی برای سلولهای ریشه ای.
- مسئله مهاجران غیر قانونی و انتقال مشاغل به خارج از آمریکا.
- اتکاء به تامین سوخت از منابع خارجی.
- کاهش محبوبیت و آبروی آمریکا در سطح جهانی.

از آنجائی که تاثیر افکار عمومی در نتیجه انتخابات بسیار موثر است ، لذا در این انتخابات اخیر دمکراتها روی چند مورد از ضعف های دولت پرزیدنت بوش سرمایه گذاری کردند و با استفاده از نارضايتی مردم، وبا تاثیر گذاشتن روی ذهنیت رای دهندگان و جمهوری خواهان مردم، رای بسیاری از آنان را به آرای خود افزوده ودر نتیجه به پیروزی غیر منتظره ای رسیدند. به این ترتیب جمهوری خواهان شکست سنگینی را متحمل شدند. در این انتخابات بیش از ۱۲۰ میلیون نفر شرکت کردند و اوپاما توانست ۵۳ درصد آرا را بدست آورد.

اوپاما در نطق پیروزی خود در میان ۱۲۵ هزار نفر از طرفدارانش و خطاب به کسانی که در سراسر جهان به او گوش می کردند، گفت: "آنانی را که بخواهند به دنیای ما صدمه برسانند شکست خواهیم داد و به کسانی که در پی صلح و امنیت هستند یاری خواهیم رساند و به آنهایی که می پرسند آیا آمریکا هنوز زنده است گوشزد می کنم که امشب یکبار دیگر ثابت شد که قدرت آمریکا در میزان تسلیحات نظامی و ثروت زیادش نیست، بلکه از پایداری مردمش در راه رسیدن به دمکراسی و آزادی، اعطای فرصت مساوی به همگان و از دست ندادن امید است."

انتخاب باراک اوپاما برای ریاست جمهوری آمریکا نقطه عطفی در تاریخ آمریکا خواهد بود. اکنون نه تنها سپاه پوستان افتخار می کنند که یکی از آنان به مقام رهبری نائل شده است، بلکه سایر آمریکائیان نیز افتخار می کنند که در جامعه ای زندگی می کنند که در آن سپاه و سفید، مرد و زن و فقیر و غنی همه برابرند و از فرصت های مساوی برخوردارند.

پیروزی باراک اوپاما برای ریاست جمهوری آمریکا یکی از مهمترین رویداد های قرن بیست و یکم (تا لحظه کنونی) به شمار می آید. زیرا که برای نخستین بار یک نیمه سپاه پوستان کنیایی تبار با رأی اکثریت مردم در رأس بزرگترین قدرت اقتصادی و نظامی جهان قرار می گیرد. پیروزی اوپاما بدون شک تغییرات عمده در امور داخلی مملکت و تغییرات ایدئولوژیک در سیاست خارجی در بر

## باراک اوپاما رئیس جمهور منتخب آمریکا و بازی دشوار بر سر ایران

از: ایرج فرنوش



"اگر هنوز کسانی هستند که تردید دارند: آمریکا کشوری است که همه چیز در آن وجود دارد، هنوز رویای بنیان گذاران آمریکا پابرجاست، و هنوز نسبت به قدرت دمکراسی در آمریکا تردید دارند، امشب جواب خویش را می یابند"

باراک اوپاما- در نطق پیروزی خود

آنچه در آمریکا اتفاق می افتد، بدون شک در سراسر جهان اثرگذار خواهد بود. انتخابات اخیر در آمریکا که در طی آن "باراک اوپاما" سناتور دمکرات از ایالت ایلینوی، توانست "جان مک کین" سناتور جمهوری خواه و سرباز با تجربه از ایالت آریزونا را شکست دهد و با یک پیروزی رویائی اولین رئیس جمهور سپاه پوستان آمریکا شود، از این قانون مستثنی نیست. در این انتخابات دمکرات ها علاوه بر دست یافتن بر مقام ریاست جمهوری توانستند در رأی گیری مجلس نمایندگان و سنا، جمهوری خواهان را شکست داده، و به یک پیروزی دیگر یعنی گسترش اکثریت خود برسند. دمکرات ها توانستند در مجلس سنا ۵ کرسی و در مجلس نمایندگان ۲۰ کرسی را از جمهوری خواهان بگیرند تا مسیرشان در آینده هموارتر شود. بسیاری از تحلیلگران سیاسی عامل پیروزی دمکرات ها در انتخابات ۲۰۰۸ را خسته شدن مردم از سیاست های جرج بوش میدانند. عوامل مهم داخلی و خارجی که مردم را به سوی

شوفار

نشریه فدراسیون یهودیان ایران

شماره ۱۶۱  
۲۰



Photo : www.newsday.co

آشکار شود. و نیز به همان دلیل که رفتار "کالین پاول" حامی فعلی اوپاما در دوره رهبری دستگاه سیاست خارجی آمریکا در برابر ایران، اختلافی با موضع ابراز شده جانشین هم‌رنگ او "کاندالیزا رایس" نداشت، ضمن آنکه معاونت اوپاما به عهده کسی است که در دشمنی با حکومت ایران شهرت فراوان دارد.

در حقیقت باراک اوپاما در بحبوحه مبارزات انتخاباتی خود کوشید تا در اتخاذ مواضع شدید علیه دولت ایران از رقیب جمهوری خواهش "جان مک کین" عقب نماند و روز به روز از موضع نخستین خود مبنی بر انجام مذاکره با رژیم تهران فاصله بیشتری بگیرد. وی به نطق احمدی نژاد در سازمان ملل نیز واکنش شدید نشان داد و اظهارات رئیس جمهور ایران را مشمئزکننده و یهود ستیزانه دانست.

به نظر تحلیلگران سیاسی در اروپا، به نظر نمی رسد که رژیم تهران از پیروزی اوپاما خشنود باشد، هرچند که در تبلیغات خود از این پیروزی برای بی اعتبار کردن سیاست جورج بوش استفاده خواهد کرد. همچنین رهبران ایران می دانند که اگر اوپاما سیاست تشدید فشار علیه ایران را در پیش بگیرد با موانع کمتری نسبت به جورج بوش روبرو خواهد شد و این خود وضعیتی تهدید آمیز برای ایران محسوب می شود.

از مجموع اظهار نظرهای باراک اوپاما و مشاورانش چنین برداشت میشود که آنها پس از آزمودن مذاکره با ایران در یک دوره کوتاه چنانچه به هدف اصلی خود مبنی بر تعلیق غنی سازی اورانیوم از طرف ایران دست نیابند سیاست اعمال فشار را با شدت بیشتر از دولت بوش در پیش خواهند گرفت.

باراک اوپاما در اولین کنفرانس مطبوعاتی خود که در روز

خواهد داشت، و جو جدیدی در روابط بین الملل بوجود خواهد آورد. انتخابات ۲۰۰۸ آمریکا به لحاظ تاثیری که در زندگی مردم در سراسر جهان بطور اعم و در زندگی مردم کشورهای خاورمیانه بطور اخص در بر خواهد داشت از اهمیت خاصی برخوردار است. از این رو انتخاب اوپاما به عنوان رئیس جمهور، شادی قابل توجهی در سراسر جهان مخصوصاً در کشورهای اسلامی به وجود آورده است. گرچه پیروزی اوپاما باعث خوشحالی بسیاری از محافل اروپائی هم شد، اما خرسندی آنان با نوع اسلامی و خاورمیانه ای آن بسیار متفاوت است.

رهبران اکثر کشورهای جهان به پیروزی تاریخی باراک اوپاما واکنش مثبت نشان دادند، ولی واکنش مقامات ایران نسبت به پیروزی اوپاما محتاطانه بود. منوچهر متکی وزیر امور خارجه ایران اظهار امیدواری کرد که اوپاما بتواند خواست مردم آمریکا را برآورده کند. بعضی از تحلیلگران سیاسی ایران از لحن بیان و کلمات نامناسبی که منوچهر متکی در مورد پیروزی باراک اوپاما ابراز کرده بود انتقاد کردند و آن را برخلاف عرف دیپلماتیک دانستند. د روز پس از اعلام پیروزی اوپاما، محمود احمدی نژاد در پیامی، پیروزی اوپاما را تبریک گفت. وی اولین مقام ارشد ایرانی بوده که در ظرف سی سال گذشته برای رئیس جمهور منتخب آمریکا پیام تبریک می فرستد. روزنامه "آفتاب یزد" چاپ تهران در سرمقاله خود چنین نوشت: "به پایان رسیدن آخرین پرده از انتخابات آمریکا و راه یافتن اوپاما به کاخ سفید تأثیر چندانی بر روابط واشنگتن - تهران نخواهد داشت، همانطور که اسلاف دمکرات اوپاما، کارتر و کلینتون حرکتی نشان ندادند تا تفاوت نگاه آنها به ایران نسبت به جانشینان جمهوری خواه ایشان - ریگان و بوش ها

خواستار مبارزه با گروه‌های تروریستی اسلامی به ویژه حزب الله بوده است.

نکته قابل توجه اینکه اکثریت یهودیان آمریکا که دمکرات هستند به اوپاما رأی دادند. ۱۸۰ نفر از نمایندگان مجلس و ۹ نفر از سناتورهای یهودی از نامزدی باراک اوپاما برای ریاست جمهوری پشتیبانی کرده بودند و بسیاری از مشاوران کلیدی اوپاما یهودی هستند.

سناتور "جو بایدن" معاون او نیز همواره یکی از پشتیبانان کشور اسرائیل در سنای آمریکا بوده است.

باراک اوپاما "رحم ایمانوئل" نماینده مجلس از ایالت ایلینوی را که یک یهودی است به ریاست دفتر خود که یک سمت کلیدی است انتخاب کرده است.

بدون شک اوپاما در دوران ریاستش با مشکلات زیادی روبرو خواهد بود. بهبود وضع اقتصادی و پایان دادن جنگ عراق از اولویت خاصی برخوردار هستند. امید است که در زمان زمامداری وی روابط ایران و آمریکا و همچنین روابط ایران و اسرائیل از دشمنی به دوستی تبدیل گردد و وی بتواند با اعمال نفوذ، یک صلح پایدار و شرافتمندانه بین اسرائیلیان و فلسطینیان برقرار کند.

رئیس جمهور منتخب روز ۲۰ ژانویه ۲۰۰۹ رسماً زمام قدرت را در دست میگیرد و به طور رسمی دوران ریاست جمهوری جورج بوش به پایان می رسد.

جمعه ۷ نوامبر صورت گرفت، در جمع خبرنگاران حاضر و به برخی از سوالات آنان از جمله نامه تبریک احمدی نژاد پاسخ داد. وی گفت از ارسال نامه آقای احمدی نژاد آگاه است و در فرصت مناسب به آن پاسخ خواهد داد و افزود که معتقد است که برنامه هسته ای ایران قابل قبول نیست و تأکید کرد که نیاز به تلاشی جهانی برای متوقف کردن این اقدامات ایران است و اضافه کرد که ایران همچنان از سازمانهای تروریستی حمایت می کند.

**انتخاب باراک اوپاما برای ریاست جمهوری آمریکا نقطه عطفی در تاریخ آمریکا خواهد بود. اکنون نه تنها سیاه پوستان افتخار می کنند که یکی از آنان به مقام رهبری نائل شده است، بلکه سایر آمریکائیان نیز افتخار می کنند که در جامعه ای زندگی می کنند که در آن سیاه و سفید، مرد و زن و فقیر و غنی همه برابرند و از فرصت های مساوی برخوردارند.**

واکنش مقامات اسرائیل از پیروزی باراک اوپاما بسیار مثبت بود، آنها اعلام کردند که روابط اسرائیل و آمریکا به پیشواز آینده ای روشن می رود. اهود المرت تأکید کرد که اطمینان دارد ارتباط میان اسرائیل و آمریکا در دوران ریاست جمهوری اوپاما قوی تر خواهد شد. اوپاما بارها تأکید کرده که خود را نسبت به امنیت اسرائیل متعهد می داند و این موضوع قابل چانه زدن نیست. وی همیشه

## Complete Eye Exam For All Ages LASIK / PRK Consultation And Surgery

Repair Of Retinal Tear, Treatment Of  
Diabetic Retinopathy And Glaucoma With Laser

Cataract And Glaucoma Surgery  
With The Newest Techniques  
Eyelid Surgery And Botox Injections

FREE CONSULTATION FOR LASIK SURGERY



**JOSEPH KERENDIAN, M.D.**  
American Board of Ophthalmology (ABO)  
Graduate of USC school of medicine

NORTHRIDGE (818) 832-5551  
BEVERLY HILLS (310) 360-0152

اکثر بیمه های درمانی پذیرفته می شود

مراقب بینایی خود باشید

# دکتر ژوزف کرندیان جراح و متخصص چشم

معاینات کامل چشم در تمام سنین

رحایی از عینک و کانتکت لنز با لیزر (LASIK / PRK)

پارکیمای سبکیه و احتمالات چشم در بیماری قند و آب سیاه توسط لیزر

جراحی آب سیاه و آب مروارید با متدهای جدید

جراحی زیبایی پلک و BOTOX

**شوفار**

نشریه فدراسیون یهودیان ایران

شماره ۱۶۱  
۲۲



LAW OFFICES OF  
**SHAHROKH MOKHTARZADEH**

*Serving the Iranian/American community since 1990*

**BUSINESS, REAL ESTATE, FAMILY LAW, LITIGATION**

**دفاتر حقوقی**

**دکتر شاهرخ مختارزاده**

متخصص در

**قراردادهای تجاری، املاک، امور خانواده، دعاوی قضایی**

**TEL: 310.286.1200**

**2029 CENTURY PARK EAST, SUITE 2970**

**LOS ANGELES, CALIFORNIA 90067**

**FAX: 310.286.1250**

**E-MAIL: [shahrokh@smplcla.com](mailto:shahrokh@smplcla.com)**

در لهستان که در آن بیش از ۳/۵ میلیون نفر یهودی زندگی می کردند برپا می شود.

در آغاز سال ۱۹۴۲ در جلسه ای با شرکت آیشمن و ۱۶ تن از سران بلند پایه نازی برنامه قتل ۱۱ میلیون یهودیان اروپا بررسی و بتصویب میرسد.

از آن روز به بعد طبق دستور آیشمن یهودیان از نقاط مختلف اروپا در قطار

هائی که درب و پنجره هایشان بکلی مسدود شده بودند که هوا به مسافران آنان نرسد و بدون غذا به سوی کمپ های مرگ فرستاده می شوند.

در سال های ۱۹۴۵-۱۹۴۲ قریب به ۲ میلیون نفر از یهودیان در نتیجه خفگی، گرسنگی، گلوله باران و غیره و با کمک یهودی ستیزان لهستانی، از پای در می آیند و ۴ میلیون نفر دیگر در اطاق های گاز در کمپ ها به قتل میرسند.

در سال ۱۹۴۵ سربازان امریکائی با ورود به برلین غربی آیشمن را دستگیر و زندانی کردند ولی او از موقعیت هرج و مرج استفاده نمود و از زندان گریخت و در سال ۱۹۵۰ توسط گروه های نازی از آلمان فراری داده شد.

او در سال ۱۹۶۰ توسط مأموران "موساد" دستگیر و به اسرائیل آورده شد، و پس از محاکمه به دار آویخته شد.

در این قسمت ترجمه مقاله کوتاهی به قلم زنده یاد "ایسر هارل" را که در آن زمان ریاست موساد را بعهده داشت به حضور شما تقدیم می کنم:

"در سال ۱۹۵۲ با رسیدنم به پست ریاست موساد دستگیری جنایتکاران نازی و در راس آنان آدولف آیشمن را که عامل کشتار ۶ میلیون نفر از قوم ما بودند در رأس برنامه کار خود قرار دادم. متأسفانه تمام جستجوهای ما برای پیدا نمودن آیشمن به نتیجه ای نرسیدند تا اینکه در سال ۱۹۵۷ شخصی به نام "دکتر پریتر" دادستان استان "هسن" در آلمان بما خبر داد که طبق اطلاعی که به او رسیده، آیشمن در شهر "بونس آیرس" و بنام "ریکاردو کلمنت" زندگی می کند. بررسی های اولیه ما این خبر را تأیید کردند و همان شب پرونده آیشمن را برای مطالعه به خانه بردم. با مرور صفحات پرونده در جلو چشمم یک اهریمن ظاهر شد که با قضاوت قلبی بی نظیر، بیش از نیمی از یهودیان اروپا را نابود نموده بود. در همان شب من مصمم شدم که به هر نحوی که امکان پذیر باشد او را برای محاکمه به اسرائیل بیاورم.

برای انجام این برنامه در واقع دو راه وجود داشت. اولی، درخواست دستگیری او توسط دولت آرژانتین طی مراحل قانونی و



## آدولف آیشمن و قتل شش میلیون یهودی

از: مهرداد لوی صدق

در جنگ جهانی دوم، آدولف آیشمن برنامه "حل نهائی مسئله یهودیان" را طراحی و بانجام رسانید که در پی آن ۶ میلیون از یهودیان اروپا به قتل رسیدند.

آیشمن در سال ۱۹۰۶ در آلمان به دنیا آمد و پس از مدتی کوتاه همراه خانواده خود به شهرکی در اطریش که در آن زمان آدولف هیتلر در آنجا زندگی می کرد کوچ کرد.

او تحصیلات خود را در رشته مهندسی به پایان رسانید و در سال ۱۹۳۲ به حزب نازی آلمان پیوست و در قسمت "یهودیان" شروع به کار نمود. او برای آشنائی و شناخت یهودیان و جمع آوری اطلاعات لازم به مراکز اجتماع یهودیان و کنیساها می رفت و به این طریق از نزدیک با آداب و رسوم یهودیان آشنا شد و حتی می توانست چند جمله ای هم به زبان آیدیش صحبت کند.

در سال ۱۹۳۷ به او ماموریت داده شد که برای حل مسئله یهودیان راه هایی را پیشنهاد کند. او ابتدا برای گفتگو با سران عرب درباره امکان اسکان گروهی از یهودیان اروپا در فلسطین به آنجا سفر کرد. سران فلسطینی ها در آن زمان با ورود هر یهودی به فلسطین به شدت مخالفت می نمودند و انگلیس ها، حاکمان آن وقت فلسطین، از او خواستند که آن سرزمین را ترک کند.

در سال ۱۹۳۸ او به سرپرستی اداره یهودیان در اطریش گماشته شد، برای تخلیه اطریش از یهودیان اعلام کرد، که هر فردی که از تمامی دارائی خود دست بردارد اجازه خروج از اطریش را خواهد گرفت. قریب به ۱۰۰ هزار نفر به این طریق از اطریش خارج شدند.

می توان استنباط نمود که شاید تا این مرحله هدف اصلی آیشمن تخلیه اروپا از یهودیان بوده، ولی مسلماً از این تاریخ به بعد برنامه ریزی انهدام یهودیان اروپا آغاز می شود.

در سال ۱۹۳۹ آیشمن به ریاست گشتاپو که یکی از پر قدرت ترین پست ها در دستگاه نازی ها محسوب می شد منصوب می شود. او دستور می دهد که یهودیان از هر یک از کشورهایائی که توسط ارتش آلمان تصرف می شوند جمع آوری شده و در کمپ هائی که با سیم های خاردار برقی احاطه شده بود نگهداری شوند. بزرگترین کمپ

استرداد او به اسرائیل بود که اگر هم دولت آرژانتین با آن موافقت می کرد ممکن بود که این مراحل ماه ها و یا سال ها به طول انجامد و من مطمئن بودم که در لحظه ای که این موضوع به اطلاع آیشمن و یا گروه های نازی برسد او بار دیگر، و این مرتبه برای همیشه از صحنه ناپدید خواهد شد. راه دوم ربودن و نقل او به اسرائیل بود که تنها راه ممکن برای رسیدن به هدف بود و من این راه را انتخاب نمودم. فردای آن روز در ملاقاتی با نخست وزیر آقای داوید بن گوریون نظر خود را به او پیشنهاد نمودم و درباره مشکلاتی که این عمل در روابط اسرائیل و آرژانتین ایجاد خواهد کرد بحث کردیم. بن گوریون عقیده داشت که آوردن بزرگترین جنایتکار تاریخ بشریت و دشمن قوم یهود به دادگاه اسرائیل دارای اهمیت تاریخی و اخلاقی بسیار مهمی برای جامعه یهودی و به خصوص نسل جوان است که قابل مقایسه با مسائل دیگر نیست و در پایان تصمیم گرفته شد که او را ربوده و به اسرائیل بیاوریم.

از ماموران موساد در آرژانتین در ابتدا درخواست شد که صد در صد مطمئن شوند که "ریکاردو کلمنت" همان آیشمن است و هیچ اشتباهی در هویت او وجود ندارد. سپس در طول مدت درازی محل زندگی و کار او تحت نظر قرار گرفت و برنامه ربودن و نقل او به اسرائیل آماده شد. بالاخره در ماه می سال ۱۹۶۰ او توسط مأموران موساد دستگیر و به مکان امنی که از قبل تعیین شده بود برده شد. (در آن موقع آقای "ایسر هارل" خود به آرژانتین رفته بود و از نزدیک بر اجرای برنامه نظارت داشت - م. ل).

مأمورین موساد در ابتدا باور داشتند که آیشمن شخصی بسیار زیرک و مکار است که هر آن می تواند قدمی غیرمنتظره بر- دارد ولی بعد از مدت کوتاهی پی بردند که او شخصی پست و بسیار ترسو با سطح فکری پائین تر از متوسط است که حاضر است برای خوشحال نمودن نگهبانانش به هر عملی دست بزند.

چرا کشور اسرائیل در آن دوران مشکل و بحرانی آماده بود به چنین اقدامی دست بزند و خود را در معرض مشکلات سیاسی و بین المللی قرار دهد؟ پاسخ اینست که اسرائیل یک کشور عادی نیست و خود را حامی و ضامن هر یهودی در هر نقطه جهان می داند. به این جهت بسیار مهم بود که این جنایتکار به اسرائیل آورده شود و توسط بازماندگان آنانی که او عامل قتلشان بوده محاکمه شود. محاکمه او محاکمه بزرگترین جنایتکار تاریخ بشریت بود و اگر ما اقدام به آوردن و محاکمه او نمی کردیم به اهداف خود خیانت نموده بودیم.

پس از نقل آیشمن به اسرائیل داوید بن گوریون در کنست پارلمان اسرائیل خبر دستگیری و انتقال آیشمن به اسرائیل را به اطلاع عموم رسانید و از افراد موساد تشکر نمود. این خبر کشور را تکان داد. در ابتدا اطلاعات زیادی در باره چگونگی این اقدام در دسترس نبود ولی به تدریج روزنامه ها جزئیات جریان را منتشر نمودند که طبق این گزارش ها در روز یازدهم ماه می ۱۹۶۰ مأمورین موساد آیشمن را در موقع برگشتن از کار به منزل ربوده و او را مدت ۱۰ روز در خانه ای نگه داشتند. سپس در حالیکه او تحت تأثیر داروی

یهوشی قرار داشت توسط هوایمی ال آل به اسرائیل آورده شد. بعد از نطق داوید بن گوریون دولت آرژانتین به شدت به دولت اسرائیل اعتراض نمود و سپس به سازمان ملل شکایت کرد ولی پس از سه ماه روابط دو کشور به حال عادی بازگشت. پلیس اسرائیل برای حفاظت از جان آیشمن به اقدامات گسترده ای دست زد و در جلسات دادگاه او را در اطاقک شیشه ای که از شیشه های ضد گلوله ساخته شده بود قرار میداد. او در دادگاه به کشتار یهودیان اعتراف نمود ولی بعنوان اینکه او فقط دستورات مافوق خود را انجام داده خود را بی گناه می دانست. دادگاه آیشمن را مجرم به جنایات بر ضد قوم یهود شناخت و او را محکوم به اعدام نمود.

بعد از اعدام جسد او را سوزانیده و به دریا ریختند تا اثری از او باقی نماند.

متأسفانه امروز هم کسانی هستند که وقایع هالوکاست را تکذیب می کنند و شاید در ابتدای همان مسیری قدم بر می دارند که آیشمن و یارانش آنرا طی نمودند. ولی اگر در جنگ جهانی دوم کشور اسرائیل وجود داشت آیشمن و یارانش هرگز موفق به انجام چنین عمل وحشیانه و فجیعی نمی شدند. برای مطالعه داستان کامل این ماجرا می توانید به کتاب: "خانه ای در خیابان گاریبالدی" رجوع فرمائید.



Photos : www.ushmm.org

محاکمه آدولف آیشمن



بموجب گراتز در آنروز در حدود چهل هزار نفر به قتل رسیده و بسیاری هم به بردگی فروخته شدند لیکن آنطیوکوس به همین جا قناعت نکرده خواست که آئین یهود را کاملا از میان بردارد. برای این منظور عمل ختنه واستراحت روز شنبه را قدغن نمود، و طومار های تورات را پاره، و اجتماعات مذهبی را نیز اکیدا ممنوع کرد. برای تکمیل دستورات خود، فرمان داد که در همه شهر ها خدایان یونانی را پرستش نمایند

**خدایان یونانی** - یونانیان به خدایان متعدد معتقد بوده برای هر یک از مظاهر طبیعت خدائی تصور کرده و آنرا بصورت بت مجسم می کردند. مثلا آپولون رب النوع آفتاب، پوزئیدون رب النوع دریا ها، ونوس رب النوع عشق، باکوس رب النوع شراب و غیره و غیره... و خدای همه آن خدایان زئوس یا ژوپیتر بود که ارباب انواع و خدایان جزء از وی اطاعت می کردند. این خدایان همه احساسات انسانی را دارا بوده و مانند مردم حسود، جاه طلب، دزد، و به سایر صفات پست منتصف بود ند.

برای خوش آمد این خدایان لازم نبود که شخص درستکار، پاک دامن و درارای فضائل انسانی باشد بلکه تقدیم قربانی ها و تهیه مناظر زیبا و ساختن معابد عالی برای جلب نظر و لطف خدایان کافی بود. بنابراین مذهب یونانیان مذهب اخلاقی نبود زیرا خدایانشان بهتر از آدمیان نبودند. آنطیوکوس می خواست چنین مذهبی را جانشین آئین یهود نماید.

آنطیوکوس دستور داد که در معبد خدا قربانگاهی ساخته و بر آن به افتخار ژوپیتر قربانی ها بگذارند و ضمنا یهودیان را مجبور می کرد به آداب یونانیان تاجی از شاخه های درخت غار بر سر نهاده و در جشن های باکوس خدای شراب شرکت کنند. اقدامات آنطیوکوس که توهین بر معتقدات یهود بود این ملت را بسیار رنج می داد. این رفتار و دستورات آنطیوکوس شاید نه از نظر عداوت با مذهب یهود بود بلکه بیشتر برای از بین بردن علل و موجبات اختلافات و شورش های پیاپی بود که وی همه را ناشی از اختلاف مذهب و تعصب می دانست. با این حال هیچیک از سخت گیریهای وی نتوانست یهودیان را از انجام مراسم مذهبی خویش منصرف نماید.

میگویند که با وجود قدغن آنطیوکوس، دوزن اطفال خود را در روز هشتم تولدشان مختون ساختند. برای کيفراز سرپیچی دستورات آنطیوکوس اطفال را به گردن مادرشان بسته و با هم از بالای دیوار مرتفعی به زیر انداختند.

حکایت دیگری از خونخواری دشمنان و روش آزار و شکنجه یهود نقل شده است که به خوبی درجه بستگی یهود را به کیش خود روشن می کند.

زنی را با هفت پسرش به جرم وفاداری به کیش یهود به سیاستگاه برده و آن ها را به پرستش بت دعوت نمودند لیکن همه مرگ را بر ترک آئین مقدس خویش ترجیح داده با کمال شهامت مرگ موحشی را به آغوش کشیدند. مادرشان نیز آنها را به پایداری در مقابل شکنجه ها تحریض می نمود. چون نوبت به آخرین آنها که از

## کتاب تاریخ یهود

از: پرویز رهبر

در سال ۱۹۴۶ پرویز رهبر، فیزیکدان، و محقق، استاد دانشگاه و یکی از نویسندگان کتاب های فیزیک و شیمی برای تدریس در دبیرستان های ایران، کتاب "تاریخ یهود" را نوشته و منتشر کرد. پرویز رهبر با تسلط کاملی که به زبان های فرانسه، انگلیسی، عبری و فارسی داشت جدا از کار های پژوهشی در رشته فیزیک و شیمی و دست یافتن به افتخارات بزرگی در این زمینه، به ترجمه نوشته های بسیاری از نویسندگان غربی به زبان فارسی نیز پرداخت. نام و کار او برای بسیاری از ایرانیان آشنا است.

کتاب "تاریخ یهود" به گفته دست اندرکاران یکی از جامع ترین و بهترین نوشته ها در رابطه با تاریخ یهود و یهودیان ایرانی است که به طور خلاصه گذشته یهودیان دنیا را بررسی کرده است. کتاب دیگر نوشته او به نام "دریفوس و امیل زولا" نیز در زمان چاپ با استقبال فراوان روبرو شد.

مجله "شوفار" با اجازه از فرزندان آن شادروان کتاب "تاریخ یهود" را در قسمت های مختلف این نشریه چاپ خواهد کرد. به امید این که دانش گذشته در تصمیم گیری صحیحی برای آینده ما را رهنمون شود.

با سپاس از شادروان پرویز رهبر و فرزندان او.  
"شوفار"

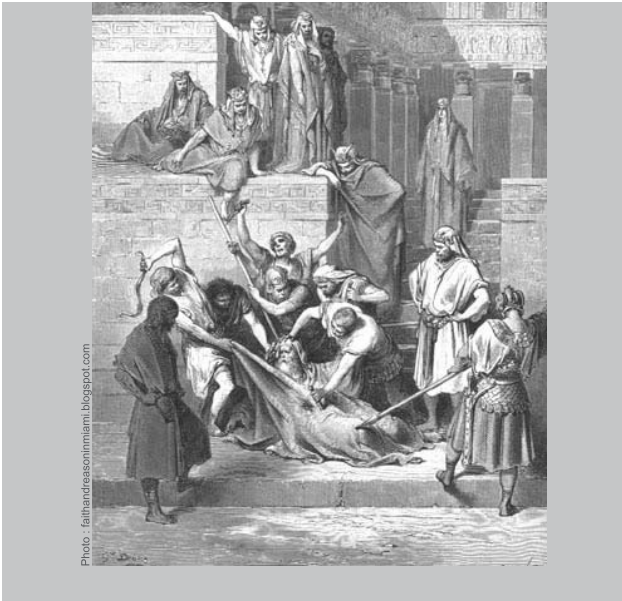
### کشتار جدید در اورشلیم

آنطیوکوس پس از مراجعت از مصر قشونی مرکب از بیست هزار نفر به فرماندهی آپولونیوس به اورشلیم فرستاد. سردار سوریه بنام صلح وارد شهر شد و در اولین روز شنبه ای که یهودیان فارغ از هر خیال، برای انجام مراسم مذهبی می رفتند سربازان وی مرد ها را به قتل رسانیده و زنان و فرزندان شان را با خود به بردگی بردند. آنروز سیل خون در کوچه های اورشلیم جاری گشت و شهر به دست سربازان آنطیوکوس غارت و طعمه حریق گردید. هر که توانست از شهر گریخت و از دست خون خواران جان بدر برد. در اورشلیم حتی یک نفر هم باقی نماند. شهر مقدس یهود باز به بیابانی دور افتاده تبدیل گشت و جز صدای سم ستوران دشمن آثار حیاتی در آن دیده نمی شد.

**شوفار**

نشریه فدراسیون یهودیان ایران

شماره ۱۶۱  
۲۶



جان خود دفاع نمایند و از این تاریخ حمله هجوم در روز شنبه برای دشمن عقیم ماند.

**مرگ متتیا** - تا مدتی متتیا با پیروانش در کوهستان ها متواری بود، و با کمال شهامت به دهکده ها و شهرهای مجاور حمله برده بتکده ها را خراب و مردم را به نگهداری مراسم مذهبی خویش تحریض می نمود. پیروانش رفته رفته افزایش یافتند و در مدت کوتاهی قشون کوچک و مرتبی از مردان دلیر تحت فرماندهی وی تشکیل گردید. شورشیان که از جور و ستم آنطیو کوس و عمالش به تنگ آمده بودند تصمیم گرفتند یا بمیرند یا بر دشمن چیره شوند. متتیا که تا آنوقت جنگ و گریز می کرد و بیشتر حالت دفاعی داشت، دیگر منتظر دشمن نشده خود مبادرت به حمله نمود و در چندین نقطه لشگریان آنطیو کوس را مغلوب ساخت.

لیکن سن متتیا اجازه فعالیت و پایداری بیشتری نمی داد پس از چند ماه که خسته و فرسوده شده مرگ خویش را نزدیک دید، فرماندهی قشون را به دلیرترین فرزندان خود یهودا مکابی سپرد (۱۶۷ ق.م).

چون متتیا وفات کرد او را با احترامات لازم در دهکده موداعین مدفون کردند و دشمن جرأت تعرض نداشت.

یهودا مکابی پس از وفات متتیا با قشونی از شش هزار نفر تحت فرماندهی یهودا که جوانی دلیر و با تدبیر بود با همان عده معدود خود سر تا سر کشور یهود را از نیروی اجانب پاک کرد.

آپولونیوس فرماندار سامره با دسته نیرومندی از سربازان خود به جلوگیری او شتافت ولی قشونش از هم گسیخته و منهزم گردید و خود او نیز به دست یهودا کشته شد. یهودا شمشیر او را برداشته و در سایر کارزارها آن را به کار می برد. کمی بعد یکی دیگر از سرداران سلوکی به مقابله وی آمد و او هم گرفتار همان سرنوشت آپولونیوس گردید (۱۶۶)

آنطیو کوس چون خبر این شکست های پیاپی را شنید مصمم شد که کشور یهود و یهودیان را یکباره نابود کند تا از غائله آنها آسوده

همه کوچکتر بود رسید، قضات یونانی را هم متأثر کرد و یکی از آنها حلقه انگشتی پیش وی انداخت و او را به برداشتن آن واداشت تا ناظرین چنان تصور کنند که در مقابل بت سجد کرده است. ولی کودک از برداشتن حلقه هم امتناع ورزید و او هم در مقابل مادر خود در عذاب سیاست جان سپرد.

از این مناظر و سرگذشتهای دلخراش در آن روزها زیاد دیده می شد لیکن مصایب و شکنجه ها ایمان مذهبی را در آنها محکمتر نمود، حس میهن پرستی را نیز تقویت کرد و پهلوانانی را برای برداشتن ریشه جور و ستم بیگانگان و حمایت از میهن و هم میهنان خود برانگیخت. یکی از این پهلوانان یهودا مکابی است.

### قیام حشمونائی (قرن دوم پیش از میلاد)

در دهکده (موداعین) واقع در بین راه یافا و اورشلیم هنوز فرامین آنطیو کوس اجرا نمی شد و مردم آن تحت ریاست متتیا، کاهن آن دهکده آزادانه بسر می بردند. متتیا از خانواده محترم حشمونائی بود و پنج پسر به نام یوحنا (یحیی)، شیمعون، یهودا، العازار و یوناتان داشت.

کاهن موداعین و خانواده اش از مصائب ملت خود متأثر و اندوهناک بودند و برای نجات آنها دعا می خواندند. روزی آپلس یکی از گماشتگان آنطیو کوس با عده ای از سربازان خود به دهکده موداعین رفت تا آنها را به اطاعت سوریه در آورده و مردمش را به پرستش خدایان یونانی مجبور کند. متتیا و پسرانش، شاید با قصد، در میدان دیده حاضر شده بودند و چون متتیا ریاست آنجا را به عهده داشت، آپلس او را دعوت کرد که برای هم کیشان خود سر مشق شده و مجسمه ژوپیترا پرستش نماید تا دیگران هم به وی تأسی جویند. متتیا پاسخ داد هر گاه همه قبایل کشور هم به درخواست تو رفتار کنند من و برادران و پسرانم تا دم واپسین نسبت به آیین اجدادی خود وفادار خواهیم ماند.

در این اثنا یکی از یهودیان دهکده نزدیک شده می خواست به افتخار ژوپیترا قربانی کند متتیا که حاضر به هر گونه فداکاری بود بی درنگ به جانب وی شتافته و هلاکش نمود. پسران متتیا به پدر تأسی کرده با خنجر به آپلس حمله نمودند و او و سربازانش را به قتل رسانیدند. سپس به قربانگاه ژوپیترا رفته و آن را هم ویران کردند.

شهامت کاهن پیر و پسرانش عده ای را جلب کرد و متتیا پیش افتاده فریاد برآورد: "هر که تورات خدا را دوست دارد با من بیاید" بزودی همه ساکنان موداعین و دهکده های مجاور به او پیوستند و او با پیروان خود بکوهستان رفته علم طغیان بر افراشت (۱۶۷ ق.م)

**اجازه دفاع در روز شنبه** - چون فرماندار اورشلیم از غوغای موداعین خبر یافت به سرکوبی شورشیان شتافت و دسته ای از آنها را که قریب هزار نفر بودند در غاری ملاقات کرد. این بار هم دشمنان از روز شنبه استفاده نموده به آنها حمله کرد و همه را بدون استثناء به قتل رسانید و از طرف یهودیان اندک دفاعی هم مشاهده نشد.

متتیا چون از این فاجعه رقت انگیز آگاه شد فتوی داد که یهودیان در موقع خطر حق دارند در روز شنبه اسلحه برداشته از

خاطر گردد لیکن چون ایران و ارمنستان هم از پرداخت مالیات شانه خالی کرده بودند آنطیوکوس مجبور شد نیروی خود را به دو قسمت کرده یک قسمت را به فرماندهی لیزیاس به کشور یهود و قسمت دیگر را برای سرکوبی ایران اعزام نماید. در این موقع اشگ اول ایران را از تسلط سلسله سلوکی خارج کرده بود.

لیزیاس با قشونی مرکب از چهل هزار پیاده و ۷۰۰ سوار به سوی اورشلیم آمد. در این جنگ دو نفر دیگر از سرداران سوریه، نیکانور و گورجیا شرکت داشتند. یهودا چون از عظمت نیروی دشمن آگاه شد همه پیروان خود را در میصپه گرد آورد. همه آنها روزه گرفته و به درگاه خدا دعا نمودند. یهودا به آئین و دستورات تورات بسیار اهمیت می داد بنابراین پیش از آغاز حمله به پیروان خود گفت: "هر که از شما تازه ازدواج کرده یا خانه ای بنا نهاده یا باغی غرس کرده است، یا هر که اندکی ترس در دل دارد به خانه باز گردد بدین طریق نیمی از پیروانش باقی ماند و یهودا با همان عده کم آماده مقابله با نیروی عظیم دشمن گردید.

لیزیاس به قدری به پیروزی خویش اطمینان داشت که



Photo : www.piney.com

بسیاری از برده فروشان را با کیسه های زر دنبال قشون خود آورده بود تا اسرانی را که از یهود خواهد گرفت به آنها فروخته قسمتی از هزینه جنگ را تأمین کند.

جاسوسان یهودا به وی خبر دادند که سردار سلوکی با ۵۰۰۰ نفر از مردان کار آزموده و هزار سردار از قشون جدا شده است که وی را شبانه محاصره نماید. یهودا تصمیم جسورانه ای گرفت و چون هوا تاریک شد قشون خود را از جای خود حرکت داده به پشت اردوی دشمن رفت. سردار سلوکی چون اردوی یهودیان را خالی دید به تصور اینکه از ترس به کوهستان فراری و متواری شده اند، به تعقیب آنها شتافت. یهودا مکابی خود را از پشت به اردوی دشمن رسانید و آن را طعمه حریق نمود. سردار یونانی چون به خبط خویش آگاه شد خواست خود را بدون درنگ به اردوگاه و سنگر خویش برساند. لیکن چون مشاهده کرد که اردوگاهش طعمه حریق شده و یهودیان به دنبالش هستند بسیار هراسان شد و بدون پایداری رو به فرار گذاشت. یهودا آن ها را دنبال کرد و چند هزار نفر را به خاک هلاکت افکند.

به غیر از غنائم هنگفتی که از دشمن بر جای ماند یهودیان طلا و نقره ای را که برده فروشان با خود آورده بودند به چنگ آورده و بسیاری از خود آن ها را نیز دستگیر کرده به بردگی فروختند.

یک قسمت از غنائم وقف خانواده هائی شد که کسان خود را در این جنگ از دست داده بودند و قسمت دیگر میان جنگجویان تقسیم گردید.

روز بعد، روز شنبه و موقع آسایش و شادمانی بود. لیکن پیروزی بر قشون دشمن بر همه چیز ترجیح داشت چون یهودا خبر یافت که در آنطرف رودخانه اردن دشمن مشغول گرد آوری نیرو و تدارکات است از اردن عبور کرده و به قلب دشمن زد و آنها را شکست داد و اسلحه بسیاری به دست آورد دو نفر از سرداران سلوکی که همواره در پی آزار یهودیان بودند در این جنگ کشته شدند، نیکانور ناشناس به انطاکیه گریخت و بدین طریق اولین جنگ به پیروزی کامل یهودا مکابی خاتمه یافت.

**تطهیر معبد و جشن حنوکا -** سال بعد لیزیاس خود با نیروئی معظم به حمله دیگر پرداخت و باز شکست خورد و بگریخت. لیکن شهر اورشلیم هنوز در دست دشمن بود. یهودا با قشون دلاور و پیروز خود شهر را متصرف شده وارد معبد مقدس گردید، مجسمه بزرگ ژوپیتور و قربانگاهش را ویران و قربانگاه دیگری به جای آن ساخت و معبد را از لوث بت پرستان تطهیر کرد. جشن گشایش معبد در نهایت ابهت و شادمانی در تاریخ (۲۵ کیسلو سال ۱۶۴ ق. م.) برپا گردید و هشت روز بطول انجامید (جشن حنوکا) به یادگار پیروزی مکابی و تطهیر معبد مقرر شد که هر ساله در همان تاریخ جشنی برپا گردد، اکنون هم یهودیان در این جشن کنیسه ها و خانه های خود را چراغان می کنند.

استقرار معبد و تقویت اورشلیم حسادت همسایگان یهودا برانگیخت لیکن یهودا که حصار معبد را مستحکم کرده بود از آنها باکی نداشت و با نیروی شکست ناپذیر خود به سرزمین ادوم و عمون حمله برده آنها را سرکوبی کرد. دشمنان درصدد تلافی بر آمدند و یهودیانی را که در گالیل و ماوراء ارون بودند مورد آزار قرار دادند. دسته ای از آنها چند خانواده یهود را که بالغ بر ۲۰۰ نفر می شد از کشتی های خود به دریا ریختند. یهودا عمل آنها را تلافی کرده بسیاری از خانه های ساحلی و چندین کشتی آنها را طعمه حریق نمود. بالاخره شهر اورشلیم و اطراف آن کاملاً از وجود دشمن پاک و آرامش در کشور یهود حکمفرما شد.

**مرگ آنطیوکوس -** چنانچه گفته شد آنطیوکوس با یک قسمت از قشون خود به سوی ایران رفت تا از آنجا ثروتی به دست آورده مزد سربازان خود را بپردازد. لیکن در ایران شکست خورد و مجبور به عقب نشینی شد. چون از پیشرفتهای مکابی و شکست قشون خود خبر یافت مصمم شد که خود شخصا به کشور یهود رفته شورشیان را سرکوبی نماید. ولی بیمار شد و پیش از انجام مقصود بمرد و از او فرزند نه ساله ای به نام "آنطیوکوس اوپاتور" باقی ماند.

آنطیوکوس پیش از مرگ یکی از دوستان خود فلیپ را به نیابت سلطنت برگزید. لیزیاس که از سرداران نامی آنطیوکوس محسوب می شد بدان مقام چشم داشت در نتیجه رقابت آن دو یک رشته جنگ های داخلی در کشور سلوکی ها به وقوع پیوست و یهودیان چندی در آسایش به سر بردند.



یک بانک معتبر با تیمی ورزیده که شما را در  
راه رسیدن به اهداف مالی خود همراهی مینماید.

**IDB BANK**

Israel Discount Bank of New York

با استفاده از سیستم **Remote Deposit** شما می توانید  
چک های خود را از اداره و یا منزل بحساب تجارتي خود  
در هر کدام از شعبات ما واریز نمائید

برای کسب اطلاعات بیشتر درباره  
حسابهای شخصی و تجارتي لطفاً با آقای

**مهرداد لوی صدق (Moti Levy-Tsedek)**

**معاون مدیر عامل و رئیس شعبه LA, Down Town**

واقع در

888 S. Figueroa Street, Suite 550  
Los Angeles, CA. 90017

با شماره تلفن 213-861-6455 تماس حاصل فرمائید.

IDB Bank is a registered service mark of Israel  
Discount Bank of New York. **MEMBER FDIC.**

**www.idbbank.com**

آدرس شعبات بانک:

9401 Wilshire Blvd, # 600 Beverly Hills,  
CA. 90212, (Tel' 310-860-6320)

888 S. Figueroa, # 550 Los Angeles,  
CA. 90017, (Tel' 213-861-6455)

511 Fifth Ave, NY, NY.  
10017, (Tel' 212-551-8500)

1350 Broadway Ave, NY, NY.  
1018, (Tel' 212-714-5662)

1000 Brickell Ave, Miami, FL.  
33131, (Tel' 305-530-3429)

18851 NE 29th Ave, # 600 Aventura, FL.  
33180, (Tel' 305-682-3700)

مقاله پنجم

چگونگی پیدایش فارسی نو  
و ادبیات کلاسیک فارسی

## نثر کلاسیک فارسی

از دکتر ناهید پیرنظر (ابرمن)

در ایران قبل از اسلام لهجه ها و زبانهای گوناگونی مورد استفاده قرار میگرفت. اما آنچه که ریشه زبان فارسی نو امروز است همان پارسی باستان زمان هخامنشیان (۳۳۱-۵۵۹ ق.م.) است که در ادوار اشکانیان و ساسانیان بصورت فارسی میانه بنام های پهلوی دوران اشکانی (۲۲۵ م. ۲۴۷ ق.م.) و ساسانی (۶۵۱-۲۲۵ م.) ادامه یافته و در دوران بعد از اسلام بصورت فارسی نو خوانده شده است. آنچه که باید در نظر داشت این است که بهنگام حمله اعراب به ایران شهر (کشور ایران) ناحیه پارس مرکزیت و رهبری نوشته های فارسی میانه را بعهدده داشته است. اصولاً زبانهای ایرانی رایج در اواخر دوره ساسانیان به سه شاخه اصلی تقسیم می شدند:

- ۱- زبان دینی اوستائی یا زند که آثار باقیمانده کتاب زرتشت با آن نوشته میشود.

- ۲- لهجه ها و شاخه های محلی مانند، سغدی، سکزی، خوارزمی، طبری، هراتی، آذری، پارسی و کردی.

- ۳- زبان پهلوی ساسانی که دنباله پهلوی اشکانی بود.

بنا بگفته ابن مقفع که در اواسط قرن هشتم (۷۵۰ میلادی) میزیست، در دربار ساسانیان علاوه بر زبانهای فوق، زبان فرهنگی و ادبی مورد استفاده دربار را زبان دری میخواندند و وجه تسمیه این زبان این است که به زبان پهلوی "در" یعنی "پایتخت". بنا بر این "پارسی دری" یعنی "زبان پایتخت". این زبان که از فصیح ترین لهجه های متداول عصر ساسانیان بوده، از یک سو ریشه در لهجه محلی پارسی داشته و از سوی دیگر تحت تاثیر عوامل شمال شرقی ایران خاصه بلخ و زبان سغدی بوده است.



**شوفار**

نشریه قدسیون یهودیان ایران

شماره ۱۶۱  
۳۰



ایوان مدائن پایتخت ساسانیان زادگاه زبان پارسی دری

و نویسندگانی داشته است و زرتشتیان در ایران بکارهای دینی و علمی و ادبی مشغول بوده اند. اما بعد از حمله مغول گویا زرتشت-تیان ایران (سوی زرتشتیان یزد و کرمان که پای مغول به آن حدود نرسید) یا کشته شدند و یا به هندوستان و یزد و کرمان گریختند. از سوی دیگر، لهجه دری که خود ریشه در ناحیه پارس داشت، بر لهجه پهلوی ساسانی غلبه کرد و از مشرق ایران به مغرب و شمال سرایت و بعد از چند قرن دوباره به پارس در جنوب بازگشت.

در تاریخ ایران بعد از اسلام، از تمام لهجه های ایرانی و زبانهای مشهور ادبی پیش از اسلام، تنها لهجه ای که بصورت یک زبان رسمی درآمد و در تمام دوره اسلامی مورد استفاده سیاسی و علمی و ادبی قرار گرفت و حتی مدتها زبان سیاسی قسمت بزرگی از قاره آسیا شد، همین زبان است و شاعران و نویسندگان ما آنرا بنامهای گوناگون، "دری"، "پارسی"، "پارسی دری" و یا "پارسی نو" خوانده اند.

چنانکه از اشارات مختلف تاریخی و همچنین از توضیحات جغرافیا نویسان و جهانگردان که طی سه قرن اول و اوایل قرن چهارم هجری به ایران مسافرت کرده اند بر میآید، در تمام دوره تسلط عرب در ایران در قسمتهای مختلف ایران مردم هنوز بزبان پارسی دری سخن میگفتند و زبان عربی یا فهمیدن آن انحصار بطبقه معین داشت. از سوی دیگر چون ایرانیان مسلمان، برای نوشتن زبان دری، رفته رفته خط عربی را برگزیده بودند، خط و زبان پهلوی در ایران بتدریج منسوخ گردید و خط اسلامی که کوفی و نسخ و نستعلیق از انواع آن میباشند جای آن را گرفت.

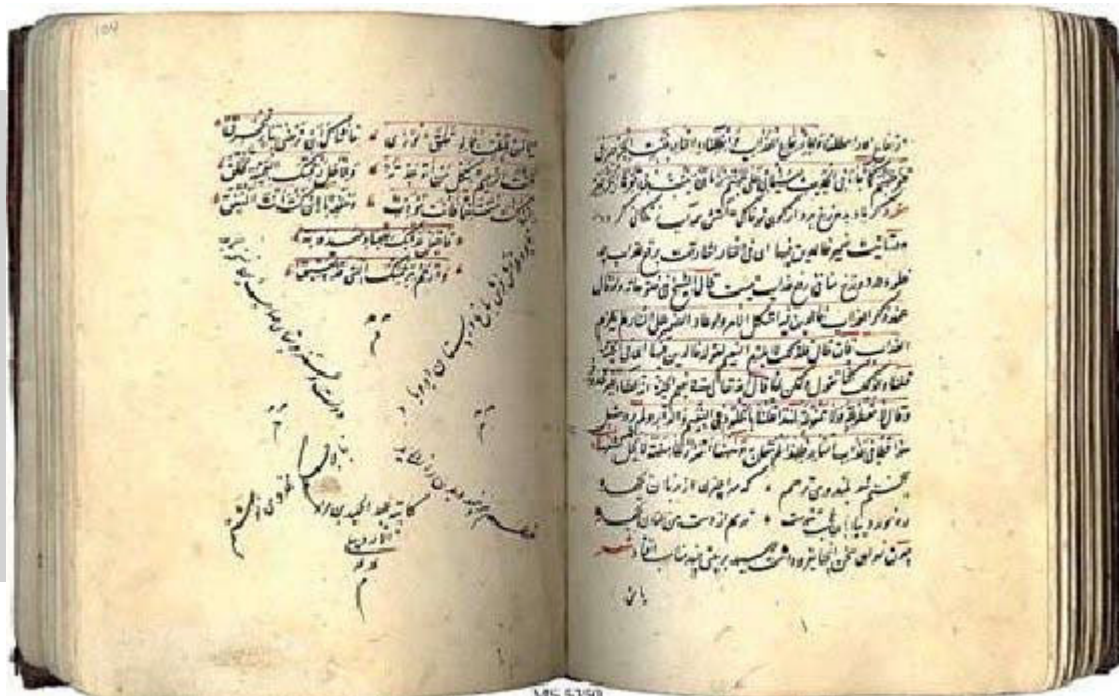
پس از حمله اعراب به ایران و نزدیکی استان پارس به بغداد حفاظت زبان پارسی دری مصطلح در دربار مداین بعهد مهاجرینی که به شرق ایران مهاجرت کرده بودند افتاد و در شرق، در شهرهایی همچون بلخ و بخارا و سمرقند، ایرانیان کتابهای نثر و نظم خود را بزبان پارسی دری نوشتند و شعرای خراسان هم بدان زبان شعر گفتند و ماورالنهر و خراسان و سیستان اولین زادگاه آثار فرهنگی و ادبی پارسی دری شناخته شد.

از جمله مهاجرینی که پارسی دری را از جنوب به شرق ایران بردند مزدکیان و زرتشتیان بودند که بعلت فشارهای مذهبی به شرق ایران مهاجرت کردند. یهودیان ایرانی نیز که از اواخر دوره ساسانیان مورد ستم و اذیت قرار گرفته بودند، گروهی به هند و چین مهاجرت نمودند و از اولین کسانی بودند که پارسی دری را باخود به آن سرزمین ها بردند.

در زمان ساسانیان کتب ادبی و اخلاقی و دینی را علاوه بر زبان اوستائی زند و بخط دین دبیره، بزبان و خط پهلوی جنوبی هم می نوشتند. این زبان و خط تا قرن پنجم و ششم هنوز در نزد موبدان زرتشتی و دانشمندان ایران رواج داشت و نمونه کتابها و کتیبه های آن در بخش ادبیات ایرانی قبل از اسلام این مقاله ذکر شده است.

آنچه را که از کتاب اوستای بعد از اسلام، بنام پازند باقی مانده است، در ابتدا بزبان پهلوی و خط دین دبیره می بینیم، اما بتدریج و در قرن های بعدی این آثار نیز بزبان پارسی دری نوشته می شدند. بنا بگفته ملک الشعراء بهار تا اوایل قرن هفتم هجری برابر با اوایل قرن سیزدهم میلادی خط و زبان پهلوی در گوشه و کنار ایران خوانندگان





MS 5350  
Fakhr al-Din: Principles of Shari'a (Usul), Second part. Commentaries by Jamal al-Din Ahmad, Yemen, 1316

### The Schoyen Collection نمونه خط نستعلیق

در همین هنگام است که یهودیان ایرانی نیز که بیش از ۳۰۰ سال بود بزبان پهلوی سخن می گفتند، بعد از اسلام بجای زبان پهلوی، برای محاوره از پارسی دری استفاده کردند. ولی بجای استفاده از خط اسلامی، از خط اکثریت فاصله گرفته با اندک اضافاتی خط عبری را برگزیدند و اولین آثار فارسیهود را که بزبان فارسی دری و بخط عبری میباشد برای ما باقی گذاردند. این آثار، بعلت دست نخوردگی، امروزه برای زبانشناسان یکی از وسائل راه گشا در پی گیری تغییرات زبان پارسی میانه (پهلوی ساسانی) به پارسی دری بشمار میآید.

در زبان عربی حرف "پ"، بعلت نداشتن چنین صدائی، مُعَرَّب شده تبدیل به حرف "ف" میشود. لذا امروزه کلمه "پارسی" را "فارسی" تلفظ میکنیم. اما در زبانهای خارجی از جمله انگلیسی که حرف "پ" وجود دارد، لزومی نیست و نباید آنرا به صورت مُعَرَّب و با صدای "ف" تلفظ کنیم. لذا هنگام صحبت یا نوشتار بزبان انگلیسی مصرف لغت Persian (معادل انگلیسی پارسی) صحیح تر از مصرف لغت تغییر یافته Farsi است. همین اصل را در مصرف این لغت در سایر زبانهای خارجی که دارای حرف "پ" میباشد باید رعایت نمود.

بعلاوه بر حکمرانان، بسیاری از مبلغین اسلام با سخنان و تبلیغات مذهبی خود توأمأ باعث ترویج زبان فارسی و تصوف اسلامی شدند. در دوران سلسله مغول های هند (۱۸۵۸-۱۵۲۶ م.)، دربار برخی از پادشاهان آن چون بابر، همایون، اکبر و شاه جهان جایگاهی برای حمایت از زبان پارسی گردیدند. بطوریکه سبک نوشته های آن دوران را در ادبیات فارسی، سبک هندی و برخی نیز بعلت تقارن آن با عهد صفوی، آنرا سبک اصفهانی خوانده اند. زبان پارسی دری علاوه بر ایران امروزی، هنوز در آسیای مرکزی از جمله بخارا، بلخ، افغانستان و تاجیکستان بعنوان یک زبان زنده رواج دارد.

از سوی دیگر، در آسیای صغیر (ترکیه امروزی) حکمرانان سلجوقی

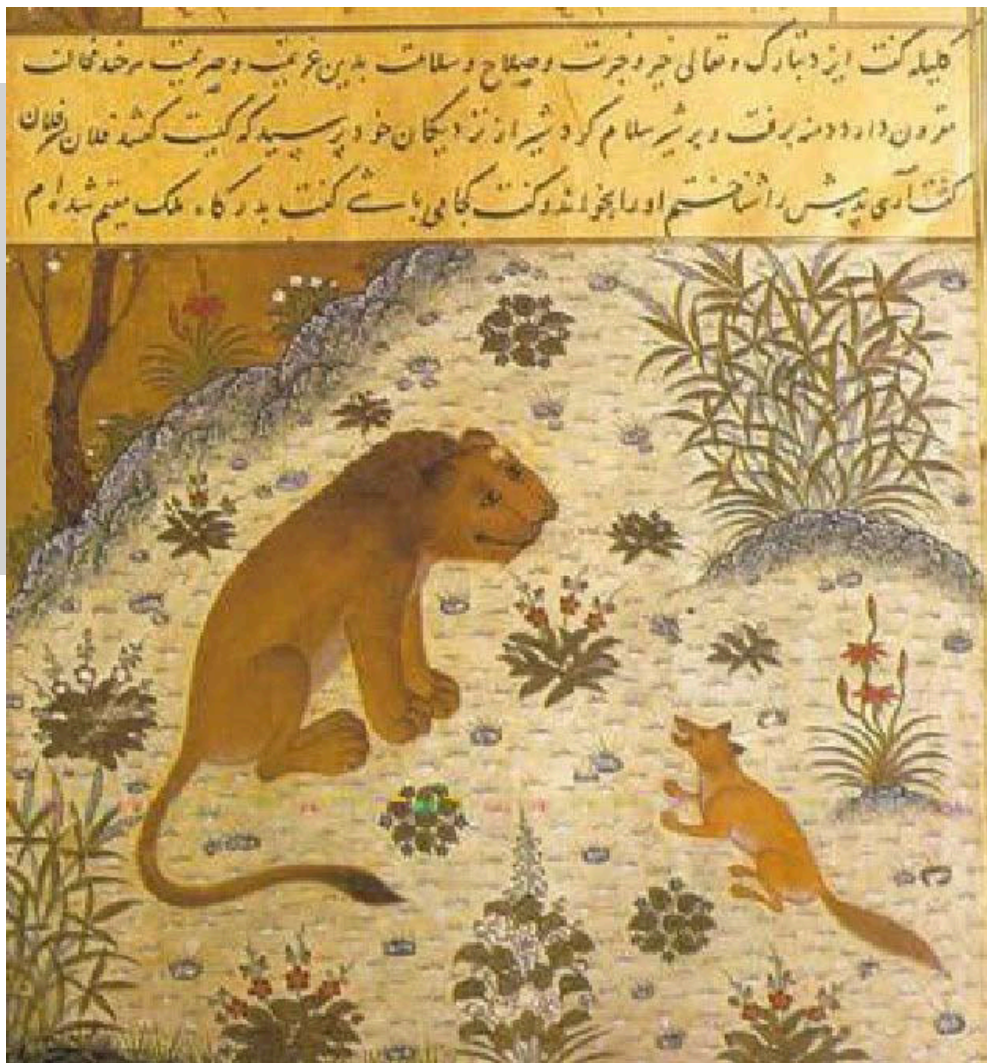
در زبان عربی حرف "پ"، بعلت نداشتن چنین صدائی، مُعَرَّب شده تبدیل به حرف "ف" میشود. لذا امروزه کلمه "پارسی" را "فارسی" تلفظ میکنیم. اما در زبانهای خارجی از جمله انگلیسی که حرف "پ" وجود دارد، لزومی نیست و نباید آنرا به صورت مُعَرَّب و با صدای "ف" تلفظ کنیم. لذا هنگام صحبت یا نوشتار بزبان انگلیسی مصرف لغت Persian (معادل انگلیسی پارسی) صحیح تر از مصرف لغت تغییر یافته Farsi است. همین اصل را در مصرف این لغت در سایر زبانهای خارجی که دارای حرف "پ" میباشد باید رعایت نمود.

بعلاوه بر حکمرانان و پایان خلافت عباسیان در سال ۱۲۵۸ میلادی بوسیله هلاکوخان مغول، بعلت بر سر کار آمدن ایلخانان و پس از آن تیموریان، حوزه فرهنگی بغداد بدو گروه مختلف تقسیم شد. نیمه غربی سرزمینهای تحت الخلافه عباسیان که امروزه کشورهای عرب زبان را تشکیل میدهند، زبان عربی را برای ادامه کارهای علمی

**شوفار**

نشریه قدسیون یهودیان ایران

شماره ۱۶۱  
۳۲



کلیله و دمنه از اولین کتابهای پهلوی است که بوسیله عبدالله بن مقفع به عربی و در عهد سامانیان بوسیله ابوالفضل محمد بلعمی به نثر فارسی ترجمه شد

## شوفار

نشریه خردآیین یهودیان ایران

شماره ۱۶۱

۳۳

های محلی خود از جمله اردو، سغدی، جغتای و پشتو سخن میگفته اند، علاوه بر آن بزبان فارسی هم نوشته و سروده اند. فرخی فرزند یک برده ترک، امیر خسرو دهلوی و غالب از دهلی و اقبال لاهوری از لاهور از جمله ستارگان و ادبای غیر ایرانی ادب فارسی هستند.

ادامه دارد.....

(۱۳۰۷-۱۰۷۷م.) موجب معرفی زبان پارسی در مناطق خود گشتند و پس از آن ها هم پادشاهان ترکیه عثمانی آنرا پاسداری نمودند. پادشاهان عثمانی که خود از نژاد ترک بودند، پس از رخنه به آسیای صغیر در قرن سیزدهم، متوجه ارزش و مقام والای ادب و فرهنگ فارسی در ناحیه شده به تبعیت از سلجوقیان فرهنگ و ادب فارسی را سرمشق خود قرار دادند.

پادشاهان عثمانی بمدت پنج قرن و نیم مانند پادشاهان غزنوی و سلجوق نگاهدار و مشوق فرهنگ و ادب فارسی بوده اند. همانگونه که استاد احسان یار شاطر یاد آورمی شوند، از قرن پنجم تا قرن نوزدهم میلادی، زبان پارسی زبان ادبی و فرهنگی شرق رود دجله بوده است. ایرانیان و غیر ایرانیان اگر چه در جاهای مختلف به لهجه

گذشت ببندد و روی صفحه ای سفید و نورانی سال جدید را آغاز کند.

احساس می‌کنم که دختر کوچکم، با وجود تمام هیجانات و تحریکاتی که در طی روز با آن سر و کله می‌زند، مشتاقانه در انتظار آرامشی است که از روشن کردن و نگاه به شمع‌ها، در شب‌های حنوکا، می‌گیرد. خوشحالم از اینکه رسوم و اعتقادات یهودیت همواره پایه‌ای است برای رشد معنوی انسان در هر سنی و نزدیک کردن روح و روان افراد به یکدیگر.

## جشن نور و روشنایی

از: مزگان مقدم - رهبر

دختر پنج ساله ام با هیجان و شوق به زندگی منتظر رسیدن ایام حنوکا و انجام مراسم آن است. می‌دانم که در این دوران و در آمریکا مقدار زیادی از این ذوق و شوق به خاطر هدایایی است که از طرف خانواده و دوستان و نزدیکان به طرف او سرازیر خواهد شد، اما عشق روشن کردن شمع و خواندن دعای مخصوص آن نیز در حرکات او کاملاً پیدا است.

با دقت بسیار رنگ و مدل شمع‌هایی را که قرار است برای حنوکا استفاده شود انتخاب می‌کند. از اولین سالی که زبان باز کرد و توانست چند جمله را در کنار هم قرار دهد، دعای مخصوص روشن کردن شمع حنوکا را یاد گرفت و مانند خواهر و برادر بزرگترش با اشتیاق بسیار در روشن کردن شمع‌ها شرکت کرد.

جدا از گرمایی دلپذیر، نور و روشنایی که شعله‌های شمع در محیط ایجاد میکنند، نوعی شغف و شادی با خود به همراه می‌آورند. پس از افروختن شعله‌ها، تمام بچه‌ها با علاقه بسیار مدتی به شعله‌های آن خیره می‌شوند و آرامشی عمیق جایگزین هیجان آنها می‌شود. هنگامی که همه خانواده در کنار هم هستیم، دقایقی چراغ‌ها را خاموش می‌کنیم تا نیروی سحرآمیز شعله‌ها را بیشتر حس کنیم.

زیر نور شمع انسان‌ها آرام‌تر به نظر می‌آیند، زیبایی‌ها و زشتی‌ها متعادل‌تر دیده می‌شوند، و اشک‌ها و لبخند‌های انسان در معرض دید اطرافیان نیست. شاید همین ملایمت زیر نور شمع است که در هر مجلس و مراسم روحانی، سوگواری و شادی روشن کردن آن توصیه می‌شود. ملایمتی که در دنیای امروز کمتر برای آن وقت داریم، گرچه بیشتر به آن نیازمندیم.

کبالیست‌ها و یهودیان حاسیدیم عقیده دارند که از روز کیپور تا آخرین روز حنوکا، انسان فرصت دارد که از خالق جهان هستی تقاضای بخشایش برای گناهان خود کند، و با روشن کردن هشتمین شمع حنوکا با روشنایی و نور پرونده کرده‌های خود را در سالی که



شوفار

نشریه فدراسیون یهودیان ایران

شماره ۱۶۱  
۳۴



## داروخانه‌های سنچری

و مراکز وسائل طبی، بهداشتی و سلامتی در منزل



داروخانه‌هایی که مورد قبول تمامی  
پزشکان طراز اول ایرانی و آمریکائی می باشد

ما قیمت‌های داروخانه‌های بزرگ آمریکا را  
از قبیل Rite-Aid و Walgreens می شکنیم



تحويل مستقیم دارو به  
منازل و از طریق پست

تخفیف مخصوص سالمندان

شعبه پیکو روزهای یکشنبه از ساعت ۱۰ صبح تا ۲ بعد از ظهر، برای راحتی شما باز است.

مدیکل - مدیکر و کلیه بیمه‌های درمانی پذیرفته می شود

BLUE CROSS

PCS

BLUE SHIELD

صندلی‌های چرخ دار خیلی سبک و راحت برای حمل و نقل -  
جوراب واریس - کرسست‌های طبی - کمربندهای طبی  
برای سرویس سریعتر از پزشک خود بخواهید نسخه شما را برای ما فکس کند  
کلیه انواع وسایل مخصوص سالمندان تخت‌های الکتریکی بیمارستانی

PAID

MEDI-CAL

MEDI-CARE

پیکو و رابرتسون

ولی - رسیدا

بورلی هیلز و سنچری سیتی

وست ال.ای. و سانتامونیکا

۸۷۲۲ پیکو بلوار

جنب ایلات مارکت

8722 W. Pico Blvd.

Tel:(310)657- 6999

Fax:(310)657-7979

۱۸۲۵۴ شرمین وی

۴ بلاک شرق رسیدا

18254 Sherman Way

Tel:(818)708- 7080

Fax:(818)708-9142

۴۱۲ سن ویسنته بلوار

تقاطع سن ویسنته و لاسینگا

412 San Vicente Blvd.

Tel : (310) 360 - 1015

Fax : (310) 360- 0759

۱۱۸۷۰ سانتامونیکا بلوار

۳ بلاک شرق باندا - شاپینگ سنتر صورتی رنگ

11870 Santa Monica

Tel: (310) 473 - 1568

Fax: (310)820 - 4451

## گلی از باغ ادبیات ”درد دل“

نوشته: جهانگیر صداقت فر  
(از کتاب ”غریبانه“)

سخن از بازی و پرواز کبوترها  
صحبت از دوستی می کردم  
که پس از سالهای بی خبری،  
دوری و دربدری  
نام من یادش بود  
و مرا دعوت کرد به مهمانی یک خاطره در مدرسه.

آری داشتم درد دل می کردم  
با تو ای خون مرا برده به ارث  
و تو در آن سر میز  
چشم و گوشت به من اما ذهنت  
عاجز از ترجمه ی واژه ی ”انس“.

ای دریغ  
بین ما فاصله ی دور دو فرهنگ است،  
و دو نسل...  
بین ما فاصله ئی است  
از فراز احساس  
تا سرازیری قانون تنازع و بقاء

داشتم با پسرم  
سخن از شهر خودم می گفتم  
که: ”محبت“  
عنصری بود در ترکیب هوا  
و ”سلام“  
واژه ای بود پر از نشئه ی چای دم صبح  
در سر سفره ی صبحانه ی یک جمعه بارانی سرد.  
صحبت از کوچه ی باریک پر از خاطرمان کردم:  
صحبت از آشتی مطلق بود  
با در و پنجره و دیوارش  
با چراغ سر تیر همه شب بیدارش...  
و چه احساس قشنگی بود  
سر هر راهگذار،  
سر هر کوچه و هر برزن  
- همه جا و همه وقت -  
احساس تعلق کردن.  
من داشتم با پسرم سخن از باغچه مان می گفتم:  
سخن از عطر گل سرخ و گل مریم و یاس  
سخن از آمدن و رفتن نیلوفرها



COMING IN FEBRUARY OF 2009

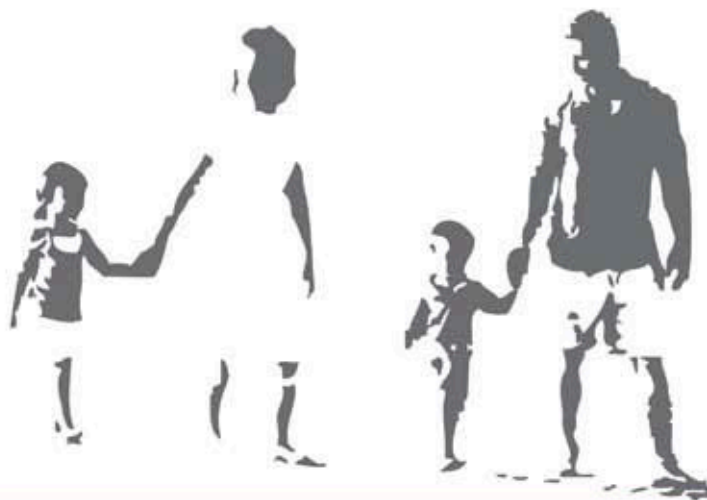
# L'DORVADOR

From One Generation To The Next

## "PLANNING A HEALTHY FAMILY"

Cutting-Edge Medical Information by a Panel of  
Prominent Physicians, Nutritionists and Psychologists on  
Genetic Testing for Iranian Jewish Couples  
Safe & Healthy Birth Control  
Prenatal Care  
Post Partum Care  
Overcoming Infertility

An Informative and Engaging Program of  
Iranian-American Jewish Federation's  
Health & Wellness Committee



For more information please call:  
(323) 654-4700 or [info@iajf.org](mailto:info@iajf.org)





*Michael Eshaghian M.D.*

**Obstetrics, Gynecology, & Infertility**

**ARM's Physician for Genetic Screening of HIBM**

**دکتر مایکل اسحاقیان**

(جراح و متخصص بیماریهای زنان, زایمان و نازایی)

مشاور و راهنما برای آزمایش HIBM



-Family Planning	تنظیم خانواده
-Intrauterine Insemination	تلقیح مصنوعی
-Genetic Counseling & Screening (HIBM)	مشاوره و آزمایشهای ژنتیکی
-Tubal Sterilization	بستن لوله های رحم
-Contraception Counseling	جلوگیری از حاملگی
-Pap Smear	چک آپ سالیانه
-Breast Diseases/Mammogram	بیماری های سینه و مموگرافی
-Cancer Screening	تشخیص زودرس سرطان زنانگی
-Laparoscopy	جراحی تومورهای زنانگی با روش لاپراسکپی
-High Risk Pregnancy	بارداری های دشوار
-Amniocentesis	آزمایش آمنیون
-Live Fetal Ultrasound	سونوگرافی زنده نوزاد
-Menopause	پیشگیری از یائسگی
-Osteoporosis Screening	آزمایش پوکی استخوان
-Vaginoplasty/ Labia Reduction	جراحی پلاستیک زنان

[www.dreshaghian.com](http://www.dreshaghian.com)

مطب در بورلی هیلز

450 N. Bedford Drive, Suite 209

Beverly Hills, California 90210

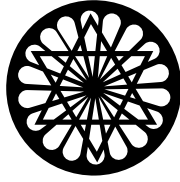
**(310)247-9988**

مطب در انسنینو

16133 Ventura Blvd., Suite 415

Encino, California 91346

**(818)784-4100**



# Shofar

A Publication of  
Iranian - American Jewish Federation

Winter 2008-2009

## Editor in chief

**Mojgan Moghadam-Rahbar**

shofar@iajf.us

## Contributing Writers

Farnoush Abrishami , Ira Farnoush , Shirin Gabay  
Vida Halavi , Mehrdad Levysedgh  
Delila Pouldar , Dr. Nahid Pirnazar-Oberman  
Tannaz Kamran-Rahbar , Sabba Rahbar  
Tannaz Sassooni , Nicole Sadighi , Violet Sassooni  
Farnaz Solomon , Farbod Tojarieh

## Cover Painting By:

Mastaneh Moghadam-Ellis  
"Flames Of Love And Peace"

The views and opinions expressed in the published articles, are those of the writer and do not in anyway represent the views of "Shofar" or the Iranian-American Jewish Federation.

## Typesetting, Layout, and Design by

Shilla Shakoori  
(310) 601-0770

## English Section

Editorial /2

Message from Manouchehr Nazarian /4

A Community United to Serve /5

Women's Health Day /7

Iranian Jewry from past to present /8

A new way to follow old traditions /9

Change for progress /10

A giant step for Americans, A bigger one for Iranian-Americans /13

The little miracle /14

The old man and the wooden bowl /19

Un-kosher practices /20

UC or SMC? /23

Confessions of a college student /25

Five tips for Law school /26

Watch out Latkes, here comes Zoulbia /28

Everrbody goes to the movies /30

Book review /32

**Shofar**

Iranian American Jewish Federation

1 | issue 161

## Editorial

# House Of Humanity

By: Mojgan Moghadam-Rahbar  
(Editor-In-Chief)

**“As we are all well aware, the conduct of the elite is often copied by the masses. These individuals can spread the message of humanity and love just as well as the one about the importance of being fashionable.”**

While walking along the iconic streets of Rodeo Drive in Beverly Hills, Fifth Avenue in Manhattan, and Champs-Élysées in Paris, one becomes absolutely mesmerized by the luxurious merchandise so beautifully displayed in the windows of the glamorous and well-known boutiques.

Of course in today’s global market, almost every city has its own center of fashion, which often includes the design houses of all the famous fashion artists of our time. These days people from all socio-economic backgrounds, and not just the elite and wealthy, seek to adorn the best that “bling” has to offer and are willing to go the extra mile to pay for it. It seems that in today’s competitive world, wearing clean and tasteful attire is not enough, one often has to flaunt not only the name of the designer label, but also the chic department store or boutique where the purchase was made. Its no longer, “Honey, do you know where I put my shoes?” but, “Honey, do you know where I put my Prada’s?”

In the past fifty years the designer’s label, usually hidden inside the merchandise, has turned into a visible emblem meant for exhibition all over our clothing and accessories. Every new fashion season our favorite designers attempt to keep the consumers happy by introducing new and innovative ways of displaying the label on the merchandise for optimum show. And of course, the consumers

proudly wear these labels like badges of honor that somehow displays to the world who they really are and where they come from.

Consumers don’t wear designer labels for vanity alone. Sometimes our sense of activism is what leads us to a particular label. For example, there are designers who pride themselves in being environmentally friendly or sympathetic to a certain social or political cause, and by purchasing and wearing their clothes consumers show their solidarity for, and consciousness of, that particular cause. Also, the media, through presentation and reports about the latest fashions worn by respected and well-known individuals all over the world, convey the message to ordinary people that using the products of certain designers will bring them closer to the individuals they admire. In this way, the designer clothing can bestow upon a person a certain amount of confidence, pride, and beauty, virtues that are important factors in our mental and emotional well being.

In every red carpet gala, Hollywood party, and even the latest political campaigns, the clothing and accessories worn by the individuals has become just as important, if not more so, as the person himself. The celebrity, social activist, or politicians’ values, beliefs, and efforts are often secondary to “who” they are wearing, where they bought it from and how much was spent on it. In other words “who” they are wearing takes precedents over “who they are.” How nice it would be if the media were propelled to report the humanitarian works and beliefs of the well-known individual half as much as the designer label worn by him or her. As we are all well aware, the conduct of the elite is often copied by the masses. These same individuals can spread the message of humanity and love just as well as the one about the importance of being fashionable.

In today’s world, where financial prosperity can compensate for many personal, educational, and social deficits, the one thing that cannot be bought is humanity. How wonderful it would be if on Rodeo Drive, alongside the House of Chanel and the House of Armani, one could find the House of Humanity, where we could purchase some justice, honesty, kindness, tolerance, and friendship.

Imagine, if by just putting on our Humanity shoes and carrying our Humanity purse we



could reach the noble state of compassion. If only our Humanity necklace brought us as much inner peace, and tranquility, as our Van Cleef & Arpels bracelet brings us prestige, and the admiration of others. Alas, while some things can be bought if you've got the right amount of money, other things remain priceless. A well-known poem by the great eleventh century Persian Poet and philosopher, Sa'adi translates:

“The Human body is dear to man's soul  
But the soul is not embodied in the beauty of his cover.”

With hopes for the grand opening of “The House Of Humanity,” I wish you all a bright Hanukah and a healthy new year.

## Messengers Of Hanukkah

By: Rose C. Engel and Judith M. Berman

My candles wait  
Throughout the day  
Until the evening falls,  
Messengers of Hanukkah,  
They stand so straight and tall.

I sing a blessing  
As I light  
Each tiny wick in turn,  
Bright their light,  
In dark of night  
See them as they burn.

I watch the giant shadows  
That my lights  
Cast on the wall,  
Telling me  
That hope can grow  
Just like these candles small.

One little spark  
In each man's heart  
Can blaze for all to see.  
Spreading hope  
Throughout the world  
That all men will be free.



## Message From: **Manouchehr Nazarian** President Of The Iranian-American Jewish Federation's Executive Board

**“Judaism promotes flexibility and unity. We have learned to adapt to the laws and cultures of our home countries. This has helped Jews survive and prosper throughout the years, no matter which part of the world we called home.”**

Every year during Hanukkah, I can't help reminiscing about the way we celebrated this holiday in Iran, compared to how we celebrate it here. In the United States and other western countries, Hanukkah receives special attention because it coincides with the winter holiday season. In Iran Passover was the time when Iranian Jews exchanged gifts and visited family and friends. Other than its religious importance, it had a special significance because; it was the Jewish holiday that coincided with the Persian New Year celebration of Norooz.

Until only 60 years ago and Israel's independence, Jews were considered a minority wherever they lived. Although we all share the same roots and faith, the cultural and social values of each Jewish community around the world is different. Jews have always followed the value system of their birth country to a great extent. Our leaders have always encouraged us to become a part of our individual communities, by following the laws and contributing to its culture. Such differences have led to disparate customs and traditions among Jews throughout the world. For example, while Ashkenazi Jews refrain from eating rice during Passover, it is a staple at the dinner table for Mizrahi and Middle Eastern Jews.

Judaism promotes flexibility and unity. We have learned to adapt to the laws and cultures of our home countries. This has helped Jews survive and prosper throughout the years, no matter which part of the world we called home. This has also been the case for Iranian

Jews who have immigrated to the United States, and other countries, in recent years. Finding ourselves in a new homeland, many of us have begun a fast pace assimilation process to the new culture, while setting aside our old cultural values and traditions. Although change is inevitable, abrupt change without a proper transitional period can result in unpleasant consequences.

In Iran, Jews held a distinct place in society with certain limitations placed on them as a minority. Within those constraints, their values and traditions were largely homogenous and their identities quite clear. These beliefs and values were passed down to our children with little change from one generation to the next. For example, an Iranian Jew was accepted and considered as part of the community regardless of how often he attended synagogue.

Here in the United States, many Iranian Jewish families struggle to find themselves a home among so many different options for religious expression. While greater freedom and equality, have allowed members of our community to achieve success in many fields, there is a conflict between the traditional values and the values of the country they now call home. The lack of a transitional period before assimilation has created a void in the social and moral conducts of many young adults within our community. Regardless of apparent educational and external success, there is a sense of indifference and irresponsibility for their actions, among the youth. As parents, we have tried to provide all that we think is necessary for the well-being, and success of our children in education, and the work force. Since our children are not faced with the same struggles we dealt with, as members of a small minority living in Iran, they have thrived in many ways but do not possess the solid social and moral values needed to fall back on.

Fortunately, there are different Iranian Jewish organizations, all over the United States, which strive to educate and help our community to overcome these issues and find new ways of solving them.

We are fortunate to have immigrated to a country where equal rights and democracy are the law. And as proven by the recent presidential election, people from any race or religion can achieve important social and political positions. We can, and must use the great amount of benefits and potential available to us in this country. Also, we should be careful to create change slowly, so as not to diminish our own values. This is the only way we can secure a better future for the next generation without compromising the quality of their lives.

May the New Year and Hannukah be blessed with hope, health, and light for all our compatriots and all Jews throughout the world.

# A Community United to Serve

## Iranian-American Jewish Federation's Women's Division

More than 150 women leaders of different Jewish Service organizations celebrated each other and their unity on Tuesday September 23rd. The event, was the first meeting of the new IAJF's Women's Division, titled "A Community United to Serve" held at the beautiful IAJ Center.

There were several goals for gathering these active-female leaders of our community together:

- 1- To honor them, applaud them, and offer appreciations for their years of service.
- 2- To create unity and harmony amongst women organizations in our community.
- 3- To better familiarize each organization with the services offered by others.
- 4- To request their input in pointing out the needs of our community, especially those issues facing our women and our youth. Through a questionnaire.
- 5- To create a united voice for Iranian American Jewish Women on mutually agreed upon social issues.

When the Idea of this gathering was presented to IAJF, it received unanimous approval since it is parallel with the goals of the organization.

The mesmerizing voice of Nicole Farnoush, a member of "30 Years After Organization", singing the national Anthems of United States, Israel and Iran, was an uplifting and emotional beginning to this super energized gathering.

IAJF's President, Mike Nazarian, who offered words of praise and deep appreciation to all the ladies, for their tireless efforts and their humanitarian achievements, welcomed the guests. He introduced and thanked Shahla Zargarian-Javdan, the new President of Women's Division, for her foresight in recognizing the needs of our time, her endless efforts on behalf of this timely gathering, and

for the enthusiasm she has created within the organization and community.

Corri Plank presented a Certificate of Merit from the Mayor of City of West-Hollywood, Abbie Land. Prior to being elected as the Mayor in January, Abbie Land served as Mayor Pro Temp for the City of West Hollywood. This Certificate recognizes the efforts of IAJF's Women's Division and the goals of "A community United to Serve," campaign.

The program continued by recognizing all the volunteers who had assisted the Women's Division of IAJF in the past. The idea of honoring our past before beginning with the future was received with



Shahla Javdan, women's committee chair person

tremendous applause and words of appreciation from all participants. Next, the Board members of the new Women's Division were introduced and greeted. These members include: Soheila Arian Hlimi, Dr. Rosa Boostanifar Johnson, Dr. Rochelle Boostanifar Yazdi, Dr. Sima Boostanifar, Vicki Darvish, Lida Ebrahimian, Shahla Ebrami, Rosita Ebrami, Lili Elghanian Mehdzadeh, Debbie Farnoush, Nicole Farnoush, Mona Javdan, Elizabeth Khoramian, Mino Konhazadeh, Sima Kohanzadeh, Soheila Makani, Kathy Melamed, Michelle Melamed, Mahnaz Mossanen Yashari, Mahnaz Nazarian, Jila Rabani, Azita Sabet, Violet Sassooni, Nadereh Soleimani Jam, Shahla Yashar, Shahim Yonai Sapir, Jila Yousefi, and Mahnaz Zargarian Ramin. With an advisory board, which includes: Dr. Sima Baravarian, Mehri Sinai, Dr. Nahid Pirnazar Oberman, Louise Golshan, Soraya Zargarian Melamed, Dr. Mojgan Hakimi, and Azizeh Kermanian.

The day's excitement reached its pick when the president or a representative of each of the 22 small and large active Jewish Women's organization



gave their 3 minutes report explaining their organization's goals, projects and visions. Participating organizations included: 30 Years After, Alliance, I.U. Arm, B'nai B'rith, Etta Israel, Golda Magbit, Hadassa Haifa, Hadassa Malka, Iranian Jewish Women's Organization, Namat USA, Namat Young Leaders, Nessah, Or Emona, ORT, Mthers For Tomorrow, The Next Generation, Women of Vision, Mahayad-El-Hope, Payvand Group, and Hatef.

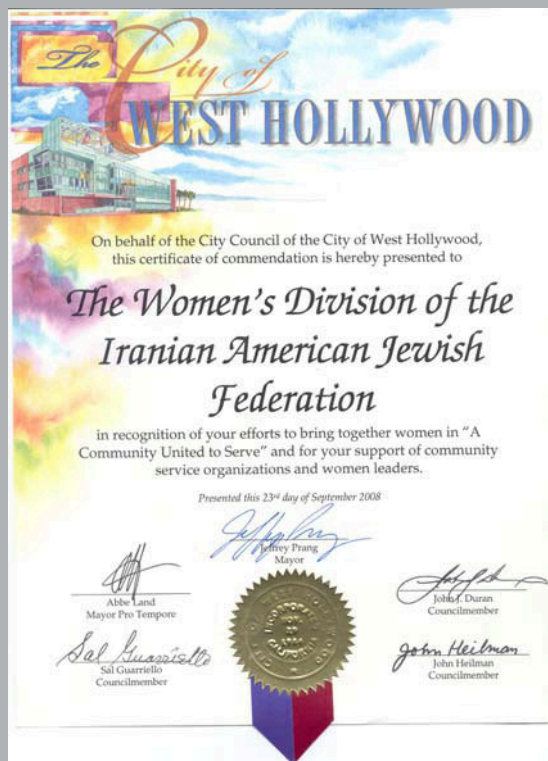
The audience warmly received all presentations, and a long stem red rose was presented to the speakers in appreciation of their work. Many presenters began their comments by confirming the need for such a gathering, its timeliness, and educational value, and how much the participants learned from each other.

In addition to all board members, several Jewish Iranian professionals, who provide much needed services, for the community, were in attendance, including Heidi Herbert-Aynechi from California State Department Of Rehab, who gave short report about services her office offers. This report was most welcomed, and received many follow up questions from varied organizations wanting to refer needy members of the community to them.

Other distinguished guests present were Dr. Dorit Miller, Dr Shadee Toomari. Mojgan Moghadam-Rahbar (editor Shofar publication), Shirly Khodadad, Pari Abasalty (editor of "Rah-e-Zendegi" magazine), Dr. Nahid Pirnazar, and Dr. Azizeh Bral.

All participants were asked to answer a questionnaire provided by the organizers, asking them to "identify what you believe are the most pressing issues facing the women, the youth and the families in our community and the ways you believe we can solve them."

After collecting these comments, Shahla Javdan remarked that, "The positive feed back from attendees exceeded our expectation! Now that the introductory phase has taken place, we are working on the follow up meeting to be held in early December to further discuss, pin point, and identify the most pressing social issues in our community." Javdan closed the program by saying: "Another meeting will be followed by a major Seminar with knowledgeable experts showing us the practical ways to deal with selected social issues picked from the returned questionnaires."



certificate presented to the IAJF women's division by city of west Hollywood

# Women's Health Day

By: Farnoush Abrishami

The "Women's Health Day", an informative and engaging event designed by the Health & Wellness Committee took place on October 26th, at Iranian American Jewish Federation. This program was free of charge and open to the public. Over 800 women of all age groups and interests attended the event and were eager to find out more about health issues concerning their gender.

This was an all day affair, with several seminars on different topics through out the day informing and educating women in wide range of subjects. The seminars included topics such as Healthy Living; Nutrition, Supplements and Exercise, Women's Cancers-Prevention, Detection and Treatment - Menopause, Hormone Replacement and Osteoporosis, Prenatal Care - Healthy Mother, Healthy Baby, Healthy Hearts - Heart Disease and Stroke in Women, and Thyroid Health.

Knowledgeable physicians & experts were invited to speak and lead the seminars. In another section, informative booths along with free healthy foods were sent up for the participants. Apparel and jewelry boutiques were also provided, which gave the event a friendlier and more enjoyable atmosphere. The proceeds from the boutique were donated to the American Cancer Society. A great part of the event was an art exhibition showing the works of six very talented artists of our community.

Shabnam Kimiabakhsh, head of the Health and Wellness Committee of the Iranian-American Jewish Federation, and her hard working committee members, beautifully organized the event. All participants found the seminars and their topics very useful and informative. The committee plans to have more such one-day events on other important health related topics in the near future.



Over 800 people attended the seminar



Mastaneh Moghadam-Ellis, one of the artists presenting her paintings at the women's health day

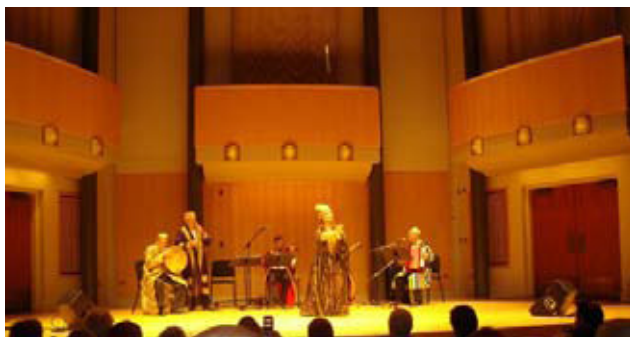


Shabnam Kimiabakhsh, chairman of the health and wellness committee, Dr. Kamran Broukhim, committee advisor

## Iranian Jewry From Past To Present

**“Over 200 participants attended a three day international conference packed with amazing, intriguing and eye opening information about the history of Jews in Persia and the lives of Iranian Jews today.”**

An international conference about the lives and history of Iranian Jews was held at the University



A dancer from the Bukharian Jewish Folklore Ensemble

David Menashe from Tel Aviv University, Parvaneh Pourshariati from Ohio State University, Maria Subtelny from University of Toronto, Evan Rapport from New York University, Orly Rahimiyan from Ben Gurion University, and Jaleh Pirnazar from University of California Berkeley.

Some of the topics covered by this distinguished group of speakers were: The Sassanian Legal System and the Babylonian Talmud, Notes on the Jews in the Pre-Constitutional Years of 1896-1906, Voluntary Religious Conversion of Iranian Jews in the Nineteenth Century, The Iranian Shylock: The Image of the Jews in Iranian Cinema, Post-Revolutionary Jewish Iranian Literature, Bukharian Jewish Musical Life and Its Relationship to Judeo-Persian Culture, Persian and Kurdish Jewish Amulets: Shapes and Images - Text and Social Function, and many more interesting topics.

Saturday evening the Izra Malakov's "Bukharian Jewish Folklore Ensemble" held a dance concert at the Gildenhorn Hall of the University of Maryland with a lively and unique performance. On Sunday the seminars were held at the University of



One of the panel discussion group during the conference

of Maryland from Saturday November first to Monday November third of this year. This conference was sponsored by The Joseph and Rebecca Meyerhoff Center for Jewish Studies, The Roshan Cultural Heritage Institute Center for Persian Studies, University of Maryland, College Park, and co-hosted by The Hebraic Section and Near East Section, African Middle Eastern Division of Library of Congress in Washington D.C.

Over 200 participants attended the three day event, which was packed with amazing, intriguing and eye opening information about the history of Jews in Persia and the lives of Iranian Jews today. Guest speakers from all over the world were invited to give information and talk about their expertise in relation to Iranian Jewry. Some of the speakers included: Shaul Shaked from Hebrew University, Miriam Macuch from Free University of Berlin, Nahid Pirnazar from University of California Los Angeles,

Maryland and on Monday they were held at the Library of Congress. The chairpersons and directors of the conference included: Ahmad Karimi-Hakak, director of Roshan Center; Hayim Lapin, director of Meyerhoff Center; Houman Sarshar, independent scholar; Madeline Zilfi, University of Maryland; Leah Baer, Independent Scholar; Christopher Murphy, Head of the Near Section Library of Congress; and James H. Billington, Librarian of Congress.

A collection of rare Irano-Judaica books was displayed in the Library of Congress for public viewing throughout the conference. The sessions were free and open to the public and received a great reception from the Iranian and the American public and scholarly community.



## A New Way To Follow Old Traditions

**“Nessah Synagogue sets a new precedent by allowing girls to participate in the Shabbat services during their Bat Mitzvah ceremony.”**

In August of 2008, the congregation at Nessah Educational And Cultural Center, in Beverly Hills, witnessed a beautiful addition to the traditional way of conducting a Bat Mitzvah ceremony. On Saturday August 30, the Nourafshan family celebrated the Bat Mitzvah of Rebecca by having her recite the “Shema” and read the Haftarah during the services, while staying true to the laws and orders of the Jewish tradition.

“Through this unprecedented event, in the history of the Nessah Synagogue, we tried to bring girls and women closer to the Jewish tradition.” Said Jack Nourafshan, Rebecca’s father and an active member of the community. In order to involve the women and the female section of the congregation, Rebecca was asked to recite the “Shema” toward the women’s section, and asked them to participate in the singing of the prayer. “The way she included the ladies of the congregation in her reading, encouraged them to participate in the services.” Nourafshan explains.

In order to create a more personal and warm atmosphere during the services, Rebecca’s father as well as other family members and the Rabbi did the Torah readings and the Aliyah. Rabbi David Shofet, the religious leader of Nessah congregation, was fully supportive of the inclusion of girls in the ceremony in this way, which stayed true to Jewish traditions. Also participating in the services were Rabbi Mendel Weiss and Rabbi Hillel Beuchimol, who usually conduct

Shabbat services for different age groups in other



Rebecca Nourafshan

rooms of the synagogue.

Rebecca continued her Bat Mitzvah ceremony by reading the Haftarah and delivering a speech about the day’s Parashah. Although Rebecca attends the Sinai Akibah School, her family and herself wanted to have the Bat Mitzvah services at Nessah, in order to be closer to the Iranian Jewish traditions. Nessah Educational Center provides classes and private tutoring for Bnai Mitzvah ceremonies. The congregation has different Shabbat services for teenagers, young adults, and children, as well as a toddler room.

Dr. Mojgan Hakimi, past president of Nessah, was very happy that such an event and opportunity for girls became possible during her term. “We talked and presented our views and the needs of the community and I am so happy that the congregation was able to open a new way for girls and women to feel more involved and become active participants during the services.” She said. We hope that the Iranian-American Jewish community will continue to reinvent itself without having to break with valuable and beloved traditions of the past.

# Change for Progress

By: Nicole Sadighi\*

**“Many Iranians are keen to find out how the new President elect will fashion his foreign affairs protocol, particularly with their native country.”**

“I have a dream that my four children will one day live in a nation where they will not be judged by the color of their skin, but by the content of their character.”  
Martin Luther King, Jr. 1963

America is the greatest land of opportunity for women, blacks, and minorities. Obama's election is the most stunning event in history. The notion that if you are black then you cannot be president is now a myth in the United States of America. Nothing will put him down in the history books as much as his skin color and African Americans are proudly standing tall, and rightly so.

However as Larry Elder pointed out in a CNN pre-election interview, “this is not the civil rights movement. Though it is because of the success of the civil rights movement that Obama can have this opportunity. So we should rather focus on his proposed policies.” It is noteworthy to point out that Larry Elder is a prominent African-American personality.

Winning by 3% of the ballot, one questions whether this was a vote for Obama or a vote against the Bush administration? It has now been announced that Barack Obama will be reversing much of President Bush's executive orders, such as off shore drilling, and stem cell research. As time goes by we will steadily learn more. What his policy guidelines would be concerning countries such as Iran, is yet to be confirmed.

Many Iranians are keen to find out how the new President elect will fashion his foreign affairs protocol, particularly with their native country. We do know that throughout most of his campaigning he has championed engagement with such regimes and even



shared his ideas on a “summit with Muslim countries in order to try and improve the United States' image around the world.”

In response to a congratulatory letter from Ahmadinejad to the President-elect, the first of its kind to a U.S. president since the 1979 Islamic revolution, Obama said that “Iran's support for terrorist organizations has to cease and its suspected development of nuclear weapons was not acceptable.” Nonetheless Ahmadinejad has demonstrated his satisfaction for the election outcome. Unlike his hostile rhetoric of past, Ahmedinejad has also displayed the Islamic Republic's new sense of security and a confidence that has not been expressed since Khomeini's rule. The fact that there are American troops in all the surrounding Emirates in the south of the Persian Gulf, such as Bahrain, Kuwait and Qatar and, in central Asia, Afghanistan and Iraq, has given Iran's Mullahs a sense of fear and insecurity, and a feeling of being trapped in a pincer. Iranians have retaliated by trying to destabilize the Middle East in any way they can such as their support for Hamas, Hezbollah and insurgency in Iraq that has led to the death of so many innocent Iraqi people and American allied troops.

One thing we can be sure of is that when it comes to foreign policy Obama will be faced with tough decisions. His flag for change has been something past Presidents have been working towards in one form or another, but perhaps when it comes to the guiding principles of foreign affairs a more fitting flag should be realism.

In its efforts to rapidly reverse much of the Bush administration's policies, the new administration should move cautiously in order to ensure that is serving the interests of America and avoid being enticed by what the President-elect wants to hear from such rogeu regimes, which would only serve that particular regim's interests. Such cat and mouse play

has been exhausted by the U.N., USA and the EU, with no results. The EU and UN, have been the voice of all three and have engaged with the Islamic Republic directly and indirectly to no avail. If anything, it has simply bought more precious time for the regime to build and facilitate its arsenal to full capability. One would just have to look at the regimes behavior during the last thirty years to appreciate that they have no intention at conceding.

There is no offer too good to refuse, that will convince them to discontinue their efforts. They believe its their right to join the union of nuclear countries and no matter how many more American

freedom. The regime is fully aware of this fact and has shown its anxiety through heavy handed repression and mismanagement of the country.

It is inaccurately reported each and every single time that the country holds democratic parliamentary elections such as the free world is so accustomed to. Even though they may define it as such in the Islamic Republic's national newspaper, spreading election rhetoric and slogans, which is in turn picked up by the western main stream media, they are far from traditional democratically held elections. A much more fitting explanation would be parliamentary selections. When candidates representing



presidents are elected to their liking, there is no proposal tempting enough to persuade them otherwise. The stakes are just too high for them. America is the super power of the free world. The Islamic Republic wishes to be the super power of the Islamic world. If these ambitions come into fruition with full force then that will be a big game changer.

This is the reality.

So knowing this, then lessons should be taken from history to truly understand the accurate nature of the country, its rulers and perhaps more importantly the Iranian people and their background, who have quite a different standing from the Islamic Republic in Iran.

In Iran the most dynamic group are the young, who make up approximately 70% of the country's nearly 70 million population. And they are hungry for

other parties are forbidden to campaign then it can hardly be termed as anything but a selection of the finest Islamic personalities by the Supreme Leader. It could be a hardliner or maybe a so-called reformist. It matters not as they do not govern any differently and the titles are just cosmetic. This is how the regime survives.

Unlike America's awe-inspiring elections where many a presidents have come and gone, the Islamic Republics dogmatic system of rule has never given the Iranian people the opportunity to build their own future and thus they are still struggling to restore democracy, freedom and a secular regime in their sovereign country.

America is exalting in the fact that it truly is the land of free, where no matter of what colour, gender, race or creed, you still have an abundance of



opportunity to reach for the moon. This is the beauty of America. This is America's truth, despite all of her critics who are consumed with jealousy. Even European pundits who have long labeled Americans as racist are now having to take a good hard look in the mirror.

So, any foreign policy that would welcome too hasty an engagement with the Islamic Republic would surely benefit the Mullahs the most, by unjustly giving them legitimacy as a de facto government. The people however, who dream for their country to once again have the same opportunities to blossom as America has, would become even more isolated and pushed to the side, once the idea of talks is commenced. Not to mention that it would not serve the interests of America's long term goals.

Of course being listed as a state sponsoring terrorism will continue to put the developed free world

on the offensive.

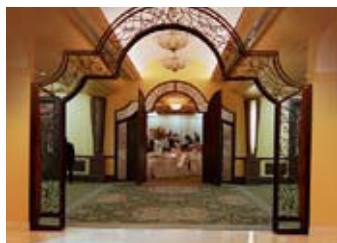
If president elect Obama wishes to make any progress concerning Iran, he should not put all his efforts on whether the Islamic Republic should not be allowed to pursue a nuclear arsenal, but rather focus on the fact that if in its place there was a free, civilized, transparent, rational and secular government in Iran - with respect for the most fundamental of human rights and long term ambitions to become an allied partner and join the democratic legion of countries - then there would not even be any notion of a threatening and dangerously hostile regime ready to push that little red button at the first sign of a quarrel.

Now that would be change.

\* Nicole Sadighi is a writer and fellow researcher for the Center for the Promotion of Democracy and Human Rights in Iran."



## NEMAN HALL FEATURES:



**Exquisite Ballroom with seating  
for 450 guests**



**Kosher Kitchen Facilities**



**(Outside Caterers Accepted)**



**Large Dance floor**

**Sanctuary and Chuppah Area**



**Private Bridal Room**



**Bedekn and fish area available**



**Valet Parking Service**

**Shofar**

Iranian American Jewish Federation

issue 161

12

for viewing of venue please contact

**Irma Smith**

Direct Line : (323) 656-2142

Iranian American Jewish Center

1317 N. Crescent Hights Blvd.

West Hollywood, CA 90046

# A Giant Step For Americans, A Bigger One For Iranian-Americans

By: Tannaz Sassooni\*

**“My Hebrew teacher once asked, if we thought of ourselves as Americans first or Jews first. My response? I told her the question doesn’t apply to me because I’m not an American. This seemed obvious to me. After all, even if I’d spent all but my first year of life here, I wasn’t born in this country.”**

It’s been an emotional morning. Checking the news online, I came across a story about President-elect Barack Obama answering a question about the puppy that he promised his daughters, saying they are considering getting a “mutt like me.” I’ve always been turned off by the stuffy, insincere way politicians often speak, so it felt great to hear him touch on an issue as contentious as race with such candor. On the radio on my drive to work, the subject of President-elect Obama, and how different he is from everything we’ve known so far, kept coming up. As I listened, I started looking inward.

Politics has always been a strange subject in my family. My dad usually leads the conversations, if you can call them that! Generally, it starts with him asserting a stance that flies in the face of conventional wisdom. Rather than explain his position, he’ll make a few short, mysterious statements, and when we press him, he tells us kids: “you wouldn’t understand,” end of discussion.

My family’s relationship with the United States has been equally enigmatic. We didn’t become citizens until I was in college, and even then, it was a reluctant concession to convenience: traveling, especially to Israel where we have family, can be quite a hassle when all you’ve got is a green card and brown skin. So, even when we became Americans in the eye of the law, our citizenship was not something worn with great pride in our household; it was more of a

technicality. I can recall an incident in Hebrew school when I was ten years old. The teacher, hoping to spark discussion, asked if we thought of ourselves as Americans first or Jews first. My response? I told her the question doesn’t apply to me because I’m not an American. This seemed obvious to me. After all, even if I’d spent all but my first year of life here, I wasn’t born in this country.

I don’t like disagreeing with my parents, and I frequently concede to their knowledge and experience. My dad knows a lot and is extremely insightful; no doubt he sees things that go over my head. But today, after listening to account after account on the radio, of African-Americans inspired, empowered, and moved to tears, I was overcome with emotion. I cannot deny how excited I am that my country, the one I grew up in, has made such a historical choice.

It got me thinking. How was it that I was feeling this when my parents weren’t? The thing is, I’ve been educated here in the States. By this point I’ve internalized so many details of African American history, the Underground Railroad and Jim Crow laws, the Montgomery bus boycott and the Harlem Renaissance. There was a period of a couple years in high school where it seemed every book I read was about incidents in the life of a slave girl, or being “black like me.” I will never forget how I tore through the pages of Alex Haley’s *Roots* in the eighth grade: reading a hundred pages or more in a single sitting, laughing through tears as I learned the entire African American story through the lineage of one man, a boy from the Gambia named Kunta Kinte, brought to Annapolis to be sold as a slave. Martin Luther King Jr. is a personal hero to me: strengthening one’s community through the message of non-violence is the best kind of leadership I can imagine. I take this history to heart. It’s intrinsic to my view of the United States and informs how I see society. On my drive to work this morning, it became very clear: there are things I understand and see, that others around me may not. I guess I can, and must, trust my own perspective.

This year’s election says so much about the power of democracy. Today, I can say with confidence that I am an American, because the tears in my eyes tell me so beyond any doubt. And today, I say it proudly.

\* Tannaz Sassooni is a freelance writer, currently working on an Iranian Jewish cookbook. She works as a technical director at DreamWorks Animation.



## The Little Miracle

By: Tannaz Kamran-Rahbar

**“ Young German officers descended on the ghettos and on Poland within days to make their fortune and they confiscated all Jewish properties. One officer was Oscar Schindler. Throughout the Holocaust, Schindler was arrested several times, and was in danger all the time, but he always managed to get himself out of it. Over and over, he would risk his life for his Jewish workers.”**

**“Where was G-d?”**  
**“Where was man?”**

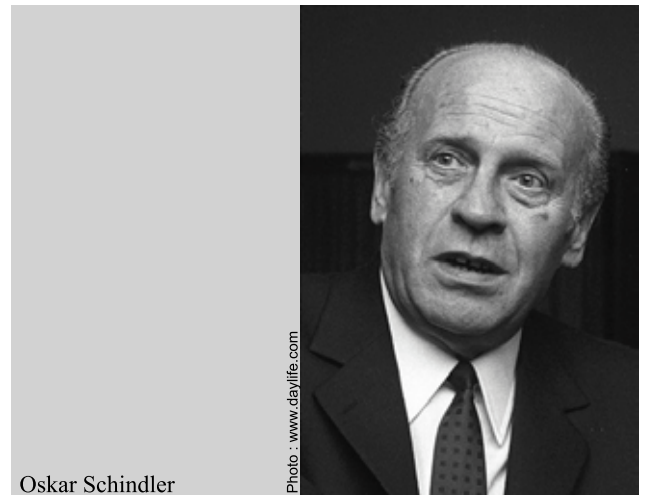
These were the expressions of masses of Jews at a commemoration march in Auschwitz a few years ago.

Six years, one and a half million children, and 6 million Jews. Their cries were ignored as the world watched and remained silent, but for the few angels of life. The Talmud says, “he who takes one life is considered to have taken a world entire, and he who saves one life has saved the world.”

I am walking into the Riviera Country Club in Pacific Palisades, California. Lush green grass, manicured gardens and gloved staff abound. As I enter the ridiculously gorgeous building, I take in the charm of the environment and the grandiose character of the setting. The breeze carries the scent of ocean and flowers through my body, my hair, yet it is no comfort to me. This is hardly the place one would imagine, or so I thought, for an event to honor the survivors of the holocaust; hardly the setting to recount stories of hor-

ror and atrocities. I found my answers throughout the evening.

On September 9, 2008, Rabbi Zushe Cunin of Chabad of Pacific Palisades presented the “Survivor’s Honorary Evening”. The Guest speaker was Leon Leyson, the youngest survivor on Schindler’s list. Rabbi Cunin’s opening consisted of the following excerpts: “We are here to celebrate the future, and to inspire ourselves and our children to make this world a better place, as it is in Chabad’s mission, through joy, education and inspiration in all walks of life. Tonight’s stories exemplify the infinite possibilities to make a better life and to move forward, with the power of change and transformation. Here we learn to move on in our own lives.”



Oskar Schindler

Rabbi Shloime Zacks, also of Chabad, continued with the following introduction. His speech is too precious to paraphrase and is included here in its entirety: “AFTER THE HOLOCAUST, A NUMBER OF JEWS TOO PAINFUL TO COUNT AND GIVE A NUMBER TO, HAD BEEN TAKEN FROM US. AMONG THE UNBEARABLE CHALLENGES AND REALITIES THAT FACED THE SURVIVORS AFTER LIBERATION, WAS THE TASK OF FINDING JEWISH CHILDREN SENT INTO HIDING IN MONASTERIES, CONVENTS AND CHURCHES. MANY OF THEM WERE BABIES WHEN THEIR PARENTS, CRYING BITTER TEARS, HANDED OVER THEIR CHILDREN WITH THE HOPE THAT THEIR DARLING CHILDREN WOULD



ESCAPE AND SURVIVE THE EVILS BEING PERPETRATED AGAINST THEIR PEOPLE, PRAYING THAT ONE DAY THEY WOULD SEE THEIR CHILDREN AGAIN. THE JEWISH SURVIVORS HAD LOST TOO MANY, A NATION BEREFT AND ORPHANED, BEATEN AND HOMELESS, NOW FACED LOSING... THEIR VERY CHILDREN. RABBI ISADORE GRUNFELD WAS PART OF A DELEGATION SENT TO FIND AND RETURN THESE CHILDREN TO THE JEWISH COMMUNITY.

WHEN VISITING ONE CONVENT ORPHANAGE, HE AND THE OTHER DELEGATES WERE TOLD THAT NO JEWISH CHILDREN LIVED IN THE ORPHANAGE. SENSING OTHERWISE HE ASKED TO OBSERVE THE CHILDREN AT LUNCH TIME. THE LARGE COMMUNAL DINNING ROOM WAS FULL WITH CHILDREN. THE NOISE OF FORKS CLINKING AND CHILDREN'S CHATTER FILLED THE AIR. STANDING TALL AT THE HEAD OF THE LARGE ROOM HE CRIED: "SHEMA YISROEL." 100 CHILDREN WERE SILENCED, THE AIR WAS STILL, NOT A SOUND BUT THE PIERCING CRY OF SHEMA YISROEL FILLED THE ROOM. A HANDFUL OF THE CHILDREN, INSTINCTIVELY COVERED THEIR EYES WITH THEIR RIGHT HAND AND SANG TOGETHER WITH THE RABBI HASHEM ELOKAINU HASHEM ECHOD, "HEAR O ISRAEL, THE L-RD OUR G-D THE L-RD IS ONE". THIS HAD NOT LEFT THEM AND WITH UNFORGETTABLE MEMORIES OF BEING SAFE AND LOVED IN THE WARM EMBRACE OF THEIR MOTHER'S ARMS, BEING SUNG THE SHEMA BEFORE GOING TO SLEEP; CRIED OUT IN THEIR BROKEN, NEARLY FORGOTTEN YIDDISH "MAMA MAMA!!" IN THE VAST MAJORITY OF CASES THE CRYING BABES DID NOT SEE THEIR MAMAS AGAIN.

THESE INDOMITABLE WORDS OF SHEMA, HAVE ALWAYS BEEN THE IDENTIFYING TRADEMARK OF THE JEW. THIS ONE-LINER ENCAPSULATES THE ESSENCE OF A

JEW AND CARRIES US STILL TODAY. THESE CHILDREN WERE RETURNED TO THE JEWISH COMMUNITY AND FOUND NEW HOMES AND EDUCATED WITH THE FULL RICHNESS OF A JEWISH EDUCATION. AND EDUCATION IS THE KEY WORD TONIGHT.

OUR GUEST SPEAKER AND OUR HONOREES KNOW THE IMPORTANCE OF EDUCATION, OF TEACHING THE LESSONS THE FUTURE GENERATION AND WE MUST LEARN FROM THE HORRORS OF THE HOLOCAUST. BIGOTRY, HATRED AND PREJUDICE DO NOT BELONG IN ANY SOCIETY.

OUR GUEST SPEAKER AND HONOREES RECOGNIZE THAT TEACHING TOLERANCE AND LOVE FOR OTHERS IS THE GREATEST DEFENSE WE HAVE AGAINST DANGEROUS, MISGUIDED INDIVIDUALS AND REGIMES THAT SEEK TO CAUSE US HARM... EDUCATION IN AN UNLIKELY GENERATION BLESSED WITH MATERIAL SUCCESS AND RELATIVE PROSPERITY WE CAN OBSERVE A NOTEWORTHY PHENOMENON. STAGGERING NUMBERS OF JEWS ARE REDISCOVERING THEIR JEWISH ROOTS AND HERITAGE. SOUL SEARCHERS AND THE JUST PLAIN CURIOUS ARE FINDING REAL LIFE GUIDANCE, INSPIRATION AND MEANING FROM THE STUDY OF TORAH THAT IS AS RELEVANT TODAY AS IT WAS FOR THEIR ANCESTORS. EDUCATION.

TO STUDY AND EXPERIENCE JEWISH LIFE AND PRACTICE IT IN A POSITIVE WAY IS THE GREATEST WEAPON IN OUR ARSENAL IN OUR FIGHT AGAINST ASSIMILATION. THIS IS WHAT TONIGHT IS ALL ABOUT.

WITH THIS INTRODUCTION, ALLOW ME TO INTRODUCE TO YOU OUR GUEST SPEAKER FOR TONIGHT. A MAN WHO HAS EXPERIENCED FIRST HAND WITH ALL THE AGONY AND ANGUISH, TRAUMA AND TRAVAIL THE EVILS THAT ONE HUMAN BEING CAN INFLICT ON ANOTHER. YET ALSO INTIMATELY

WITNESSED THE GOODNESS OF MANKIND AND HIS LOVE FOR ANOTHER UNDER THE DIREST OF CIRCUMSTANCES. HIS STORY I WILL LEAVE HIM TO TELL... THE YOUNGEST SURVIVOR ON SCHINDLER'S LIST..."

LEON LEYSON looks like an everyday grandfather, a quiet fellow, with gentle humor in his eyes, until you look deep into his eyes, and it is all there. The following are excerpts from his story:

"Fifty years ago, you could not imagine such an event in a venue like this. Things have changed. In WWII Oscar Schindler rescued more than 1,200 Jews, by outwitting the Nazis in his enamel goods factory. We must never forget those times, or his kindness. I am not a scholar or a public speaker; I am here just sharing my experiences. I have lived here for over 40 years, and I taught in the Los Angeles Unified school district. My supervisor always kids me about how I survived the holocaust, only to end up in L.A. Unified for 39 years. I was 9 years old, and lived in eastern Poland, in the town of Narevka. It was a small town with water wells, horses and wagons, and the Jews did small crafts like tailoring and shoe making. Of the 2000 population, half were Jews. We lived in peace together. There was never any animosity."

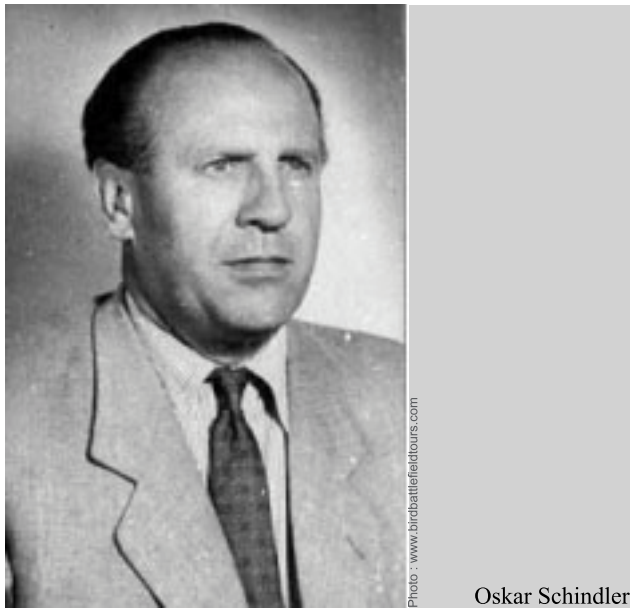
Later Leyson's family moved to Krakow, and to him it felt like Disneyland, the big city. It was an adventure, riding the big city bus and sitting in the back with his buddies, causing trouble, until the Nazis invaded Poland. Immediately the anti Jewish campaign started. At first, his father was arrested and jailed 2 months for no reason. Then, someone ratted them out as Jews. His father spoke German and would stand up to them, but that made them furious. His brother escaped Krakow and went back to their grandparents' house in Narevka occupied now by the Russians. By then there were more and more restrictions being enforced like curfews, and being forced to ride the back of the bus. "it is one thing to sit in the back of the bus to have fun with friends, but it is a whole other thing to be forced only into the back of the streetcar." It is not fun anymore, but degrading, and hateful. Later, Jews were banned from streetcars altogether.

Many ask why didn't the Jews run then? "None of us knew what was coming." They thought these were the same Germans of WWI. They would harass them, and give them trouble, and then they would go away. "But in 25 years a nation of philosophers and professors had turned into a nation of killers." Eventually, children were not allowed to go to school. It was fun at first, but after a few days, it became very sad." Step by step, they took their spirit away. Yet the Jews were still hopeful, still not worried, only to watch as things got continually worst. Soon, the ghettos were formed as they started to build walls in some areas in Krakow and still no one believed that Jews would be forced there. But they were. Jews were jammed into small apartments, with barely any food, sanitation, or care. Mr. Leyson spent two years there. He remembers always being hungry and frightened. There was a severe food shortage, and the Jews were treated as subhuman. "It was dangerous to walk down the street. There was insanity, stress, fear, and hunger everywhere, all the time. Young German officers descended on the ghettos and on Poland within days to make their fortune and they confiscated all Jewish properties, their factories, etc. One officer was Oscar Schindler. He was given the enameled kitchenware factory and began to operate. He also added a line of bullets and ammunition to his factory, and he needed craftsmen." Schindler hired Leyson's father, and he was given permission to leave the ghetto to go to work at the factory, and lucky him, he would smuggle in small pieces of food. Next, his brother was hired, and he too smuggled food, and his mother worked magic with scraps for dinner, for the entire family! Actually, some poor Jewish families were now even better off in the ghetto. Leon did anything for some food, he would run errands for others for one buttered slice of bread that he would bring to their apartment to share with the family, "and that one slice would be cut into 6 pieces." Leyson stares into space, his face draws in, he shakes his head and looks down for a long, eerie moment.

"Some Nazi troops had one job: to roam around Poland and Eastern Europe, gather, and murder

Jews. They later got to Narevka, where his entire remaining family was murdered, to include his older brother, grandparents, uncles, aunts, cousins, and many friends. Leyson is silent again.

It was at that point that the Jews barely started to comprehend the true depth and scope of the Nazi plan. They then realized that they were placed in ghettos not just for isolation, but because it made gathering and murdering the Jews much more efficient and faster. Then, the Nazis started building the camps.



Oskar Schindler

## THE CAMPS:

When the Nazis invaded Eastern Europe, they found way more numbers of Jews than they had expected, and they had to think fast. The extermination was taking much more resources than they cared to expend and was most inefficient and inconvenient, so they built murder camps, “which is a much more appropriate term than death camps, by the way, because this was not ordinary death, it was murder.” Claims Leyson. At first they came to the Jews and said: ‘anyone who wants to leave the congestion of the ghetto, can get on the trains, and they will be taken to the countryside, given jobs, fresh air, and food.’ Some Jews, out of sheer desperation, bought into it. “No one could believe, or accept the truth. At first there was utter denial about news of camps that

murdered Jews by the hundreds of thousands at a time. But then it started to sink in.” Eventually the ghetto was closed, and the last of the Jews, including some of Schindler’s employees, were sent to the trains. As depicted in the movie, Schindler went to the railroads to rescue his accountant ‘Stern’. When he got there, he saw the 17-year-old son of one of his employees, who was Leon Leyson’s older brother. Stern and Schindler begged the boy to come out of the train, but he refused to leave his girlfriend alone on the train, and so he went off to be unloaded half way and shot into a mass grave with his love. “These were people, with faces, somebody’s brother, sister, grandmother, someone’s child. I saw their faces; I remember their faces; I watched them go.” It is of pure miracle that Leyson himself survived. His own life was in danger more times than he can recount, and he lived out of pure luck.

“As I said, they were closing the ghettos. The officers would just walk around and shoot people off their balconies. Those who were not murdered were moved, in groups. They would line up Jews in pre set groups, and kept separating Leyson from his family, but he kept trying, and finally slipped through the gates anyway. He succeeded in going to the Plushov camp with his family, but it turned out to be “the end of the world. It was a camp, with shootings daily, guard dogs, hard labor, famine, and worse.” Finally, Oskar Schindler arrived at Plushov, and bribed many SS officers, again, and obtained permission to build a sub camp closer to his factory, to make the daily transport of his workers cheaper and easier. Mr. Leyson, his mother, and his father were on the list. A few days before the final transport to Schindler’s barracks, his name was crossed off the list. He knew what that meant. So on the day his family was moving to the new camp, he slipped out, as if invisible, to see his mother off. He knew he would be left alone forever, and that this was his only chance to survive. He found himself nose to boot with a Huge Nazi officer, and by some stroke of magic, the officer allowed him back on the list. He went to work at Schindler’s factory and learned how to run the metal lathe, a heavy piece of



machinery that shapes metal. He was too short for the machine and couldn't reach the levers, so he had to stand on a box to do work, and that caught the eye of Oscar Schindler. Schindler would come down from his office and would visit with people every afternoon. He did not accept Nazi ideology, and there was something human in his eyes. Schindler struck a friendship with Leyson, and left word with the workers that Leon was to get two rations everyday. "In today's terms its no big deal, but in that context, where the norm was killing Jews, this was a massive act of kindness. Schindler did these things all the time.

Throughout the Holocaust, Schindler was arrested several times, and was in danger all the time, but he always managed to get himself out of it. Over and over, he would risk his life for his Jewish workers. Repeatedly, some women were sent back to the murder camps and ordered to the gas chamber, but he would again bribe the officers and get the women back. The war wore on; the soups got thinner and the rations smaller as if that were even possible. It was close to the end. He moved a large group of his workers to Czechoslovakia, and still, he plowed on in his new factory.

At the end of the war, other factory owners sent off their workers to die at the camps, and they themselves ran off. Schindler was also ordered to send his workers to the camps when all production stopped. He listed some workers to go back, except for a small group that included Leyson's mother who was allowed to stay. But then he changed the list and added Leon Leyson, his brother and father back on the list, and later his sister was added to stay as well. They were all starved, sick, and exhausted. There was no telling that they would make it on their own anyway. It looked pretty hopeless, regardless of whether they stayed or left. He left them in the factory and ran away.

The Leyson family stayed in Poland and then escaped to a displaced person's camp in Germany. They later found their relatives in the US, and made their way over here to Los Angeles. "This was the best thing that ever happened to me. On the train ride

here, I was playing with some coins. A woman sat next to me, and I didn't speak a word of English, and she pointed to the coins in my hand and said: 'this is a dime, and this is a nickel, and this is a penny.' I had not seen this much kindness in so long. It was a miracle what she did."

During the Korean War, much to his parents' horror, he was drafted into the army. The family was devastated. He went to Atlanta for basic training, and once again, as he did during his childhood, he would sit in the back of the bus for their excursions into town. One day, the driver stopped the bus and walked to the back and said to Leon, "son, you can't sit in the back of the bus, it is only for black people." "This was abominable, to me. It is one thing to want to sit in the back of the bus, but to be forced into the back because you are considered subhuman, I know how it felt, and it was unacceptable."

Later, the army informed him that they needed foreign language help from their draftees, and so they shipped him out to Okinawa. Everyone complained, except for him. He was happy in the army: 3 meals a day, clothes, a nice bed, what more could you ask for from life? Leyson later went on with school and studied his trade in industrial machinery, despite the serious interruption in his education, and continued on to teach at L.A. Unified for 39 years. He is now married; he has two children, and three grandchildren. "I have the most wonderful life, and I love living here."

In tears, an entire room is at their feet, and a long ovation is paid to someone who deserved so much more. It is hard to imagine how much the world lost at the hands of the Nazis, and truly "too painful" to imagine all that those countless many suffered. Six million worlds taken away...

## Things I Have Learned Along The Way...

# “The Old Man And The Wooden Bowl”

By: Vida Halavi

**“Through a sweet story a respected old man proved to me that children learn respect for their elders, not thorough love and kindness, but by watching how their parents treat their elders.”**



Recently at a dinner party I sat next to an older gentleman.

This was a man who was well loved by his family. Not only was he respected by his own children, but by his sons and daughters in law as well. During conversation the topic of respecting and revering one's parents came up.

I told him that I thought the best way to teach love and respect to our children was by giving them unconditional love. I felt that if we should show kindness and generosity to our children, they would in turn show the same kindness and generosity to us as they became adults and we got older. His response surprised me.

“My dear child, showing kindness to your children teaches them to be good people and good parents to their own children, but it doesn't teach them respect for their parents. That, they will learn by watching the way you treat your parents. That's what I mean when I say set a good example for them.”

He continued by telling me the story of the old grandfather and the wooden bowl:

“A frail old man went to live with his son,

daughter-in-law, and four-year old grandson. The old man's hands trembled, his eyesight was blurred, and his step faltered.

The family ate together at the table. But the elderly grandfather's shaky hands and failing sight made eating difficult. Peas rolled off his spoon onto the floor. When he grasped the glass, milk spilled on the tablecloth.

The son and daughter-in-law became irritated with the mess. “We must do something about father,” said the son. “I've had enough of his spilled milk, noisy eating, and food on the floor.”

So the husband and wife set a small table in the corner. There, Grandfather ate alone while the rest of the family enjoyed dinner. Since Grandfather had broken a dish or two, his food was served in a wooden bowl!

When the family glanced in Grandfather's direction, sometime he had a tear in his eye as he sat alone. Still, the only words the couple had for him were sharp admonitions when he dropped a fork or spilled food. The four-year-old watched it all in silence.

One evening before supper, the father noticed his son playing with wood scraps on the floor. He asked the child sweetly, “What are you making?” Just as sweetly, the boy responded, “Oh, I am making a little bowl for you and Mama to eat your food in when I grow up.” The four-year-old smiled and went back to work, while the father stood speechless.”

Talk about intuitive; I am often amazed at how intuitive children are. They follow your example despite the words you use. They can look right through you.

Remember, it is never too late to start setting a good example. Act from your heart and everything will set itself right.

So, my question to you is: Is anyone making you a wooden bowl? If so, what are you going to do about it?



# Un-Kosher Practices By a Glatt Kosher Meat Producer

By: Tannaz Sassooni\*

**“Criminal charges have been filed against Agriprocessors, the largest producer of glatt kosher meat in the United States, for child labor violations, and the company’s ethical and environmental health conduct is under question.”**

After six months of legal troubles and scrutiny for ethical violations at their Postville, Iowa meat processing plant, Agriprocessors, Inc., the largest producer of glatt kosher meat in the United States, has filed for bankruptcy, bringing into question the future of the company. The company employed hundreds of illegal immigrants, 32 underage workers – some as young as 13, and defaulted on a \$35 million loan. Their beef slaughtering practices have also come into question as potentially inhumane.

Agriprocessors is a family company, owned by Aaron Rubashkin, a Lubavitch Hasidic Jew from Brooklyn, since 1987, with his son Sholom as chief executive until recently. Their kosher meat is widely available throughout the country under the Aaron’s Best and Rubashkin’s brands, among others, with annual earnings of \$300 million, and is the only company to export glatt kosher meat products to Israel.

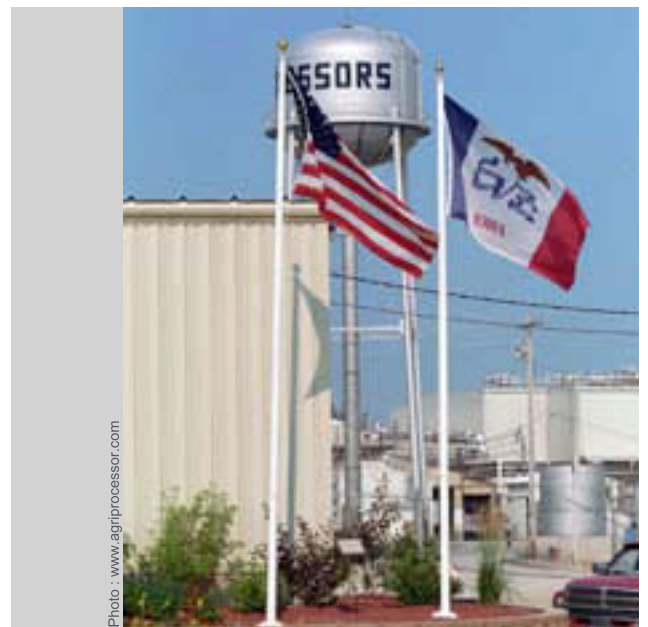
The recent rash of events started in May, when a raid of the Postville plant found 389 illegal immigrants, most from Guatemala, working there. In the following weeks, most of these workers were given the serious charge of “aggravated identity theft”, imprisoned for 5 months, then deported, decimating the workforce at the plant. Initially, the management of Agriprocessors was not prosecuted.

After the raid, former employees felt comfortable speaking freely about conditions at the plant, and anecdotal descriptions of working conditions began to

come out. Minors spoke of working up to 17 hours a day, not being paid all the overtime they had earned, and being expected to work with knives on the plant’s fast-paced processing lines with little or no safety training. One employee alleged that a supervisor on the floor of the plant kicked him, causing one of his knives to cut his elbow.

In August, criminal charges were filed for child labor violations at the Postville plant. Agriprocessors had placed minors in outlawed occupations, exposing them to hazardous chemicals and forcing them to work with equipment prohibited by Iowa’s child labor laws, including knives, saws and meat grinders. Minors were also forced to work before 7 a.m. and after 7 p.m. in violation of Iowa’s child labor laws. According to the official complaint, Agriprocessors managers “participated in efforts to conceal children when federal and state labor department officials inspected the plant.” A single child labor violation is a misdemeanor, and only holds a \$600 fine, but each day that the violations went on is a single charge, adding up to over 9300 criminal misdemeanor charges involving 32 underage workers against Agriprocessors Inc., Aaron Rubashkin, and Sholom Rubashkin.

In October, Iowa’s labor board fined Agriprocessors \$10 million for wage violations: between January 2006 and June 2008, the company had made 96,000 paycheck deductions for protective clothing and uniforms required by the company, had illegally deducted “sales tax” from some workers’ salaries, and had failed to give final paychecks to 42 employees





arrested in the immigration raid, leaving them owing \$264,000 in back wages.

It wasn't until the end of October that federal immigration agents arrested Sholom Rubashkin for "abetting aggravated identity theft" because of his knowing involvement in the employment of hundreds of illegal immigrants at the Postville plant. Floor supervisors from the plant told investigators that they had received a loan from Sholom to help illegal

Though this latest wave of events is the largest blow to Agriprocessors, it's not the first time the corporation's ethics have been questioned. In 2004, People for the Ethical Treatment of Animals denounced Agriprocessors as inhumane after volunteers with the group took video on the plant's kill floor of workers tearing open the slit made by the shochet, the ritual slaughterer, to pull out the trachea and esophagus, while the cow is still thrashing about. The grisly video appeared to be



employees acquire fake documentation when they had received word of the pending raid. Additionally, the complaint states that Human Resources managers at Agriprocessors, under Rubashkin's supervision, filled out countless job applications with the new fake documents before the raid. Two Human Resources supervisors were arrested for harboring illegal immigrants in September. Rubashkin was released on \$1 million bail after a hearing.

In early November, the New York Times reported that Agriprocessors Inc. had defaulted on a \$35 million loan with First Bank Business Capital of Missouri. The bank stated that Agriprocessors had drawn \$1.4 million in payroll checks that they couldn't pay due to insufficient funds, and that they owed nearly \$200,000 to their electrical company. The plant risked losing electricity, which would cause millions of dollars in meat to spoil and millions of chickens to starve to death. On November 4, under increasing financial pressure, Agriprocessors, Inc. filed for bankruptcy.

in direct violation of the laws of kashrut, where the shochet's quick cut with a razor-sharp knife inspected to confirm that there are no knicks in the blade -- should cause instantaneous, painless death. However, the Rubashkins claimed that these are unconscious, involuntary motions and the cows in fact feel nothing. The Orthodox Union, the largest kosher certification organization in the United States, agreed that while gruesome, the killings were within the laws of kashrut, but the videos were denounced by the United Kingdom's shechita authorities, questioned by Israel's chief rabbinate, and called an "atrocious abomination" by Professor Temple Grandin, the United States' foremost expert on humane slaughtering practices and consultant to many kosher meat processors. Though Agriprocessors made some improvements since then, new video taken by PETA volunteers this year show regular, non-shochet workers making hacking cuts into the throat of still conscious cows with regular knives. While the Department of Agriculture has said that these violations are not egregious, Dr. Grandin

stated that the cuts would “definitely cause the animals pain.” Agriprocessors agreed to suspend the second cut until kosher certifying authorities approved it.

The response from Jewish organizations to Agriprocessors’ transgressions has been mixed. The Orthodox Union, the largest kosher certification organization in the country, initially overlooked the corporation’s employment practices, but in September, they threatened to suspend kosher supervision of their plants if they did not hire a new CEO. Losing OU certification could prove crippling to Agriprocessors: no other certifier is as well known and trusted by kosher consumers as the OU’s familiar U-within-a-circle seal. So, Aaron Rubashkin asked his son Sholom to step down and named a new CEO, Bernard S. Feldman, and the OU did not suspend certification.

A delegation of Orthodox rabbis from the US and Canada inspected the plant in the months following the raids and stated that it was a wonderful place, with high-tech machinery. Meanwhile, Rabbi Morris J Allen of Mendota Heights, Minnesota has proposed a

secondary seal on kosher products, called Hekhsher Tzedek, which would certify that workers at the producing company are treated fairly, and that the company meets certain animal welfare standards. The United Synagogue of Conservative Judaism and the Rabbinical Assembly, the international organization of Conservative Rabbis, support the Hekhsher Tzedek seal. Many Orthodox groups, including the Orthodox Union, are opposed to the Hekhsher Tzedek seal.

In the aftermath of the raid, arrests, and subsequent bankruptcy, consumers face a shortage of kosher meat in the market. Agriprocessors stopped producing kosher beef at the Postville plant in October, and their plants in Gordon, Nebraska and South America are also down. Home cooks and kosher restaurants are scrambling for access to the small available supply. Empire Kosher is exploring adding kosher beef to their product line - they currently only sell poultry - but has not yet taken any action to this effect.

\*Tannaz Sassooni is a freelance writer, currently working on an Iranian Jewish cookbook. She is currently working as a technical director at DreamWorks Animation



Agriprocessors plant in Postville, Iowa

Photo : <http://en.wikipedia.org>

# UC Or SMC? That Is The Question

By: Delila Pouldar\*

**“For you, the Iranian parent... I know SMC is not the most impressive school to tell the people in your “DOREH” that your child is going to, but SMC has great transfer rates to highly regarded universities and your son/ daughter will be much more acclimated to the college workload and stress levels when he or she enters a university.”**

From my freshman year in high school I told myself “I am not going to go to SMC (Santa Monica College).” I had heard so many negative things about the school and the stereotypes that are omnipresent even today that I totally rejected the idea of considering going there for college. But as the college admissions process, and the rejection that comes along with it, became a reality I started to look more and more into this so-called “school for rejects”.

When the college decisions finally came during spring break, I was devastated and shocked; I was rejected from two out of the three schools I had applied to. The only school I was accepted to was one that I had applied to as a safety net and did not really want to go to. After returning back to school the following week and speaking to my counselor, I decided to appeal both rejections. Weeks passed and one afternoon I went online to check the success rate of appeals. I stared blankly at the screen; only 2% of appeals were successful. Just after reading this statistic, I logged onto the SMC website and dreadfully applied to Santa Monica College. Within an hour, I was accepted, although I cannot say I was exactly thrilled to hear about this acceptance.

The subsequent months were a disaster. I would go to school and have to hear about all the

esteemed schools my classmates were accepted to. In one of my classes, the teacher went around the room and made us say the schools we were considering attending... Harvard, NYU, Columbia, Yale, UCLA, Duke, USC, Berkley, and then it was my turn; “Um, I think I’m going to SMC” I would sputter. The whole class, including the teacher, stared at me with a look of pity on their faces. This was the kind reaction I got from most people: “Oh, I’m Sorry”, or “You should not be going there” and “well, you can always transfer”.

And then on May 16th, after a VERY long wait, I finally received the most amazing news: my appeal at USC was successful. I was ecstatic, not only because I had gotten accepted, but I had done the so-called “impossible”. But there was a catch: I had gotten in for the spring semester. In other words, I still had one semester at SMC.

I started SMC this past August and for me it has been a blessing in disguise. So, I have decided to write this message, to the Persian parent or assimilated Persian-American teen, that once you get passed the stigma that comes along with SMC, it is a wonderful



school. Yes, I said it, SMC is a great school.

Personally, SMC has been an excellent transition from high school to college educationally and socially. In high school, there is much more emphasis on the student as an individual and each student’s questions are answered. College is in the opposite end of the spectrum, where in most classes you are just a number and face in a crowd of 300-400 students. SMC fits somewhere in the middle; the classes, although larger than high school classes, still accommodate each student’s needs. I have also noticed that the teachers at community colleges are much more supportive than what I have heard of those at large universities. In a large university, a student is often forced to turn to a TA (teacher’s assistant) for help,



whom frequently is only a few years older than the student and isn't capable of answering many of the questions. Yet, at SMC I am given direct feedback from superlative professors, some of whom also teach at nearby universities like USC, UCLA and LMU.

Socially, SMC provides a friendly atmosphere and one can get involved in many clubs and activities on campus. With clubs like Chabad of SMC, Iranian Student Club, Student's Veteran's Association club and even Table Tennis Club, it is easy to meet other students with the same interests as yourself. Although SMC does not have the Greek or dorm life, one can always go to the parties at conveniently located nearby universities. I also have met some incredible people at SMC from different walks of life. There are many international students from Serbia, Sweden, London, Iran, China, Korea, etc. that I have gotten to know and it is interesting to hear their different perspectives on

this invaluable asset. Don't get me wrong, if you can get into the College/ University of your choice straight out of high school, Go for it! But if you see yourself stuck in a position in which the schools you got accepted to were not the right fit for you, or you didn't reach your full potential in high school, take SMC into consideration.

If I, a recent college applicant, could give you two pieces of advice for the following months as you fill out your applications and hear back from colleges it would be this ... First, keep all your options open. Apply to all the colleges you can actually see yourself going to, regardless of their name and prestige; don't just apply somewhere because your parents want you to. This is a big decision that is not only going to affect you for the next four years but for the rest of your life. Secondly, NEVER EVER second guess yourself and let someone else tell you "You can't do it". I know



certain issues. In addition, there are many 2nd time, middle-aged students and of course an ample amount of high school students as well.

So for you, the Iranian parent... I know SMC is not the most impressive school to tell the people in your "DOREH" that your child is going to, but SMC has great transfer rates to highly regarded universities and your son/ daughter will be much more acclimated to the college workload and stress levels when he or she enters a university.

And for you, the son or daughter, don't scorn

this is cliché and you have probably heard it many times, but take it from me. Everyone told me: "Don't get your hopes up, and don't appeal. No appeals go through." The website even cautioned that successful appeals were uncommon. But here I am, about to start USC in the spring, and it seems that everything worked out for me in the end, SMC and all.

\*Delila Pouldar, will be starting USC as a freshman in Spring 2009.

# Confessions Of A College Student

By: Sabba Rahbar \*

**“It is the most amazing feeling being independent. It is your responsibility to take care of yourself, do your work, clean your living area, and maintain some sort of balance in your life. The down side to all of this is that, my family, my home, and my old friends are not here with me.”**

“Good morning Maman!”

“Hi Sabba.”

“So what are you doing today?”

“Just running around, trying to finish Shofar, going to the doctor and taking the kids here and there.”

“YAY!”

“You”

“I have class, then I need to sleep.”

“Ok babe. Don’t forget to send me your article for this issue. Talk to you later. Love you.”

“No, no, I will have it to you by the deadline! Love you too.”

“Bye.”

“Bye.”

I hang up. It’s 10:55 AM on a Monday morning and I’m leaving class. And my mother is about 400 miles away.

I always knew I wanted to go away to college. At age ten I was set on going to drama school in New York. However, I never stopped to think about the fact that going away to college meant leaving my family and home.

Last spring when my dad and I visited UC Davis, I knew it was the school for me. My parents tried to convince me to stay in Los Angeles, telling me they would miss me too much and that they needed me here, but I left anyway. I look at my going to Davis as the best and the worst thing I have ever done.

It is the most amazing feeling being independent. It is your responsibility to take care of yourself, do your work, clean your living area, and maintain some sort of balance in your life. For me, it is absolutely gratifying to be able to create my own schedule and follow it. It makes me feel so accomplished.

The down side to all of this is that my family, my home, and my old friends are not here with me. Most mornings I get up and all I want is to kiss my little sister’s cheek. I just want to be back home in my own room with my family all around me. Video chatting makes it even worse because, I know that even though my younger brother is there, I won’t be able to hug him and yell at him for getting taller than me.

Going away to college is not something that a lot of children within the Iranian community do. Which is odd, since a lot of their parents left their family thousands of miles away in Iran and came to the United States to study; without even having a good command of the language, or being familiar with the culture. My parents always make the argument that this is the precise reason why they do not want their children to leave, because they know how hard it is. In my opinion that hardship has made them the successful, strong individuals they are today. Whenever I talk to my extended family about it they are shocked that my parents have allowed me to do this. And I have to admit I am a little shocked too. The only other person in my extended family, who left for college, was my uncle. He went to Yale! For some reason, it made sense for people when he left, more than when I wanted to leave.

For me, leaving home has made me realize just how much my family means to me. When you are a teen, the last thing you want is for your parents to control your life. I have to admit that I was often irritated by my parents and did not understand why they would not let me do the things I wanted to. But being away from them, I realize they did a lot of the things they did because they wanted me to be safe and happy. I appreciate them so much more now and just want them to know that although I am far away, I am always thinking about them.

College is scary. Being away from your family is scarier, and living on your own is terrifying. Yet, I know that once it is over I will feel better about myself, and I will know my way around the “real world.”

\* Sabba Rahbar is a freshman currently studying Dramatic Arts & Film Studies at University of California Davis.

# Five Tips For Law School

BY: Farbod Tojarieh \*

**“As you can imagine, law school is not easy; however, with a positive outlook and motivation, law school can be one of the best educational—and social—experiences of your life.”**

Allow me to preface this article by challenging a common misperception about law school. Law school is fun. While you will work hard; you will learn practical knowledge, and continuously test the boundaries of your intellect, all in an environment full of countless engaged, like-minded students, and profound faculty.

As you can imagine, law school is not easy; however, with a positive outlook and motivation, law school can be one of the best educational—and social—experiences of your life. With that said, there are a few important tips you should follow to make your first year in law school as enjoyable and successful as possible.

## 1. So How About Them Lakers?

Start making friends early. After the first two weeks of school, the social awkwardness barrier thickens and small talk usually isn't enough to penetrate it. Keep in mind that everyone is in the same position as you are: they know only a few people, if any. Also, while you will not have everything in common with your schoolmates, you will likely find that most of them are hyper socialites, waiting to entertain and be entertained.

Therefore, take advantage of the events held by your student government and section representatives and don't let your studies extinguish your social life.

The friends you make in law school can last you a lifetime.

## 2. Struggle, Reinforce, and Conquer

For this tip, I thank my chemistry professor, who constantly reminded her class that the key to learning is “struggling with the acquisition of knowledge.” An important caveat to her rule, however, was that the “struggle” should commence a week before lecture. Admittedly, following this rule requires an enormous amount of self-discipline and focus. For



that reason, I would be anything but truthful if I contended that I practice everything I preach.

However, in the few classes that I have followed my professor's rule, the results have been outstanding. The reason is simple: once you have understood the material on your own, your professor's lecture will serve to reinforce the material, allowing you to master the information and ultimately conquer your exam.

## 3. Use Casebook Alternatives

If you're having difficulty understanding a particular area of law, professor-specific outlines drafted by prior students and commercial supplements may prove helpful. My two favorite commercial supplement brands are the Examples & Explanations series, published by Aspen, ® and the Questions & Answers series, published by Lexis Nexis. ® The former does a great job of explaining the law in short, organized sections that are followed by examples to help you understand the boundaries and ill-defined areas of the law. The Questions & Answers series, on the other



hand, are packed with hundreds of multiple choice and essay questions, allowing you to drill particular legal concepts.

Professor-specific outlines drafted by prior students are also a great resource, provided they contain information that is accurate and thorough. One great place to find them is on [outlinedepot.com](http://outlinedepot.com), which has a vast collection of law school outlines available for a nominal fee. Further, if you are a member of a student organization, you may be able to obtain free outlines from the organization's outline bank. Finally, upper-classmen and alumni may be able to send you their old outlines—many are willing and eager to help since they, too, were once first-year law students.

#### 4. Practice Makes Perfect

Once you have mastered the substantive material, practice applying it to a given set of facts. If your exam is going to be in essay form, consider asking your professor if she distributes essay questions from previous years. If so, take the exam under normal test-taking conditions, and have her later review your practice exam once you are done.

If your exam will be in multiple choice format, you will probably have to rely on the Questions & Answers series since professors hardly release their multiple choice questions from previous years given the difficulty involved in creating them. Complete as many multiple choice problems as possible, leaving room for time to understand your mistakes.

#### 5. Go The Extracurricular Mile

While there are countless extracurricular activities available to law students, three are most common: student organizations, law review, and moot court. Attending student organization events can be an easy, fun way to get involved with your student body. Membership is usually not required, but suggested to keep you updated on future events. Examples of common student organizations are Jewish Law Students Association, Women's Law Association, and Public Interest Law Foundation.

Law review and moot court, on the other hand, consume a lot of time and have a highly selective membership process. Both usually require interested students to participate in a competition that takes place a few days after the last day of your first year and entails submit-

ting an arduous assignment. But, unlike membership in student organizations, membership in law review or moot court will substantially improve your résumé.

No matter how you approach law school, stay positive. In the midst of intense studying and back-to-back classes, it is easy to forget how privileged you truly are. Earning a prestigious legal education is an honor that few are ever able to experience. Embrace your fortune, work hard, and materialize your life goals.



\*Farbod Tojarieh is a third-year law student at Loyola Law School in Los Angeles. He may be reached via e-mail at [farbod.tojarieh@lls.edu](mailto:farbod.tojarieh@lls.edu).

# Watch Out Latkes, Here Comes Zoulbia

By: Tannaz Sassooni\*

**“No Jewish holiday would be complete without traditional food. Here in the States, we’re most familiar with latkes -- golden Ashkenazi potato pancakes often served with applesauce or sour cream. In modern Israel, around Hanukkah, bakeries fill with sufganiyot -- spongy doughnuts filled with fruit jelly. This doesn’t mean we, as Iranian Jews can’t make our own contribution to the Hanukkah table.”**

Thousands of years ago, facing religious persecution, a small and scrappy band of Jewish resistance fighters, led by the Maccabee brothers, secured religious freedom for the Jews, after years of fighting. After the victory, they focused on rebuilding the Temple, the heart of the ancient Jewish community. They had only enough oil to light the Temple’s eternal flame for one night, but it would take eight days to make more oil. Miraculously, that small bit of oil lasted eight days, and the flame did not go out.

Each year, Jews celebrate this victory, and the miracle of the oil, in the eight-day festival of Hanukkah. We spin dreidels and light candles, starting with one on the first night, and adding one candle for the next eight nights, strengthening the light every night. No Jewish holiday would be complete without traditional food. Here in the States, we’re most familiar with latkes -- golden Ashkenazi potato pancakes often served with applesauce or sour cream. In modern Israel, around Hanukkah, bakeries fill with sufganiyot -- spongy doughnuts filled with fruit jelly.

But did you know that throughout the

Mediterranean, North Africa, and the Middle East, there is another set of traditional Hanukkah foods? From Italian fritelle di chanuka, diamond-shaped fritters flavored with anise seeds and raisins, to Moroccan sfenj, orange doughnut rings, the Sephardic world celebrates Hanukkah by eating foods fried in oil. The Judeo-Spanish Hanukkah fritters, bimuelos, are sprinkled with cinnamon and sugar, and Greek Jews eat loukoumades, fried puffs with an olive-oil-based dough. (It’s interesting to note that the word loukoumas, the singular form of loukoumades, comes from the Arabic word loqma, meaning morsel or bite, which we also have in Persian. These Greek sweets are nothing more than a loqma of sweet fried dough!) And in Egypt, the fritter of choice is zalabia, purchased from street vendors and eaten hot out of hand.

Iran doesn’t have a strong food tradition associated with Hanukkah. Historically, it’s been a minor holiday, noted only with the nightly lighting of the hanukkiah, the Hanukkah menorah. After all, it’s only here in the United States that Jewish parents, anxious to offer their kids an alternative to the massive Christmas celebration, have made Hanukkah such a significant event in the Jewish calendar.

This doesn’t mean we, as Iranian Jews can’t make our own contribution to the Hanukkah table. We have a fine oil-fried contender: “zoulbia” that fits in perfectly on the Sephardic fritter map. These crisp drizzles of fried batter, soaked in syrup, perfumed with cardamom and rosewater, are a delicious way to introduce Iranian-American children to the flavors of the Persian dessert palate, all the while celebrating the ancient miracle of the oil.

Easy recipe for Zoulbia

This is a yeast-based batter; so allow time for it to rise. If you are working with children, take great care in the frying step, as the hot oil may spatter. You can buy plastic squeeze bottles from restaurant supply stores, or even from stores like Target, but in a pinch, an empty plastic shampoo, dish soap, or ketchup bottle with a narrow opening, thoroughly cleaned, works fine. Leave out the yogurt for a parve version of this dessert.

**Batter:**

- 1 cup flour
- 1 cup water
- 1 Tbs baking powder
- 2 Tbs yogurt (optional)
- 1 package yeast

**Syrup:**

- 1 cup water
- 2 cup sugar
- 1 Tbs honey
- dash cardamom
- 1/4 C rosewater

Vegetable, corn, or canola oil to fry

Mix together batter ingredients, let sit for 1 hour.

To make syrup, combine the first four ingredients in a small saucepan over medium heat, stirring occasionally,

until sugar is completely dissolved. Remove from heat and stir in rosewater.

Fill a large pan with a 1-inch layer of oil. Heat over medium-high heat until a drop of water dropped into the oil sizzles. Fill squeeze bottle with batter. Squeeze out batter into hot oil, creating spirals and free-form designs, but maintaining a generally circular shape. The end result should be lacy and not too heavy, so try to squeeze out enough batter to maintain the zoulbia's structure, but not too much to make a solid mass. Fry for a few minutes, flipping or submerging to fry both sides, until golden brown. Using tongs or two forks carefully remove zoulbia from pan and shake off excess oil. Drop gently into syrup, leave for a few seconds, and remove. Cool in a single layer.

Tannaz Sassooni is a freelance writer, currently working on an Iranian Jewish cookbook. She works as a technical director at DreamWorks Animation.



Photo: Letincelle(www.flickr.com)



## “Everybody Goes to the Movies”

Farnaz Solomon\*

**“Its coming Mommy. Pee-Pee. Pee-Pee. There was no time to carry him down the 20 flights of stairs. I technically couldn’t even leave the other 4 of them and I sure couldn’t take all of them to the bathroom. I had to think fast.”**

year old to the picture and this might potentially create a challenging recipe for utter disaster.

We fought time, we fought each other, we fought the San Fernando Valley heat, and we fought my faulty sense of direction – but we made it nevertheless. As we marched in orderly fashion into the mall that housed the theater, I remember sensing a faint glimmer of hope that this day might actually be a success. I strategically ordered lunch for all 5 of them (from 3 different spots in the food court, of course) and I commanded each one to carry 1 thing. We made it into our seats and everyone, except me, ate a bit of something. I personally was content with just a few sips of Amanda’s Coke and the protruding smell of popcorn that filled the theater.

About half way into the movie, my little 4 yearsold was completely and absolutely done. The past/present/future theme was just too confusing, borderline boring. The 3D glasses were 7 sizes too big for him and he was tired. But I, the



**Shofar**

Iranian American Jewish Federation

issue 161

30

It was halfway into a 2 week long, treacherous Passover break and all of my resources had reached their absolute and final state of depletion. By now, it was payback time for all the play dates my children had attended last week. My children, Amanda and Daniel were sick of hearing their friends talk about the “Meet the Robinsons in 3D” movie and firmly demanded that their own mother take them and their friends to see this fine Disney production. There was no escape and I had to accept. After all, taking 4 kids to the movies doesn’t sound that bad. And after all, everybody goes to the movies. Now add my 4

expert mother of 4, had even prepared for that; I had brought along his “blanky.” I placed it on him and he gently dozed off, falling fast asleep in my lap. I could just see the flags of victory waving at me from every angle of the dark theater and it all seemed just perfect.

...Just perfect until I felt a warm stream of water soil my jeans. I knew without a doubt that I wasn’t pregnant anymore, which immediately crossed out any possibility of my water breaking. I also knew that I was not suffering from any bladder inconsistency issues just yet. So, if the wet warm stream wasn’t coming from

me, it must have been coming from the 4 year old sleeping in my arms. The second I realized that the undeniable identity of the warm stream was actually the 4 year-old's urine, I moved him just a bit to somehow stop him. He awakened in a foggy daze and insisted that his pee was spilling right now.

"Its coming Mommy. Pee-Pee. Pee-Pee." There was no time to carry him down the 20 flights of stairs. I technically couldn't even leave the other 4 of them and I sure couldn't take all of them to the bathroom. I had to think fast. The 4 year old was getting louder by the mili-second – "its coming, its spilling." The poor boy was trying real hard to hold it but time was running out. I looked around me for any kind of solution whatsoever – not knowing what I was even looking for. In my frantic search, I found glowing in the dark right next to my hand, Amanda's beautiful red ¾ full cup of Coke. Without wasting another second, I pulled off the lid and drank like a 22-year-old girl in Hawaii on Spring Break at some bar drinking contest. The only objective now was to rapidly create liquid space for my desperate son's pee-pee. "Why are you drinking it all mommy. Leave some for me. I told you to get your own." Amanda really loves Coke and she couldn't bear to see me finish her drink. But I couldn't hear her right now. As I drank in a suffocating haste I pulled down his soiled jeans and finally placed the now ¾ empty cup of theater coke under my 4 year old's tiny penis. "It's OK mommy," I whispered softly clenching the cup to his thin legs. " You can go pee-pee now, everything is fine, don't worry, mommy is here."

At this point, the 4 year old finally let go and pee'd his way to calmness in that fine cup of coca-cola. It was just enough to fill the cup and not spill over and it was towards the end of the movie. I took off his soiled pants and underwear and wrapped my jean jacket around his bottom. On the drive back, the kids were tired and calm and I philosophically reflected upon the afternoon's events. I could only think of all the solutions, big and small, that all the mothers in history have come up with before me and will come up with after me. And I could only think, after all that, how necessity is truly the mother of all invention.

\*Farnaz Solomon is a lawyer by profession and a wife and mother of four by choice, living in Los Angeles with her husband and children.

## Writers & Reporters Wanted

**Shofar Magazine is  
looking for energetic  
enthusiastic individuals  
who would be interested  
in submitting feature  
articles, short stories and  
attending different social  
events within the  
community and reporting  
them for publication.  
A press pass will be  
issued to those who  
qualify.**

**For more information  
please contact:**

**MMRAHBAR@AOL.COM**

**Shofar**

Iranian American Jewish Federation

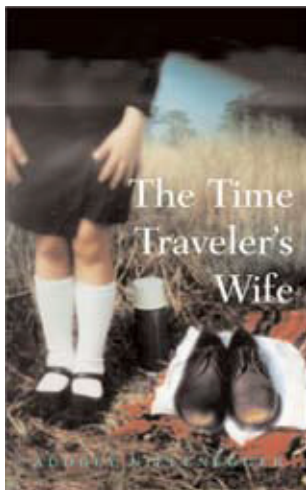
31 | issue 161

## Book Review

### “The Time Traveler’s Wife”

Written By: Audrey Niffenegger

Reviewed By: Shirin Gabay



Henry and Clare’s unconventional, yet endearing love story is the core of Audrey Niffenegger’s debut novel “The Time Traveler’s Wife”.

Henry DeTamble is a reluctant time traveler who travels through time by no choice of his own: he simply disappears from the present time, leaving behind his clothes and possessions, and travels either to the future or the past arriving with no clothes and no knowledge of his whereabouts. Henry often commits petty theft to feed and clothe himself while traveling. He frequently has to defend himself and be prepared to run from people he encounters such as the Police. After some time, which could be from a few minutes to several hours, Henry returns to present time bringing with him only the bodily injuries he’s suffered. Sometimes he travels back in time and visits the younger versions of himself, or revisits his parents in happier times, but most of all he travels to the Meadow behind Clare’s house where the young Clare first meets Henry and eventually falls in love with him.

Clare first meets Henry when she is 6 and he is 38, they are already married to each other in the future, from which he is traveling. Since he is older, he knows the dates of his future visits and provides Clare with a list of dates and times, which he will appear in the meadow. Clare keeps a box hidden in the meadow with some clothes and food for Henry, and later prepares a room in the basement of her house for his longer visits. Henry becomes her big

secret. She cannot explain to anyone her relationship with an older man who travels through time to be with her. Henry helps her through out her younger years and especially during her adolescence. Even though they never become romantically involved, Clare has no interest in the boys living in her present time, while growing up which makes it socially difficult for her. Clare meets Henry in real time when she is 20 and he is 28, and she is already in love with him, even though he has no idea who she is.

The story is told in first person by both Henry and Clare. Each chapter begins with the date and an age for Clare, and sometimes multiple ages for Henry, when more than one version of him is present. Clare’s story is in a constant time line, from childhood to adolescence and then adulthood, with Henry time traveling in and out of her life. Later in life Henry learns the cause of his spontaneous travel through time. He learns that he cannot fly on a plane, because it won’t be in the same place when he returns, and he can never drive, because it would be disastrous if he disappeared while behind the wheel.

Henry and Clare’s love stands the test of time in more than one incident. Clare first meets Henry when he is 38, and falls in love with the mature version of her future husband. Eventually when they meet in real time, Clare constantly compares the young reckless Henry to the older, more mature and much wiser Henry she remembers from her childhood. She copes with her husband’s disappearances, and nurses his wounds when he returns to their present time. Their devotion to one another is exemplary. Love conquers all no matter how difficult the relationship may be.

A recurring theme in the book is destiny. Henry travels through time and often knows the future, but he is not able to alter the events. Henry’s mother dies in a car accident when he is 6 years old. He travels through time to the moments before and after the accident, but does not have the power to change this most significant life event, the loss of his mother. In Clare’s younger years, Henry knows much about her future, but declines to tell her, because he knows she could not do anything to change the future or to stop it from happening.

“The Time Traveler’s Wife”, is an unconventional love story about two people destined to be together. The hurdles placed in their path can only be conquered by their love and devotion to one another. As you share the love between Henry and Clare, you will laugh, cry and be at the edge of your seat while Henry travels through time. A wonderful adventure, which I hope, you will enjoy as much as I have.



Bijan Afar D.D.S., M.S.

PERIODONTICS & IMPLANT DENTISTRY

دکتر بیشن عافا  
جراح تخصصی ایمپلانت و کاشت دندان

با کاشتن دندان از پیری  
زودرس صورت جلوگیری کنید.

Member, American Academy of Periodontology  
Fellow, International Congress of Oral Implantologists  
Member, American & California Dental Association  
Member, American Academy of Implant Dentistry  
Member, Academy of Osseointegration

کاشتن دندان منجر به  
جراحی دندان و ایمپلانت بدون جراحی  
پیوندش پیوند استخوان  
رشد استخوان برسد  
جراحی زیبایی  
درمان دردناک  
درمان و کنترل بوی بد دهان  
تیمبر عمیق لثه و کوتاژ لثه  
بیوشی کامل پوسته تخصصی بیوشی

زیبایی  
زیبایی  
سلامتی  
اعتقاد به نفس



10921 Wilshire Boulevard, Suite 904  
Los Angeles, CA 90024

Toll Free 800 - 4-AN-IMPLANT  
Los Angeles 310-443-4444  
Encino 818-981-3444  
Glendale 818-500-7720

EMAIL: DRAFAR@ORALIMPLANTS.COM

[www.oralimplants.com](http://www.oralimplants.com)



# Shofar

Iranian American Jewish  
Federation Quarterly  
Winter 2008-2009 Issue

**Las Vegas**

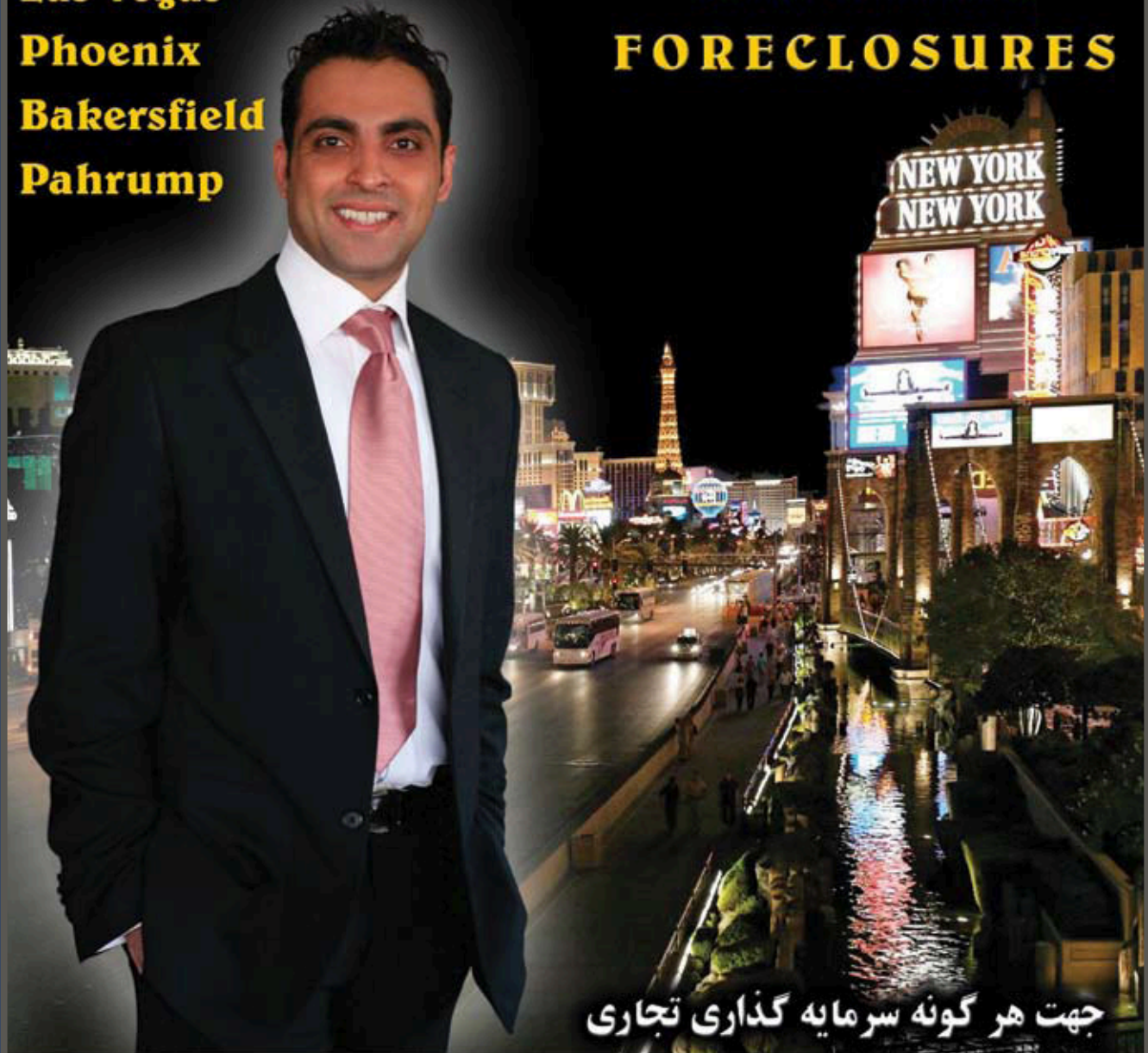
**Phoenix**

**Bakersfield**

**Pahrump**

Call for Commercial

**FORECLOSURES**



جهت هر گونه سرمایه گذاری تجاری

**ONYX**  
Realty Group

**Peyman Masachi**

**702.734.2211**

**Iranian American  
Jewish Federation,**  
1317 N. Crescent Heights Blvd.  
West Hollywood, CA 90046  
Adress Correction Requested

PRESORT NON PROFIT  
US POSTAGE  
PAID  
PERMIT # 1522  
LOS ANGELES, CA